

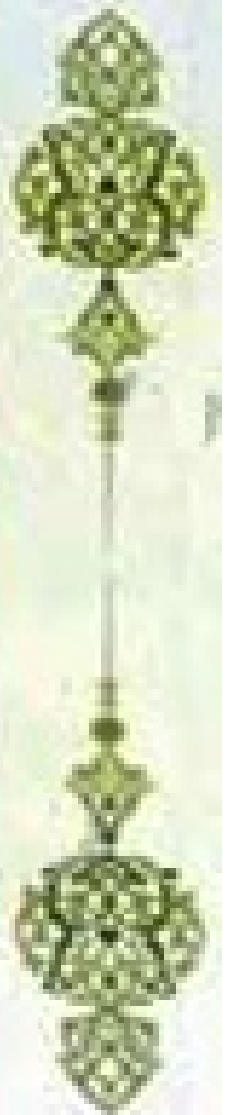


احکام مسافر

مطابق با فتاویٰ مراجع عظام اهل بیت

تدوین گروه فقه مرکز علمی باسنادآور به سؤالات دینی

ویرایش دوم



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

احكام مسافر : مطابق با فتاوى مراجع عظام تقليد

نويسنده:

مرکز ملی پاسخگوئی به سوالات دینی

ناشر چاپی:

فراکاما

فهرست

۵	فهرست
۸	احکام مسافر مطابق با فتاوی مراجع عظام تقلید
۸	مشخصات کتاب
۸	فهرست کتاب
۹	مقدمه
۱۲	پیشگفتار
۱۲	شرط اول سفر، کمتر از مسافت شرعی نباشد.
۱۲	پرسش‌های مقدماتی
۱۴	مسافت امتدادی و مسافت تلفیقی
۱۵	خلاصه
۱۹	شرط دوم از آغاز مسافرت، مسافت شرعی قصد شده باشد.
۱۹	پرسش‌های مقدماتی
۲۱	قصد مستقل و قصد تبعی
۲۳	شرط سوم قصد مسافت تا آخر سفر، استمرار داشته باشد.
۲۳	پرسش‌های مقدماتی
۲۶	مقدمه:
۲۶	اشاره
۲۶	در اثنای سفر، قواطع سفر، تحقق پیدا نکند
۲۶	مباحث این فصل را تحت پنج عنوان زیر پی خواهیم گرفت.
۲۶	عنوان اول وطن، اقسام و احکام آن
۲۶	پرسش‌های مقدماتی
۲۶	مقدمه:
۲۶	اشاره

- ۱- وطن اصلی * ۲۷
- ۲- وطن اتخا‌ذی (وطن مستجد) ۲۷
- ۳- وطن حکمی *(شبه الوطن) ۲۹
- ۴- وطن قه‌ری ۲۹
- ۵- وطن شرعی ۶۷ ۲۹
- خلاصه ۳۱
- عنوان دوم اعراض از وطن و احکام آن ۳۲
- پرسش‌های مقدماتی ۳۲
- عنوان سوم قصد اقامه و احکام آن ۳۳
- پرسش‌های مقدماتی ۳۳
- عنوان چهارم سی روز توقف بدون قصد ۳۸
- پاورقی ها ۴۱
- شرط پنجم سفر، حرام نباشد ۵۳
- پرسش‌های مقدماتی ۵۳
- خلاصه ۵۴
- شرط ششم خانه به دوش نباشد ۵۶
- مسافرت، شغل نباشد ۵۶
- پرسش‌های مقدماتی ۵۶
- مقدمه ۱۴۴ ۵۶
- چند نکته قابل توجه ۵۷
- دو تذکر مهم ۵۷
- خلاصه ۶۰
- شرط هشتم به حد ترخص رسیده باشد ۶۷
- پرسش‌های مقدماتی ۶۷

۶۹ خلاصه
۷۲ مسائل متفرقه
۷۶ احکام روزه مسافر
۷۸ نماز جمعه و جماعت مسافر
۷۹ فصل دوازدهم احکام بلاد کبیره
۷۹ مقدمه ۲۲۲
۸۱ جواب سؤالات
۸۷ توضیح چند واژه
۸۸ منابع و مأخذ
۸۹ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

احکام مسافر مطابق با فتاوی مراجع عظام تقلید

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: احکام مسافر: مطابق با فتاوی مراجع عظام تقلید/ تدوین گروه فقه مرکز ملی پاسخ‌گویی به سوالات دینی.
 مشخصات نشر: قم: فراکاما، ۱۳۹۰.
 مشخصات ظاهری: دوازده، ۲۲۸ص.
 شابک: ۳۵۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۴۱۳-۱-۶
 یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۲۷-۲۲۸؛ همچنین به صورت زیرنویس.
 موضوع: فقه جعفری -- رساله عملیه
 موضوع: مسافرت (اسلام)
 موضوع: مسافرت (فقه)
 شناسه افزوده: حوزه علمیه قم. دفتر تبلیغات اسلامی. مرکز ملی پاسخگویی به سوالات دینی. گروه فقه
 رده بندی کنگره: BP۱۸۳/۹/الف/۳۳۷ ۱۳۹۰
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۴۲۲
 شماره کتابشناسی ملی: ۲۴۲۵۵۰۰
 تألیف: م.ا.وافر

فهرست کتاب

مقدمه
 پیشگفتار
 سفر، کمتر از مسافت شرعی نباشد
 مسافت شرعی
 استمرار قصد مسافرت تا آخر سفر
 قواطع سفر
 سفر حرام نباشد
 از افراد خانه به دوش نباشد
 مسافرت شغل نباشد
 به حد ترخص رسیده باشد
 مسائل متفرقه
 روزه مسافر
 نماز جمعه و جماعت مسافر
 احکام بلاد کبیره
 جواب سؤالات

توضیح چند واژه

منابع و مأخذ

مقدمه

دین اسلام، دین علم و آگاهی ۱ و مبارزه با نادانی است و در این هیچ تردیدی نیست. آیات و روایات درباره علم چندان زیاد است که اگر همه آنها گردآوری شود، کتاب و بلکه کتابهای پر برگ و باری خواهد شد.

نخستین فرمان خداوند به پیامبر اسلام (ص) «اقراء» ۲ است و هم او - جلت عظمته - به قلم و نوشته سوگند یاد نموده ۳ و به پیغمبر خاتم - که خود شهر علم می‌باشد ۴ - امر به فزون خواهی علم فرموده است ۵. در روایات نیز، علم گمشده مؤمن ۶ و رأس هر خیر ۷ و برتر از عبادت شمرده شده است ۸ و آموختن دانش بر هر مسلمانی واجب دانسته شده ۹ و دانش آموز مانند «مجاهد فی سبیل الله» قلمداد شده است. ۱۰

این مختصر خوشه‌ای بود از خرمن‌ها و هر دل سخن‌پذیری بی اغراق به این سخن دلپذیر اقرار خواهد کرد که رکن رکن مکتب حیات بخش محمدی (ص)، تکریم علم در کلیه ابعاد آن است.

البته، اگر چه سفارش اسلام به علم، مطلق است و مختص به رشته‌ای خاص نیست، اما برخی از علوم به لحاظ این که می‌توانند علاوه بر تأمین سعادت دنیوی، متضمن سعادت اخروی نیز باشند، از امتیازات بیشتری برخوردارند و آن علوم دینی است. ۱۱ روشن است که علم به دین در گرو علم به آن است و تا هنگامی که کسی آگاهی از دین نداشته باشد، نمی‌تواند به آن جامه عمل پوشد. ۱۲ آگاهی به اصول دین - و یا حداقل اینکه یقین به آن - بر هر مسلمانی واجب است و در این زمینه از کسی نمی‌توان تقلید کرد. هم چنین آگاهی به فروع دین بر همه مسلمانان واجب است. این آگاهی ممکن است بر دو گونه باشد: از راه تحقیق (اجتهاد) و از راه تقلید. اجتهاد از تقلید برتر است و در اسلام، اصل بر این است که هر فرد از راه تحقیق و اجتهاد به فروع دین عمل کند؛ اما گستردگی مباحث دین و اشتغالات مردم به امور گوناگون، مانع از شناخت اجتهادی و تحقیقی آنان از فروع دین است. از این رو به مردم رخصت داده شده که در فروع دین تقلید کنند و چون خودشان نمی‌توانند به تحقیق در این باره بپردازند و به اجتهاد نائل شوند، دست کم از طریق تقلید از مجتهد به شناخت احکام دین نائل آمده و به آن عمل کنند.

از آن جا که تقلید از مجتهد مستلزم دانستن فتوا و نظر اوست، شناخت احکام دین از طریق تقلید بر هر مسلمانی لازم است. این حداقل انتظاری است که از یک مقلد می‌رود و در غیر این صورت، اساساً تقلید ممکن نیست. در آغاز همه رساله‌های توضیح المسائل آمده است: دانستن احکامی که انسان به آن نیاز دارد و بدان مبتلا می‌شود، واجب است. نتیجه سرپیچی از این مهم آن می‌شود که شخصی که یک عمر به حکمی عمل کرده، چون آن را با جهل به حکم شرعی انجام می‌داده، عملش باطل یا حرام گردیده است. مثال بارز و روشن این موضوع، احکام عبادات و معاملات است که همه مردم به آنها اشتغال دارند، چه بسا شخصی است که عبادات خود را بدون دانستن دقیق احکام انجام می‌دهد که ممکن است با دستورات شرع مقدس مطابق نباشد و در نتیجه عمری عبادت باطل به جا آورد. ۱۳ و چه بسا کسی است که به تجارت اشتغال دارد و احکام آن را نمی‌داند و دچار ربا و حرام می‌شود و خود از این موضوع آگاهی ندارد. حضرت امیرالمؤمنین (ع) فرموده است: «کسی که بدون آگاهی به تجارت بپردازد دچار ربا می‌شود» ۱۴، و از آن مهم‌تر، مسائل ازدواج است که اگر بدون علم به مسائل آن انجام شود، گاه منجر به بطلان عقد ازدواج و ولد شبهه می‌شود و در نتیجه یک عمر افسوس و پشیمانی و فشار روحی و روانی در پی دارد. ۱۵

خلاصه سخن اینکه بر هر مسلمانی واجد است که به احکام دین علم داشته باشد تا در عمل، دچار لغزش و خطا نشود و اعمالش درست و بر پایه نظر شرع مقدس انجام گیرد.

یکی از مسائلی که اغلب مردم با آن مواجهند، احکام مسافر است. از آن جا که در گذشته وسائل نقلیه تا به این اندازه نبوده و مسافرت کمتر از امروزه انجام می‌شده، احکام مسافر تا به این اندازه مورد ابتلای مردم نبوده است. اما امروزه با زیاد شدن وسائل نقلیه و با مسافرت‌های زیادی که انجام می‌گیرد، احکام مسافر بیش از پیش مورد ابتلای مردم است و کمتر کسی یافت می‌شود که با آن روبه‌رو نشود. از این رو نگارنده بر آن شد که احکام مسافر را بر پایه رساله‌های عملیه مراجع معظم تقلید و با توضیحات و اضافات لازم، بازنویسی کند و در یک مجموعه عرضه نماید، امید است مرضی حضرت حق - جل و علا - واقع شده و راهگشای خواهران و برادران دینی باشد. در پایان تذکر نکاتی چند لازم است:

۱- در آغاز هر فصل، برای قرار گرفتن خواننده محترم در فضای مباحث، پرسش‌هایی طرح شده و جواب آن پرسش‌ها، همان مطالب مذکور در آن فصل است.

۲- در پایان هر فصل، خلاصه‌ای از مطالب آن فصل برای استفاده بیشتر ذکر شده است. باید توجه داشت که مطالب بیان شده در خلاصه، براساس متن آن فصل است و فتاوی مراجع - که در پاورقی آمده - لحاظ نشده است.

۳- با توجه به اینکه هنوز افراد زیادی بر تقلید از مراجع در گذشته - رضوان الله علیهم - باقی اند و افرادی نیز از مراجع فعلی - ادام الله اظلالهم - تقلید می‌کنند، برای فایده بیشتر و با وجود مشکلات متعدد، نظریات ده تن از مراجع بزرگوار تقلید را با هم ذکر کرده‌ایم.

۴- بر اهل نظر مشکلات و تنگناهای تدوین مجموعه‌ای در زمینه احکام، آن هم براساس فتاوی مراجع معظم تقلید - که بعضی از آنان رحلت کرده‌اند و امکان استفتا وجود ندارد - پوشیده نیست. از این رو با همه تلاشی که برای ارائه هر چه بهتر مطالب کرده‌ایم، باز اذعان داریم که اثری بی‌عیب و نقص نیست. ان شاء الله با انتقادات و تذکرات مشفقانه همه عزیزان، به ویژه دفتر آیات عظام، در چاپ‌های بعدی نارسایی‌های آن اصلاح خواهد شد.

۵- در مواردی که فتوای مرجع را به دست نیاوردیم، در مقابل نامش علامت سؤال (؟) گذاشته‌ایم و چنانکه فتوای مرجعی را خودمان از مبنای ایشان استنباط کرده‌ایم، با حرف (ن)، یعنی نویسنده، مشخص نموده‌ایم.

۶- از به کار بردن الفاظ تخصصی ۱۶- که برای عموم نامفهوم است و موجب سردرگمی می‌شود، احتراز کرده‌ایم و فقط اصل فتوای مراجع را به صورت صریح بیان نموده‌ایم.

۷- متن کتاب شامل فتوای امام راحل -اعلی الله مقامه الشریف - است و فتوای سایر مراجع معظم تقلید در پاورقی آورده شده است. فقط در دو مورد از این روش عدول شده است: یکی در مبحث «وطن» که متن آن براساس فتوای مرجع خاصی نیست و جمع بندی فتوای تمام مراجع می‌باشد؛ دیگری در مبحث «کثیرالسفر» (فصل هشتم) که متن آن شامل فتوای مرحوم آیت الله اراکی و آیت الله گلپایگانی - قدس سرهما - است.

۸- برای توجه دادن خواننده محترم به برخی نکات ظریف و دقیق در بعضی موارد پرسش‌هایی طرح شده، که عزیزان با دقت در مطالب کتاب می‌توانند پاسخ آنها را بیابند. با این حال، جواب این پرسش‌ها در آخر کتاب نیز آورده شده است.

۹- برخی از عبارات متن که به نظر می‌رسید نیاز به توضیح بیشتری دارد، با علامت ستاره «*» در پاورقی توضیح داده شده است.

۱۰- در بیان نظریات مراجع معظم تقلید در پاورقی، ترتیب الفبایی رعایت شده است، جز در موارد کمی، آن هم به علت مشکلات نوشتاری.

۱۱- برای پرهیز از طولانی شدن، به جای بعضی از کلمات، از حروف رمزی به شرح زیر استفاده شده است:

ف: فصل ع: عروه الوثقی

ن: نویسنده م: مسئله

ر: رساله توضیح المسائل ج: جواب

س ۱۷: سؤال ص: صفحه

در پایان لازم است از همه عزیزانی که در ارائه این اثر همکاری نمودند تقدیر و تشکر شود؛ به ویژه آقایان مقیم، کارگر، بیگدلی، معلمی و کیاپاشا که هر کدام به نحوی منت نهاده و مساعدت فرمودند . خداوند همه را جزای خیر دهد .

هم چنین از این که، برای ایجاز و پرهیز از اطاله، اسامی آیات عظام و مراجع معظم تقلید را بدون القاب آورده‌ایم، پوزش طلبیده و از خداوند متعال برای مراجع در گذشته، علو درجات و مراجع بزرگوار حاضر، طول عمر و صحت مسألت داریم .

محمد وافر

آذر ۱۳۷۶

حوزه مقدسه قم

۱- قال رسول الله (ص): «العلم حياة الاسلام و عماد الدين». (میزان الحکمه، ج ۶).

۲- «اقرأ باسم ربك الذي خلق». (علق، آیه ۱).

۳- «ن و القلم و ما یسطرون»، (القلم، آیه ۱).

۴- «انا مدینه العلم و علی بابها» (بحار الانوار، ج ۱۰).

۵- «و قل رب زدنی علما». (کهف، آیه ۱۱۴).

۶- قال علی (ع): «العلم ضالة المؤمن». (میزان الحکمه، ج ۶).

۷- قال رسول الله (ص): «العلم رأس الخیر کله و الجهل رأس الشر کله». (میزان الحکمه، ج ۶).

۸- قال رسول الله (ص): «العلم افضل من العبادة». (میزان الحکمه، ج ۶).

۹- قال رسول الله (ص): «طلب العلم فريضة على كل مسلم و مسلمة». (میزان الحکمه، ج ۶).

۱۰- قال علی (ع): «الشخص في طلب العلم كالمجاهد في سبيل الله». (میزان الحکمه، ج ۶).

۱۱- الکمال، کل الکمال التفقه فی الدین». (بحار النوار، ج ۷۸).

۱۲- قال رسول الله (ص): «من عمل علی غیر علم کان ما یفسده اکثر مما یصلح». (میزان الحکمه، ج ۶).

۱۳- سؤال ۱۸۱: «با توجه به مسئله ۲۴۷ رساله: «کسی که پیش از شستن صورت، دست‌های خود را تا مچ شسته، در موقع وضو باید تا سرانگشتان را بشوید و اگر فقط تا مچ را بشوید، وضوی او باطل است»، من با این که فردی با سواد بودم و رساله هم در اختیار داشتم، نسبت به این مسئله بی‌اطلاع بودم و مدت چهارده سال وضوی خود را بدین طریق می‌گرفتم که: دست‌ها را فقط تا مچ می‌شستم و نیتی هم که در وضو داشتم تا سر مچ بوده، نمازهایی که با این وضو خوانده‌ام چه صورتی دارد؟».

جواب - نمازهایی که با وضوی به کیفیت مزبور خوانده‌اید صحیح نیست و باید قضای آنها را به جای آورید.

استفتاآت امام خمینی (ره)

۱۴- «من اتجر بغير فقه فقد ارتطم فی الربا». (نهج البلاغه).

۱۵- ماه مبارک رمضان در مسجد حاج ابوالفتح تهران سخنرانی داشتم. یک روز در مورد زن‌هایی که به جهت عللی، ازدواج با آن‌ها حرام است، صحبت می‌کردم و اینکه اگر کسی با این قبیل زن‌ها ازدواج کند، عقدش باطل است. همین که مجلس به پایان رسید، شخصی که حدود شصت سال داشت هراسان به سویم آمد و با حال گریه و ناله گفت: ای آقا! دستم به دامن، تکلیف من چیست؟ من این مسئله را نمی‌دانستم و در زمان جوانی این خطا را مرتکب شده و با چنین زنی ازدواج کرده‌ام و چندین پسر و دختر

از او دارم چه خاکی بر سر کنم؟ من چطور می‌توانم امروز به خانه بروم و بگویم ای خانم! شما زن من نیستید؟! و بر من حرام هستید؟! به فرزندانم چه بگویم؟... (کتاب ارمغان هند و پاک).

۱۶- مثل: احوط، اولی، اقرب، بعید نیست و...

۱۷- هر کجا در مقابل اسم مراجع معظم تقلید، حرف «س» آمده، مراد سؤالی است که در استفتاآت چاپ شده، ذکر گردیده و شماره سؤالات مطابق همان کتاب‌هاست.

پیشگفتار

- ۱- سفر، کمتر از مسافت شرعی نباشد
 - ۲- از آغاز سفر، مسافت شرعی قصد شده باشد.
 - ۳- قصد مسافت تا آخر سفر، استمرار داشته باشد.
 - ۴- در اثنای سفر، قواطع سفر، تحقق پیدا نکند.
 - شرایط هشت گانه برای ۵- سفر، حرام نباشد.
 - شکسته خواندن نماز ۶- از افراد خانه به دوش نباشد.
 - ۷- مسافرت، شغل نباشد.
 - ۸- به حد ترخص رسیده باشد.
- با هشت شرط مزبور، مسافر باید نماز ظهر، عصر و عشا را بصورت دو رکعتی به جا آورد. *** هم چنین، نافله ظهر و عصر نیز ساقط می‌شود، اما نافله عشا (دو رکعت نماز نشسته به نام نماز و تیره) را می‌تواند به قصد رجا (به امید قبولی) به جا آورد. ***
- به نماز ظهر، عصر و عشا که مسافر - در صورت تحقق شرایط هشت گانه - دو رکعت می‌خواند، نماز قصر یا شکسته می‌گویند، در مقابل، نماز شخص حاضر (غیر مسافر) یا مسافر غیر واجد شرایط هشت گانه را - که چهار رکعتی است - نماز تمام می‌گویند. حتی اگر یکی از شرایط هشت گانه، تحقق پیدا نکند، نمی‌توان نماز را شکسته خواند.
- نماز صبح و مغرب، شکسته و تمام ندارد و نسبت به مسافر و غیر مسافر یکسان است.
- * - هم چنین، نافله ظهر و عصر نیز ساقط می‌شد، اما نافله عشا (دو رکعت نماز نشسته به نام نماز و تیره) را می‌تواند به قصد رجا (به امید قبولی) به جا آورد.

شرط اول سفر، کمتر از مسافت شرعی نباشد.

پرسش‌های مقدماتی

- مسافت شرعی چیست و چند کیلومتر است؟
- مسافت شرعی چند قسم است؟
- مسافت شرعی تلفیقی چیست و چه شروطی دارد؟
- ابتدا و انتهای مسافت شرعی کجاست؟
- آیا ابتدای مسافت شرعی، در وطن و غیر وطن فرق دارد؟
- از چه راهی می‌توان مسافت شرعی را به دست آورد؟

- موقع شك در مسافت چه باید کرد؟

مسأله ۱- مسافت شرعی، هشت فرسخ است که حدود ۴۵ کیلومتر می‌باشد. ۱۸ (س ۳۵۹)

مسأله ۲- کسی که می‌خواهد مسافتی به اندازه هشت فرسخ (یا بیشتر) را طی کند، باید نماز را شکسته بخواند (البته اگر هفت شرط دیگر را هم دارا باشد). بنابراین اگر مسافت محلی که قصد رفتن به آن جا را دارد، حتی مختصری کمتر از هشت فرسخ باشد، نمی‌تواند نماز را شکسته بخواند. ۱۹ (ر.م ۱۲۷۴) برای توضیح بیشتر به بحث مسافت امتدادی و تلفیقی مراجعه شود.

مسأله ۳- کسی که نمی‌داند سفرش هشت فرسخ است، نباید نماز را شکسته بخواند و چنان چه شك کند که سفرش هشت فرسخ است یا نه - در صورتی که تحقیق کردن برایش مشقت داشته باشد - باید نماز را تمام بخواند و اگر مشقتی نداشته باشد، بنابر احتیاط واجب باید تحقیق کند. ۲۰ (ر.م ۱۲۷۴)

مسأله ۴- مقدار مسافت را می‌توان از راه‌های مختلف به دست آورد: نخست این که خودش اندازه‌گیری کرده و یقین حاصل کند. دوم این که در میان مردم معروف باشد. سوم این که دو نفر عادل خبر دهند. ۲۱ (ر.م ۱۲۷۴)

مسأله ۵- اگر یک نفر عادل خبر دهد که سفر انسان هشت فرسخ یا بیشتر است، بنابر احتیاط واجب باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند و اگر ماه رمضان باشد باید روزه بگیرد و قضای آن را نیز به جای آورد. ۲۲ (ر.م ۱۲۷۵).

مسأله ۶- اگر کسی با یقین به هشت فرسخ (یا بیشتر) بودن سفرش، نماز را شکسته بخواند و بعد بفهمد که سفرش کمتر از هشت فرسخ بوده؛ نمازش باطل است و باید دوباره آن را چهار رکعتی بخواند و اگر وقت گذشته، چهار رکعتی قضا نماید. ۲۳ (ر.م ۱۲۷۶).

مسأله ۷- اگر کسی با یقین به این که سفرش کمتر از هشت فرسخ است، نماز را تمام بخواند و بعد بفهمد که سفرش هشت فرسخ بوده، باید نماز را دوباره شکسته بخواند و اگر وقت گذشته باشد، بنابر احتیاط واجب باید آن را به صورت شکسته قضا نماید. ۲۴ (ر.م ۱۳۶۱).

مثال: شخصی تهرانی به مقصد روستای «الف» واقع در هشت فرسخی تهران حرکت می‌کند، با این تصمیم که دو هفته در آن جا توقف نماید. در حالی که پیش خود یقین داشت که فاصله تهران تا آن روستا هفت فرسخ است. از این رو در بین راه، نماز ظهر و عصر را تمام خواند، اما وقتی به روستا رسید (یا نرسیده به روستا) به اشتباه خود پی برد، در این صورت بر این شخص واجب است نماز ظهر و عصر را دوباره به صورت شکسته بخواند.

مسأله ۸- ابتدای مسافت را باید از دیوار شهر حساب کرد (در قدیم که اطراف شهرها را دیوار می‌کشیدند)، ولی در حال حاضر که شهرها دیوار ندارند، ابتدای مسافت از آخرین محدوده عرفی شهر حساب می‌شود. بنابراین، اگر به نظر اهالی، کارخانه‌ها و شهرک‌های اطراف - که متصل به شهر هستند - جزو شهر باشند، آخر آنها، آخرین محدوده عرفی شهر است؛ ۲۵ اما اگر به نظر اهالی، آنها جزو شهر نباشند، آخرین محدوده عرفی شهر، خانه‌ها آخر شهر است. (س ۲۴۱ و ۲۴۲).

مسأله ۹- چنان چه کسی از قواطع سفر*، اقدام به مسافرت نماید، ابتدای مسافت همان است که در مسأله هشت گذشت؛ اما در غیر قواطع، ابتدای مسافت، نقطه آغاز سفر است، اگر چه در وسط شهر باشد. **

مثال: شخصی اهوازی برای تفریح یا بدرقه مسافری، تا روستای «الف» (واقع در دو فرسخی اهواز) می‌رود. در منزل دوستش در آن روستا تصمیم می‌گیرد به روستای «ب» (واقع در هشت فرسخی روستای «الف») سفر کند. ابتدای مسافت برای او درب منزل دوستش است (نه آخرین محدوده عرفی روستای «الف»).

مسأله ۱۰- ابتدای مسافت در شهرهای خارق العاده بزرگی مثل تهران (بلاد کبیره)، دیوار منزل است. * (س ۲۷۷).

مسأله ۱۱- انتهای مسافت شرعی، دیوار شهر مقصد است؛ ولی در حال حاضر که شهرها دیوار ندارند، انتهای مسافت، ابتدای

محدوده عرفی شهر * مقصد می‌باشد. * * البته این در صورتی است که مقصد مسافر، خود شهر باشد؛ اما اگر مقصدش، نقطه خاصی از شهر باشد، در این صورت انتهای مسافت، همان نقطه است. ۲۶ (س ۲۴۵).

مثال: فاصله روستای «الف» تا اهواز سه فرسخ است (از انتهای محدوده عرفی روستا تا ابتدای محدوده عرفی اهواز)، ولی تا دانشگاه - که در وسط شهر واقع شده است - چهار فرسخ می‌باشد. حال اگر دانشجوی ساکن روستای «الف» قصد رفتن به دانشگاه و بازگشت به روستا را داشته باشد، نمازش در مسیر و در دانشگاه شکسته است ۲۷؛ چون مجموع رفت و برگشت به مقدار مسافت شرعی (هشت فرسخ) است؛ اما اگر هدفش از سفر، خود شهر اهواز باشد *، نماز او در راه و در اهواز، تمام است؛ زیرا مجموع رفت و برگشت کمتر از مسافت شرعی شده است. * *

مسئله ۱۲- اگر محلی دو را داشته باشد: یک راه آن کمتر از هشت فرسخ و راه دیگر هشت فرسخ (یا بیشتر)؛ چنانچه انسان از راه اول به آن جا برود، باید نماز را تمام بخواند * * * و اگر از راه دوم برود، باید نماز را شکسته بخواند. ۲۸ (ر.م ۱۲۷۹).

مثال: از اهواز به روستای «الف» دو راه وجود دارد، یکی جاده اصلی که بیش از هشت فرسخ و دیگری راه میان‌بر که دو فرسخ است. شخص ساکن اهواز، اگر از جاده اصلی به آن روستا برود، در مسیر رفت و برگشت و در روستا، نمازش شکسته * * * است و اگر از راه میان‌بر برود و از همان راه نیز برگردد، در مسیر رفت و برگشت و در روستا، نمازش تمام است.

سؤال ۱- اگر از راه میان‌بر برود با این قصد که پس از یک هفته توقف در روستا، از جاده اصلی به اهواز بازگردد، در مسیر رفت و برگشت و در روستا، نمازش چه حکمی دارد؟

سؤال ۲- اگر از راه میان‌بر برود، با این قصد که پس از ده روز توقف در روستا، از جاده اصلی - که بیش از هشت فرسخ است - به اهواز بازگردد، در مسیر رفت و برگشت و در روستا، نمازش چه حکمی دارد؟

سؤال ۳- اگر از جاده اصلی - که بیش از هشت فرسخ است - برود، با این قصد که پس از ده روز توقف در روستا، از راه میان‌بر (که دو فرسخ است) به اهواز بازگردد، در مسیر رفت و برگشت و در روستا، نمازش چه حکمی دارد؟

مسافت امتدادی و مسافت تلفیقی

مسئله ۱۳- مسافت شرعی (هشت فرسخ) دو نوع است ۲۹ که هر کدام از این دو، تحقق پیدا کند باید نماز شکسته خوانده شود (البته با اجتماع بقیه شرایط):

الف - مسافت تلفیقی: و آن مجموع مسافت طی شده در رفت و برگشت است.

مثال: روستای «الف» در چهار فرسخی اهواز واقع شده است. اگر کسی قصد داشته باشد از اهواز به آن روستا برود و بازگردد، مجموع رفت و برگشت او هشت فرسخ می‌شود که به اندازه مسافت شرعی است. بنابراین، باید نماز را در مسیر رفت و برگشت و در روستا، شکسته بخواند. همان‌طور که در این مثال ملاحظه می‌فرمایید، اگر مسافت بازگشت را به مسافت طی شده در رفتن ضمیمه نکنیم، مسافت شرعی (هشت فرسخ) محقق نمی‌شود.

ب - مسافت امتدادی: و آن مسافت طی شده در رفتن تنها و یا در برگشتن تنهاست.

مثال: روستای «الف» در هشت فرسخی اهواز واقع شده است. اگر کسی قصد داشته باشد از اهواز به آن روستا برود، در بین راه نمازش شکسته * است؛ هر چند تصمیم نداشته باشد به اهواز بازگردد. همان‌طور که ملاحظه می‌فرمایید، فقط با رفتن، مسافت شرعی تحقق پیدا می‌کند و نیازی به ضمیمه کردن مسافت بازگشت نیست. * * *

مسئله ۱۴- مسافت تلفیقی باید سه ویژگی زیر را دارا باشد:

ویژگی اول: در مسافت تلفیقی، مسیر رفت باید کمتر از چهار فرسخ نباشد؛ اما اگر بازگشت، کمتر از چهار فرسخ باشد، اشکال

ندارد ۳۰ و نماز شکسته است (البته به شرطی که مجموع رفت و برگشت هشت فرسخ یا بیشتر باشد). (ر.م ۱۲۷۲).

مثال: از اهواز به روستای «الف» دو راه وجود دارد: یکی راه فرعی که دو فرسخ است. دیگری جاده اصلی که هفت فرسخ می‌باشد. حال اگر شخص ساکن اهواز بخواهد از راه فرعی به آن روستا برود و بعد از دو روز توقف، از جاده اصلی باز گردد، در مسیر رفت و برگشت و در روستا، نمازش تمام است ۳۱، اما اگر بخواهد از جاده اصلی برود و از راه فرعی باز گردد، در رفت و برگشت و در روستا نمازش شکسته است. ۳۲

ویژگی دوم: باید قصد اقامه ده روز در مقصد را نداشته باشد. * بنابراین، اگر بخواهد * ده روز (یا بیشتر) در مقصد * * * بماند و پس از آن به وطن باز گردد، نمازش در راه و مقصد تمام است؛ یعنی با اقامه ده روز، رفت و برگشت از هم جدا می‌شوند و نمی‌توان مسافت بازگشت را به مسافت رفت، ضمیمه نمود؛ بلکه باید هر کدام را مستقلاً حساب کرد، در نتیجه، مسافت تلفیقی تحقق پیدا نمی‌کند. ۳۳ (ع. ف. ۶۷).

مثال: شخصی ساکن اهواز می‌خواهد به روستای «الف» واقع در چهار فرسخی اهواز برود و همان روز یا چند روز دیگر (حداکثر تا نه روز دیگر) دوباره به اهواز باز گردد، در مسیر رفت و برگشت و در روستا، نمازش شکسته است. اما اگر بخواهد پس از ده روز (یا بیشتر) توقف در روستا به اهواز باز گردد، در این صورت در مسیر رفت و برگشت و در روستا، باید نماز را تمام بخواند.

سؤال ۴ - اگر از آغاز سفر، نسبت به مدت توقف در روستا مردد باشد - که ده روز بماند یا کمتر و با همین حال تردید، دو هفته در روستا توقف کند و بعد به اهواز باز گردد، در مسیر رفت و برگشت و در روستا نمازش چه حکمی دارد؟

سؤال ۵ - اگر موقع شروع به سفر، تصمیم داشته باشد بعد از یک هفته توقف در روستا به اهواز باز گردد؛ لکن بعد از یک هفته توقف، تصمیمش عوض شود و یک هفته دیگر هم بماند و پس از آن به اهواز باز گردد، نمازش در مسیر رفت و برگشت و در روستا چه حکمی دارد؟

سؤال ۶ - اگر روستای «الف» در هشت فرسخی اهواز قرار گرفته باشد و او از آغاز سفر قصد اقامه ده روز (یا بیشتر) در آن جا را داشته باشد، نمازش در مسیر رفت و برگشت و در روستا چه حکمی دارد؟

ویژگی سوم: باید یکبار رفت و برگشت، مجموعاً هشت فرسخ (یا بیشتر) باشد. بنابراین اگر بین دو محلی که فاصله آنها کمتر از چهار فرسخ است، چند مرتبه رفت و آمد کند، هر چند روی هم رفته هشت فرسخ (یا بیشتر) شود، باید نماز را تمام بخواند. ۳۴ (ر.م ۱۲۷۸).

مثال: شخص ساکن اهواز می‌خواهد به روستایی واقع در دو فرسخی اهواز برود و شب باز گردد. در مسیر رفت و برگشت و در روستا، نمازش تمام است؛ چون مجموع رفت و برگشت کمتر از مسافت شرعی (هشت فرسخ) است. همین شخص اگر برای انجام کاری، سه بار به آن روستا برود و باز گردد - هر چند در مجموع سه بار رفت و برگشت، دوازده فرسخ را طی کرده و این، بیش از مسافت شرعی است - در تمام این رفت و برگشت‌ها و در روستا، نمازش تمام است.

مسئله ۱۵ - مفهوم شرط اول (سفر، کمتر از هشت فرسخ نباشد) این نیست که بعد از پیمودن هشت فرسخ، باید نماز را شکسته بخواند؛ بلکه مقصود این است که اگر تصمیم به پیمودن هشت فرسخ یا بیشتر را داشته باشد، همین که شروع به سفر کرد و از شهر (حد ترخص) خارج شد، * باید نماز را شکسته بخواند (البته با تحقق سایر شرایط).

خلاصه

مسافت شرعی هشت فرسخ است که حدود ۴۵ کیلومتر می‌شود.

۱- خود شخص اندازه‌گیری کرده باشد.

راه به دست آوردن مقدار ۲- بین مردم معروف و مشهور باشد.

مسافت (مسأله ۴) ۳- دو نفر عادل خبر دهد (اگر یک عادل خبر دهد، باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند).

در صورت جهل یا شک اگر تحقیق آسان باشد واجب است احتیاطاً تحقیق کند.

به مقدار مسافت (مسأله ۳) اگر تحقیق مشکل باشد - تحقیق لازم نیست و نماز را تمام می‌خواند.

واجب است دو باره

۱- داخل وقت متوجه شد نماز را چهار رکعتی بخواند.

۱- با یقین به مسافت شرعی که کمتر از مسافت شرعی بوده

بودن سفرش، نماز را شکسته

خوانده. (مسأله ۶) ۲- خارج وقت متوجه شد - واجب است دوباره نماز را

پی بردن که کمتر از مسافت شرعی بوده چهار رکعتی قضا کند.

به اشتباه

بعد از نماز ۲- با یقین به کمتر از مسافت ۱- داخل وقت متوجه شد که سفرش واجب است دوباره

شرعی بودن سفرش، نماز را به اندازه مسافت شرعی بود نماز را شکسته بخواند

تمام خوانده. (مسأله ۷)

۲- خارج وقت متوجه شد که سفرش واجب است احتیاطاً.

به اندازه مسافت شرعی بود. نماز را شکسته قضا نماید.

۱- مسافت امتدادی ذهابی (تنها، رفتن هشت فرسخ یا بیشتر است).

۱- امتدادی

مسافت امتدادی ایابی (تنها، برگشتن هشت فرسخ یا بیشتر است).

مسافت شرعی

(مسأله ۱۳) ۱- رفتن کمتر از چهار فرسخ نباشد.

۲- تلفیقی ۲- یک رفت و برگشت مجموعاً هشت فرسخ یا بیشتر باشد (نه چند رفت و برگشت).

۳- در مقصد قصد اقامه ده روز نکند. (قبل از ده روز باز گردد).

۱- ابتدای مسافت آخرین محدوده عرفی شهر

۱- شهرهای متعارف ۱- مقصد خود شهر ابتدای محدوده عرفی شهر

محدوده ۲- انتهای مسافت (مسأله ۱۱) ۲- مقصد نقطه

مسافت خاصی از شهر همان نقطه‌ای که قصد کرده

شرعی ۲- شهرهای خارقالعاده ۱- ابتدای مسافت دیوار منزل

بزرگ (بلاد کبیره)

(مسأله ۱۰ و ۱۱) ۲- انتهای مسافت دیوار منزل

۱۸- بهجت (استفتا)، خامنه‌ای (استفتا) و فاضل (استفتا): حدود ۴۵ کیلومتر می‌باشد.

خوئی (ر.م ۱۲۸۰)، گلپایگانی (ر.م ۱۲۸۰)، تبریزی (ر.م ۱۲۸۰)، و مکارم (ر.م ۱۱۱۹): حدود ۴۳ کیلومتر می‌باشد. (هر فرسخ

شرعی مقداری کمتر از پنج کیلومتر و نیم است).

زنجانی (ر.م ۱۲۸۰) حدود ۴۰ کیلومتر می‌باشد. (هر فرسخ شرعی تقریباً پنج کیلومتر است.) اراکی؟

۱۹- همه مراجع معظم تقلید در حکم این مسأله اتفاق نظر دارند.

۲۰- گلپایگانی (ر.م ۱۲۸۳)، بهجت (ر.م ۱۰۳۴) و فاضل (ر.م ۱۲۹۶): حکم همان است که امام (ره) فرموده‌اند.

اراکي (ر.م ۱۲۶۶): باید نماز را تمام بخواند و تحقیق لازم نیست، مگر آن که به راحتی بتواند مقدار مسافت را بفهمد.

خوئی (ر.م ۱۲۸۳)، تبریزی (ر.م ۱۲۸۳)، خامنه‌ای (استفتا) و زنجانی (ر.م ۱۲۸۳): تحقیق کردن لازم نیست و باید نماز را تمام بخواند.

مکارم (ر.م ۱۱۲۱): در صورت عدم مشقت، باید تحقیق کند.

۲۱- اراکی (ر.م ۱۲۶۷)، گلپایگانی (ر.م ۱۲۸۳) و فاضل (ر.م ۱۲۹۶): حکم همان است که امام (ره) فرموده‌اند.

خوئی (ر.م ۱۲۸۴): خبر یک نفر عادل یا شخص مورد اعتماد هم کفایت می‌کند.

بهجت (ر.م ۱۰۳۴): خبر یک نفر عادل هم کفایت می‌کند در صورتی که گمان آور باشد (معمولاً خبر یک نفر عادل گمان آور است. ن).

تبریزی (ر.م ۱۲۸۴) و مکارم (ر.م ۱۱۲۲): دو نفر عادل یا یک نفر مورد اعتماد.

خامنه‌ای (استفتا): خبر یک نفر عادل هم کفایت می‌کند در صورتی که اطمینان حاصل شود.

زنجانی (ر.م ۱۲۸۴): خبر یک نفر عادل هم کفایت می‌کند.

۲۲- اراکی (ر.م ۱۲۶۷) و گلپایگانی (ر.م ۱۲۸۴): حکم مسأله همان است که امام (ره) فرموده‌اند.

خوئی (ر.م ۱۲۸۴)، بهجت (ر.م ۱۰۳۴) و زنجانی (ر.م ۱۲۸۴): با خبر یک نفر عادل هم مسافت شرعی ثابت می‌شود. بنابراین نماز شکسته کفایت می‌کند.

تبریزی (استفتا): اگر یک شخص قابل اعتماد - که به آن راه اطلاع دارد - خبر دهد، باید نماز را شکسته خواند و عدالت لزومی ندارد.

خامنه‌ای (استفتا): با خبر یک نفر اگر اطمینان پیدا شود، مسافت ثابت می‌شود، پس نماز شکسته است؛ اما اگر اطمینان پیدا نشود، واجب است به همان نحو که امام (ره) فرموده‌اند، احتیاط کند.

فاضل (ر.م ۱۲۹۷): با خبر یک نفر عادل، مسافت ثابت نمی‌شود؛ بنابراین، نماز تمام است.

مکارم (ع.م ۴، ر.م ۱۱۲۲): اگر یک نفر عادل خبر دهد، بنابر احتیاط واجب، باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند، اما اگر یک شخص قابل اعتماد - که به آن راه اطلاع دارد - خبر دهد، باید نماز را شکسته بخواند.

۲۳- اراکی (ر.م ۱۲۶۸)، خوئی (ر.م ۱۲۸۵)، گلپایگانی (ر.م ۱۲۸۵)، بهجت بنابر احتیاط واجب باید دوباره شکسته بخواند و اگر وقت گذشته باشد قضا نماید (ر.م ۱۱۰۶)، تبریزی (ر.م ۱۲۸۵)، خامنه‌ای (استفتا)، زنجانی (ر.م ۱۲۸۵)، فاضل بنابر احتیاط واجب قضا نماید. (ر.م ۱۲۹۸) و مکارم (ر.م ۱۱۲۳): حکم همان است که امام (ره) فرموده‌اند.

۲۴- اراکی (ر.م ۱۳۵۴)، زنجانی (ر.م ۱۳۷۰) و فاضل (ر.م ۱۳۸۳): اگر وقت گذشته باشد، باید نماز را شکسته قضا کند.

خوئی (ر.م ۱۳۷۰)، گلپایگانی (ر.م ۱۳۷۰)، تبریزی (ر.م ۱۳۷۰) و مکارم (ر.م ۱۱۸۵): اگر وقت گذشته باشد، قضا لازم نیست.

بهجت (ر.م ۱۱۰۶): اگر وقت باقی باشد، بنابر احتیاط واجب باید نماز را دوباره به صورت شکسته بخواند. هم چنین اگر وقت گذشته باشد، بنابر احتیاط واجب باید آن را شکسته قضا نماید.

خامنه‌ای (استفتا): حکم مسأله همان است که امام (ره) فرموده‌اند.

* - قواطع سفر سه تاست: ۱- وطن؛ ۲- محلی که مسافر با قصد ده روز (یا بیشتر) در آن اقامت کند؛ ۳- محلی

که مسافر، با تردید، سی روز (یا بیشتر) در آن بماند. (رجوع شود به فصل چهارم)

*** - همه مراجع معظم تقلید در حکم این مسأله اتفاق نظر دارند.

۲۵- اراکی (س ۴۰)، گلپایگانی (استفتا)، خامنه‌ای (س ۶۹۱)، فاضل (استفتا) و مکارم (استفتا): حکم مسأله همان است که امام (ره) فرموده‌اند.

بہجت (استفتا) و تبریزی (استفتا): ابتدای مسافت، آخرین خانه‌های مسکونی است که عرفاً جزو شهر محسوب می‌شوند و کارخانه‌ها جزو شهر نمی‌باشند.

خوئی و زنجانی: ابتدای مسافت، آخرین خانه‌های مسکونی است. (این که آیا کارخانجات متصل به شهر هم جزو محدوده شهر است یا نه؟ نظر این دو بزرگوار به دست نیامد).

* - این فتوا مخصوص امام راحل است به نظر سایر مراجع معظم تقلید در شهرهای بزرگی مثل تهران نیز، ابتدای مسافت، همان است که در مسأله هشت گذشت.

*** - محدوده عرفی شهر، در مسأله هشت توضیح داده شد.

*** - از نظر امام راحل (قدس سره) این مسأله مربوط به شهرهای متعارف است؛ و گرنه در بلاد کبیره (مثل تهران)، همانطور که ابتدای مسافت، دیوار منزل است، انتهای مسافت نیز دیوار منزل می‌باشد.

۲۶- اراکی (س ۴۰)، خوئی (س ۳۰۴)، گلپایگانی (استفتا)، خامنه‌ای (س ۶۸۰)، فاضل (س ۴۵۵) و مکارم (استفتا): انتهای مسافت، ابتدای عرفی شهر مقصد است، چه خود شهر را قصد کرده باشد، چه نقطه خاصی از شهر را.

بہجت (استفتا)، تبریزی (استفتا) و زنجانی (استفتا): حکم همان است که امام (ره) فرموده‌اند.

۲۶- اراکی، خوئی، گلپایگانی، خامنه‌ای، فاضل و مکارم: نمازش تمام است.

* - یعنی نقطه خاصی (مثل دانشگاه، یا فرمانداری، یا دادگستری یا...) را قصد نکرده باشد.

*** - به این دلیل که از روستا تا اهواز سه فرسخ است، پس مجموع رفت و برگشت شش فرسخ می‌شود، در حالی که مسافت شرعی هشت فرسخ می‌باشد.

*** - حتی اگر عمداً برای این که مسافر شود (تا نماز را شکسته بخواند و روزه ماه رمضان را بخورد)، از راهی که هشت فرسخ است برود، اشکال ندارد و معصیت نکرده است.

*** - البته فرض این است که روستای «الف» وطنش نیست و قصد اقامه ده روز را هم ندارد.

۲۷- اراکی (ر.م ۱۲۷۱)، خوئی (ر.م ۱۲۸۸)، گلپایگانی (ر.م ۱۲۸۸)، بہجت (ر.م ۱۰۴۰)، تبریزی (ر.م ۱۲۸۸)، خامنه‌ای (اجوبه‌الاستفتاءات)، زنجانی (ر.م ۱۲۸۸)، فاضل (ر.م ۱۳۰۱) و مکارم (ر.م ۱۱۲۵): حکم مسأله همان است که امام (ره) فرموده‌اند.

۲۸- همه مراجع معظم تقلید در حکم این مسأله اتفاق نظر دارند. (ع. ف. ۶۷).

* - از حد ترخص اهواز، نماز شکسته می‌شود.

*** - این مثال برای مسافت امتدادی ذهابی (رفت) بود. مثال مسافت امتدادی ایابی (بازگشت) در سؤال ۲ گذشت و در فصل دوم، ضمن مثال مسأله ۲ خواهد آمد.

۲۹- اراکی (ر.م ۱۲۶۴): اگر هم رفت و هم برگشت، چهار فرسخ یا بیشتر باشد، نماز شکسته است، اما اگر یکی از آن دو، کمتر از چهار فرسخ باشد (در حالی که مجموع رفت و برگشت هشت فرسخ است)، بنابر احتیاط واجب باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند.

خوئی (ر.م ۱۲۸۱) و گلپایگانی (ر.م ۱۲۸۱): چنان چه هم رفتن و هم برگشتن کمتر از چهار فرسخ نباشد، باید نماز را شکسته

بخواند، اما اگر یکی از آن دو، کمتر از چهار فرسخ باشد (در حالی که مجموع رفت و برگشت هشت فرسخ است)، باید نماز را تمام بخواند.

بہجت (استفتا)، خامنه‌ای (س ۶۵۰) و فاضل (ر.م ۱۲۹۴): حکم مسأله همان است که امام (ره) فرموده‌اند.

تبریزی (ر.م ۱۲۸۱)، زنجانی (ر.م ۱۲۸۱) و مکارم (ر.م ۱۱۲۰): همین که مجموع رفت و برگشت هشت فرسخ یا بیشتر باشد، باید نماز را شکسته بخواند، هر چند رفتن یا برگشتن کمتر از چهار فرسخ باشد.

* - هم چنین آن جا (مقصد) وطنش نباشد یا سی روز یا بیشتر به حال تردید در آن جا (مقصد) توقف نکند. (رجوع شود به فصل چهارم، بحث قواطع سفر).

** - تردید در اقامه ده روز نیز همین حکم را دارد.

*** - در مسافت تلفیقی لازم نیست بازگشت همان روز یا همان شب باشد؛ بلکه همین قدر که قصد اقامه ده روز را نداشته باشد کافی است. بنابراین، اگر موقع رفتن تصمیم بگیرد بعد از نه روز برگردد، باز مسافت تلفیقی تحقق پیدا کرده و نمازش شکسته است. (ع. ف. ۶۷).

۳۰- اراکی: واجب است احتیاطاً، نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند.

خوئی، گلپایگانی، بہجت، خامنه‌ای و فاضل: نمازش تمام است.

تبریزی زنجانی و مکارم: نمازش شکسته است.

۳۱- اراکی: واجب است احتیاطاً نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند.

۳۲- همه مراجع معظم تقلید در حکم این مسأله اتفاق نظر دارند.

۳۳- اراکی (ر.م ۱۲۷۰)، خوئی (ر.م ۱۲۸۷)، گلپایگانی (ر.م ۱۲۷۸)، بہجت (ر.م ۱۰۳۹)، تبریزی (ر.م ۱۲۸۷)، خامنه‌ای، زنجانی (ر.م ۱۲۸۷) و فاضل (ر.م ۱۳۰۰): حکم همان است که امام (ره) فرموده‌اند.

مکارم (ر.م ۱۱۲۴): مگر اینکه عرفاً به او مسافر بگویند که در این صورت بنابر احتیاط واجب، باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند.

* - برای توضیح بیشتر به فصل هشتم مراجعه فرمایید.

شرط دوم از آغاز مسافرت، مسافت شرعی قصد شده باشد.

پرسش‌های مقدماتی

- قصد تبعی چیست؟

- نماز کسی که در حال بیهوشی به شهر دیگری منتقل شده است، چه حکمی دارد؟

- نماز کسی که نمی‌داند سفرش چند فرسخ است، چه حکمی دارد؟

- نماز کسی که بدون تصمیم قبلی، بیش از هشت فرسخ را طی کند، چه حکمی دارد؟

- نماز کسی که در سفر، مستقل نیست و تابع دیگری است، چه حکمی دارد؟

- نماز مسافری که در اثنای سفر، مقصدش تغییر کند، چه حکمی دارد؟

مسأله ۱ - کسی که نمی‌داند سفرش چند فرسخ است، باید نماز را تمام بخواند. ۳۵* (ر.م ۱۲۸۱).

مثال: شخصی برای پیدا کردن گمشده‌ای یا در پی شکاری از شهر بیرون رفته و نمی‌داند که چه مقدار باید برود تا آن را پیدا کند.

در این حال باید نماز را تمام بخواند، ولی در بازگشت چنان چه تا وطن یا جایی که می‌خواهد ده روز در آن جا بماند، هشت فرسخ (یا بیشتر) باشد، باید نماز را شکسته بخواند.

سؤال ۷- اگر فرد مزبور بعد از طی چهار فرسخ، به روستایی برسد و در آن جا تصمیم بگیرد به شهری که در چهار فرسخی آن روستا واقع شده برود و بعد از یک هفته توقف در آن جا از همین راهی که رفته، به وطن باز گردد، نمازش چه حکمی دارد؟
مسأله ۲- کسی که بدون قصد، مسافت شرعی را طی کند (یا برده شود)، نمازش تمام است. (ع.م ۱۱).

مثال: شخصی آبادانی بر اثر عارضه‌ای بیهوش (یا مجنون) شده، جهت معالجه به اهواز منتقل و پس از معالجه به هوش آمده (یا جنونش برطرف شده) و مقرر گردیده است که به مدت یک هفته در اهواز بستری باشد، در این مدت باید نماز را تمام بخواند. ۳۶ *

سؤال ۸- هنگام بازگشت از اهواز به آبادان، نمازش چه حکمی دارد؟

مسأله ۳- اگر به محلی که فاصله آن (با محل شروع سفر) کمتر از هشت فرسخ است، مسافرت کند و پس از رسیدن به آن جا، قصد کند به جایی برود که با مقدار مسافتی که آمده هشت فرسخ می‌شود - چون از اول قصد هشت فرسخ را نداشته - باید نماز را تمام بخواند، ولی اگر بخواهد از آن جا هشت فرسخ یا بیشتر را طی کند. (امتدادی یا تلفیقی) * از آن به بعد باید نماز را شکسته بخواند. ۳۷. (ر.م ۱۲۸۰)

مثال: شخصی ساکن اهواز برای ملاقات دوست خود به روستای «الف» واقع در دو فرسخی اهواز می‌رود، پس از رسیدن به روستای «الف» متوجه می‌شود که دوستش به روستای «ب» در دو فرسخی روستای «الف» رفته است، وقتی به آن جا می‌رسد مطلع می‌شود که دوستش در روستای «ج» در سه فرسخی روستای «ب» می‌باشد. او برای دیدار دوستش به طرف روستای «ج» حرکت می‌کند. این شخص با این که در مجموع، چهارده فرسخ راه را طی نموده (هفت فرسخ موقع رفتن و هفت فرسخ در بازگشت به اهواز)؛ ولی چون از آغاز سفر، این مقدار را قصد نکرده بود؛ بنابراین از اهواز تا روستای «ج» (هم بین راه و هم در روستاهای مزبور) و نیز در مسیر بازگشت به اهواز، نمازش تمام است. ۳۸ *

سؤال ۹- اگر بنا به پیشنهاد دوستش از روستای «ج» به روستای «د» واقع در پنج فرسخی آن جا بروند، با این قصد که یک هفته در آن جا توقف کنند، نماز او در مسیر روستای «ج» به روستای «د» و در آن جا و در مسیر بازگشت به اهواز چه حکمی دارد؟
سؤال ۱۰- در فرض سؤال قبل اگر قصد داشته باشند در روستای «د» ده روز یا بیشتر توقف کنند، نمازش در مسیر روستای «د» و در خود روستا و در مسیر بازگشت به اهواز چه حکمی دارد؟

سؤال ۱۱- در مثال مذکور، اگر بعد از رسیدن به روستای «الف»، تصمیم بگیرد به روستای «ج» برود و همان روز به اهواز باز گردد، نمازش چه حکمی دارد؟

مسأله ۴- اگر سفر را به حصول چیزی قبل از چهار فرسخ، مشروط و معلق کند، اگر به حصول اطمینان داشته باشد، نماز شکسته است، اما اگر اطمینان نداشته باشد، نمازش تمام می‌باشد. ۳۹. (ع.م ۱۵)

مثال ۱- شخصی ساکن روستای «الف» واقع در سه فرسخی اهواز، به اهواز می‌رود، با این قصد که اگر دوست اهوازی اش قبول کرد با هم به مشهد بروند؛ چنان چه اطمینان داشته باشد که او قبول خواهد کرد، هنگام حرکت از روستا (بعد از حد ترخص) نمازش شکسته است؛ * اما اگر اطمینان نداشته باشد، نمازش در بین راه و در اهواز تمام است.

مثال ۲- شخصی ساکن روستای «الف» واقع در سه فرسخی اهواز، برای خرید بلیط قطار به مقصد مشهد به اهواز می‌رود، با این قصد که اگر بلیط مشهد را تهیه کند از همانجا عازم مشهد شود. دو سه روز در اهواز، معطل می‌شود و بالاخره موفق به تهیه بلیط می‌شود. این شخص در مسیر روستا به اهواز و مدتی که در اهواز بوده، باید نماز را تمام بخواند * اما اگر از قبل برای او بلیط

گرفته باشند، یا اطمینان داشته باشد که بلیط می‌گیرند، در این صورت، در مسیر روستا به اهواز و در اهواز نمازش شکسته است. سؤال ۱۲- اگر بلیط نداشت، ولی وقتی به اهواز می‌رفت مصمم بود به هر وسیله‌ای که شده به مشهد برود، در اهواز دو سه روز را صرف پیدا کردن وسیله برای سفر به مشهد کرد و بالاخره موفق شد و عازم مشهد گردید، نماز این شخص در مسیر روستا به اهواز و چند روزی که در اهواز بود، چه حکمی دارد؟

سؤال ۱۳- شخص مذکور در مثال اگر با اطمینان به تهیه بلیط، عازم اهواز شود و پس از دو سه روز تلاش موفق به خرید بلیط نشده و به روستا باز گردد، نماز این شخص در مسیر روستا به اهواز و بالعکس و مدتی که در اهواز بوده، چه حکمی دارد؟ سؤال ۱۴- اگر روستا در چهار فرسخی اهواز واقع شده باشد و او برای خرید بلیط به مقصد مشهد به اهواز برود با این قصد که پس از تهیه بلیط از همان جا عازم مشهد شود، در حالی که اطمینان به تهیه بلیط ندارد، نماز این شخص در مسیر روستا به اهواز و در اهواز، چه حکمی دارد؟

مسئله ۵- کسی که قصد دارد مسافت شرعی (هشت فرسخ یا بیشتر) را بپیماید، اگر چه در هر روز مسافت کمی را طی کند، باید نماز را شکسته بخواند؛ البته باید به اندازه‌ای باشد که مردم او را مسافر بدانند. بنابراین، اگر در هر روز مقدار خیلی کمی راه برود؛ مثلاً هر روز نیم کیلومتر، چون مردم او را مسافر حساب نمی‌کنند، پس باید نمازش را تمام بخواند. (ع.م. ۱۶) مثال: کسی از تهران به قصد کرج حرکت کرده و در هر یک کیلومتر، یک هفته اقامت می‌کند، این شخص را عرفاً مسافر نمی‌گویند، پس باید نماز را تمام بخواند.

مسئله ۶- کسی که قصد پیمودن مسافت شرعی را دارد، هر چند مقصدش غیر معین باشد، باید نماز را شکسته بخواند. (در قصد مسافت شرعی، لازم نیست مقصد، معین باشد.) (ع.م. ۲۲)

مثال: اگر کسی از روستای «الف» واقع در سه فرسخی اهواز، جهت تهیه بلیط قطار و مسافرت، به اهواز رفته باشد، ولی مردد باشد که به مشهد مسافرت کند، یا به قم و یا به تهران*، نماز این شخص (از حد ترخص روستا شکسته است).

مسئله ۷- کسی که قصد پیمودن مسافت شرعی (هشت فرسخ یا بیشتر) را دارد، چنان چه در اثنای سفر مقصدش تغییر کند - به شرطی که قصد مسافت هم چنان باقی باشد - نمازش شکسته است، (با بقای قصد مسافرت، تغییر مقصد، اشکال ندارد). (ع.م. ۲۲)

مثال: اگر کسی از روستای «الف» واقع در سه فرسخی اهواز، به قصد سفر به مشهد مقدس، به اهواز رفته باشد و در اهواز با عوض کردن تصمیمش، قصد مسافرت به شهر قم را بکند، نمازش (از حد ترخص روستا) هم چنان شکسته است.

قصد مستقل و قصد تبعی

مسئله ۸- قصد مسافت شرعی (هشت فرسخ یا بیشتر) لازم نیست مستقل باشد؛ بلکه قصد تبعی هم در تحقق شرط دوم، کفایت می‌کند. (ع.م. ۱۷)

مثال: کسی که در سفر، اختیارش به دست دیگری است (مانند زن نسبت به شوهر، فرزند نسبت به پدر*، سرباز نسبت به فرمانده و اسیر نسبت به نگهبان و...) چنان چه بداند سفر او هشت فرسخ (یا بیشتر) است، قصد تبعی دارد و باید نماز را شکسته بخواند.

مسئله ۹- کسی که در سفر اختیارش به دست دیگری است، اگر نداند که او (صاحب اختیارش) قصد هشت فرسخ را دارد یا نه؟ باید نماز را تمام بخواند و تحقیق و سؤال - از مقدار سفر - لازم نیست. (ع.م. ۱۷)

مسئله ۱۰- کسی که در سفر اختیارش به دست دیگری است، اگر بداند یا احتمال عقلایی بدهد که قبل از رسیدن به چهار فرسخ، از او جدا شده و بر می‌گردد، باید نماز را تمام بخواند. (ع.م. ۱۸)

سؤال ۱۵ - اگر بداند یا احتمال عقلایی بدهد که بعد از چهار فرسخ از او جدا شده و باز می‌گردد، نمازش چه حکمی دارد؟
* - چون با جهل به مقدار مسافت، نمی‌تواند قصد مسافت شرعی کند؛ در حالی که شرط دوم برای شکسته خواندن نماز، قصد مسافت شرعی است.

۳۴- اراکی (ر.م ۱۲۷۳)، خوئی (ر.م ۱۲۹۰)، گلپایگانی (ر.م ۱۲۹۰)، بهجت (ر.م ۱۰۴۲)، تبریزی (ر.م ۱۲۹۰) خامنه‌ای (س ۶۵۰)، زنجانی (ر.م ۱۲۹۰)، فاضل (ر.م ۱۳۰۳) و مکارم (ر.م ۱۱۲۸): حکم مسأله همان است که امام (ره) فرموده‌اند.

* - استنباط ما از فتاوی امام راحل و آیت الله خوئی (قدس سرهما) در کتاب عروۃ‌الوثقی و تحریر الوسیله، تمام بودن نماز این شخص است. در عین حال مقلدین این دو بزرگوار، در صورت شک، می‌توانند عمل به احتیاط کنند (هم شکسته و هم تمام بخوانند).

* * - برای توضیح مسافت امتدادی و تلفیقی به مسأله ۱۳ فصل اول مراجعه شود. هم چنین به اختلاف فتاوی مراجع در ویژگی‌های مسافت تلفیقی که در مسأله ۱۴ همان فصل ذکر شده توجه شود.

۳۵- اراکی (س ۳۹)، بهجت (استفتا) و زنجانی (استفتا): واجب است احتیاطاً هم شکسته و هم تمام بخواند.

گلپایگانی (استفتا)، تبریزی (استفتا)، خامنه‌ای (استفتا)، فاضل (استفتا) و مکارم (استفتا): باید نماز را تمام بخواند.

۳۶- اراکی (ر.م ۱۲۷۲)، خوئی (ر.م ۱۲۸۹)، گلپایگانی (ر.م ۱۲۸۹)، بهجت (ر.م ۱۰۴۱)، تبریزی (ر.م ۱۲۸۹)، خامنه‌ای (س ۶۵۰)، زنجانی (ر.م ۱۲۸۹)، فاضل (ر.م ۱۳۰۲) و مکارم (ر.م ۱۱۲۷): حکم مسأله همان است که امام (ره) فرموده‌اند.

* - در حالی که اگر به هنگام خروج از اهواز، قصد داشته باشد این مسیرها را طی کند، طبق فتاوی همه مراجع در رفت و برگشت و در وستاهای مزبور، باید نمازش را شکسته بخواند.

۳۷- اراکی: از روستای «ب» به بعد تا مراجعت به اهواز بنابر احتیاط واجب نماز را هم شکسته و هم تمام می‌خواند.

خوئی، گلپایگانی، بهجت، خامنه‌ای و فاضل: حکم مسأله همان است که امام (ره) فرموده‌اند.

تبریزی، زنجانی و مکارم: از روستای «ب» به بعد تا مراجعت به اهواز، نمازش شکسته است. (چون قصد مسافت تلفیقی را دارد).
(برای توضیح بیشتر به مسئله ۱۴ فصل اول مراجعه شود).

* - چون با وجود اطمینان، در واقع هنگام حرکت از روستا قصد طی مسافت شرعی (هشت فرسخ یا بیشتر) را دارد.

* * - چون سفر مشهود، مشروط به تهیه بلیط قطار بود که اطمینان به آن نداشت.

۳۸- همه مراجع معظم تقلید در حکم این مسأله اتفاق نظر دارند.

۳۹- همه مراجع معظم تقلید در حکم این مسأله اتفاق نظر دارند.

۴۰- همه مراجع معظم تقلید در حکم این مسأله اتفاق نظر دارند.

* - در حالی که اطمینان به تهیه بلیط داشت.

۴۱- همه مراجع معظم تقلید در حکم این مسأله اتفاق نظر دارند.

* - البته مراد، موارد متعارف است که زن و فرزند تابع شوهر و پدر هستند والا می‌توانند تابع هم نباشند برای توضیح بیشتر موارد تبعیت زن و فرزند به عنوان اول از فصل چهارم، بحث وطن تبعی مراجعه شود.

۴۲- همه مراجع معظم تقلید در حکم این مسأله اتفاق نظر دارند.

۴۳- اراکی (ع.م ۱۷)، گلپایگانی (ر.م ۱۲۹۳)، بهجت (ر.م ۱۰۴۶)، فاضل (ع.م ۱۷) و مکارم (ع.م ۱۷): بنابر احتیاط واجب، تحقیق و سؤال لازم است.

خوئی (ر.م ۱۲۹۳)، تبریزی (ر.م ۱۲۹۳)، خامنه‌ای (استفتا) و زنجانی (ر.م ۱۲۹۳): حکم مسأله همان است که امام (ره) فرموده‌اند.
۴۴- همه مراجع معظم تقلید در حکم این مسأله اتفاق نظر دارند.

شرط سوم قصد مسافت نا آخر سفر، استمرار داشته باشد

پرسش‌های مقدماتی

۱- اگر مسافر در اثنای سفر، از ادامه سفر منصرف یا مردد شود، چه حکمی دارد؟

۲- نمازهایی که مسافر قبل از انصراف خوانده چه حکمی دارد؟

۳- پس از تردید اگر دوباره مصمم به ادامه سفر شود، چه حکمی دارد؟

مسأله ۱- مسافر در صورتی نماز را شکسته می‌خواند که قصد پیمودن مسافت شرعی (هشت فرسخ یا بیشتر) تا آخر سفر استمرار داشته باشد. بنابراین، اگر قبل از رسیدن به چهار فرسخ، از قصد خود منصرف شود یا مردد گردد، * باید نماز را از لحظه انصراف یا تردید تمام بخواند. ۴۶ (ع. م ۲۱)

سؤال ۱۶- اگر مسافری قبل از چهار فرسخ به محل باصفایی برسد و تصمیم بگیرد یک هفته در آن جا بماند و بعد به سفرش ادامه دهد، یا مردد شود که به سفرش ادامه دهد یا پس از یک هفته توقف ادامه سفر دهد، نمازش چه حکمی دارد؟

مثال: شخصی از روستای «الف» واقع در سه فرسخی اهواز، به قصد مشهد مقدس به اهواز رفته و یک هفته برای تهیه بلیط تلاش کرد ولی موفق نشد، لذا از سفر به مشهد منصرف گردید (یا مردد شد که به مشهد برود یا به روستا باز گردد)، این شخص از لحظه انصراف (یا تردید) باید نماز را تمام بخواند. با این که تا قبل از این، نماز را شکسته می‌خواند.

سؤال ۱۷- اگر قصد داشته باشد که در صورت تهیه بلیط قطار، به مشهد مقدس برود - در حالی که موقع حرکت از روستا به اهواز، اطمینانی به تهیه بلیط نداشت - در مسیر روستا به اهواز و یک هفته‌ای که در اهواز بوده و در مسیر بازگشت به روستا، نمازش چه حکمی دارد؟

سؤال ۱۸- شخصی ساکن روستای «الف» واقع در سه فرسخی اهواز، برای روز جمعه به مقصد مشهد مقدس، بلیط هواپیما تهیه کرد. روز دوشنبه به قصد سفر مشهد، به اهواز آمد و تا روز جمعه برای خداحافظی با اقوام در اهواز ماند. روز جمعه متوجه شد که پروازش لغو شده، از این رو از سفر به مشهد منصرف گردید و به روستا بازگشت. در مسیر روستا به اهواز و در آن جا و در مسیر بازگشت به روستا، نمازش چه حکمی دارد؟

سؤال ۱۹- اگر از سفر به مشهد منصرف نشده و دنبال تهیه بلیط دیگری باشد و به همین منوال بیست روز در اهواز بماند، در این مدت نمازش چه حکمی دارد؟

مسأله ۲- نمازهایی را که مسافر قبل از انصراف از ادامه سفر (یا تردید در ادامه سفر) به صورت شکسته خوانده، صحیح است و لازم نیست دوباره اعاده یا قضا نماید. ۴۷ (ع. م ۲۴)

مسأله ۳- اگر مسافر بعد از رسیدن به چهار فرسخ، از مسافرت منصرف شود و تصمیم داشته باشد - همان روز یا حداکثر قبل از ده روز - از راهی که رفته یا راه دورتر، باز گردد (یا مردد باشد که به سفر خود ادامه دهد یا باز گردد)، باید نماز را شکسته بخواند ۴۸. (ر.م ۱۲۸۸)

سؤال ۲۰- اگر مسافر بعد از رسیدن به چهار فرسخ از مسافرت منصرف شود و تصمیم داشته باشد از راهی که کمتر از چهار فرسخ است باز گردد، نمازش چه حکمی دارد؟

مسئله ۴ - اگر مسافر بعد از رسیدن به چهار فرسخ از مسافرت منصرف شود، چنان چه تصمیم داشته باشد که همان جا بماند یا بعد از ده روز باز گردد (یا بعد از ده روز به سفر ادامه دهد) باید نماز را تمام بخواند. هم چنین اگر بعد از رسیدن به چهار فرسخ مردد شود که ده روز توقف کند یا باز گردد (یا مردد شود که ده روز توقف کند یا به سفر ادامه دهد)، باید نماز را تمام بخواند. (۴۹ ر.م. ۱۲۸۷ - ع.م. ۲۱)

سؤال ۲۱ - اگر مسافر بعد از طی چهار فرسخ به محل باصفایی برسد و تصمیم بگیرد یک هفته در آنجا بماند و بعد ادامه سفر دهد (یا باز گردد) یا مردد شود که به سفر ادامه دهد یا پس از یک هفته توقف، ادامه سفر دهد (یا باز گردد)، نمازش چه حکمی دارد؟ مسئله ۵ - اگر مسافر بعد از رسیدن به هشت فرسخ، از مسافرت منصرف (یا مردد) شود، باید نماز را شکسته بخواند، (مگر با تحقق یکی از قواطع * سفر).

مسئله ۶ - اگر مسافر پیش از رسیدن به هشت فرسخ، مردد شود که بقیه راه را برود یا نه و بعداً تردید بر طرف شود و دوباره مصمم به ادامه سفر گردد، در این صورت یکی از دو وضعیت زیر ممکن است پیش آید:

وضعیت اول: در حال تردید راه نرفته است. در این صورت بعد از تصمیم دوباره به ادامه سفر، مسافت باقی مانده را با مسافت طی شده (قبل از تردید) جمع می‌کند و چون مجموع به اندازه مسافت شرعی (هشت فرسخ یا بیشتر) می‌باشد، باید نماز را شکسته بخواند. (۵۰ ر.م. ۱۲۹۰)

مثال: شخصی از اهواز به قصد شهر «الف» واقع در نه فرسخی اهواز، حرکت می‌کند با این تصمیم که دو هفته در آن شهر بماند. بین راه، شب را در روستایی واقع در پنج فرسخی اهواز در منزل یکی از دوستانش می‌گذراند؛ بر اثر سخنان او، نسبت به ادامه سفر مردد می‌شود - که آیا به سفر ادامه دهد یا ده روز در روستا پیش دوستش بماند - صبح دوباره مصمم به ادامه سفر می‌شود و از او خداحافظی کرده، عازم شهر «الف» می‌گردد. این شخص در مسیر اهواز به روستا و روستا به شهر «الف»، * باید نماز را شکسته ۵۱ بخواند؛ اما در روستا در مدتی که مردد است باید نماز را تمام بخواند. **

سؤال ۲۲ - اگر شخص مذکور در مثال بالا تصمیم داشت در شهر «الف» فقط یک هفته توقف کند، نمازش در مسیر اهواز به شهر «الف» و در آن جا و مسیر بازگشت، چه حکمی داشت؟

سؤال ۲۳ - در مفروض سؤال قبل اگر مردد شود که آیا به سفر ادامه دهد یا یک هفته در آن روستا بماند و صبح مصمم به ادامه سفر گردد، در این صورت نمازش چه حکمی دارد؟

وضعیت دوم: در حال تردید و دودلی مقداری به سفرش ادامه داد، بعد دوباره مصمم به ادامه سفر شد، در این صورت اگر بقیه سفر، به تنهایی - بدون احتساب مقداری که قبل از تردید پیموده - هشت فرسخ یا بیشتر باشد (امتدادی یا تلفیقی)، باید نماز را شکسته بخواند؛ اما اگر به تنهایی کمتر از هشت فرسخ باشد ولی در مجموع (با احتساب مقداری که قبل از تردید پیموده) هشت فرسخ یا بیشتر باشد، بنا بر احتیاط مستحب، باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند. و اگر فقط شکسته بخواند هم کفایت می‌کند (۵۲ ر.م. ۱۲۹۲)

مثال: شخصی از اهواز به قصد شهر «الف» واقع در نه فرسخی اهواز، حرکت می‌کند - با این تصمیم که دو هفته در آن شهر بماند - بین راه، شب را در روستایی واقع در پنج فرسخی اهواز در منزل یکی از دوستانش می‌گذراند؛ بر اثر سخنان او نسبت به ادامه سفر دو دل می‌شود (که آیا به سفر ادامه دهد یا ده روز در آنجا بماند)، صبح خدا حافظی کرده و با همان حالت تردید مقداری به طرف شهر «الف» راه می‌رود و بعد دوباره مصمم به ادامه سفر می‌شود. در این صورت از روستا تا شهر «الف» باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند. * ۵۳

سؤال ۲۴ - در مسیر اهواز به روستا و در خود روستا، نمازش چه حکمی دارد؟

- سؤال ۲۵ - اگر تصمیم داشت در شهر «الف» فقط یک هفته توقف کند، نمازش در مسیر اهواز به شهر «الف» و در آن جا و مسیر بازگشت، چه حکمی داشت؟
- سؤال ۲۶ - اگر شهر «الف» در ده فرسخی اهواز واقع شده بود و روستا در هشت فرسخی و قصد داشت در شهر «الف» دو هفته توقف نماید، نمازش در مسیر اهواز به شهر «الف» چه حکمی خواهد داشت؟
- * - تردید در رفتن و بازگشتن یا ده روز (یا بیشتر) ماندن و رفتن یا ده روز (یا بیشتر) ماندن و برگشتن.
- ۴۵- همه مراجع معظم تقلید در حکم این مسأله اتفاق نظر دارند.
- ۴۶- اراکی (ع.م. ۲۴)، گلپایگانی (ع.م. ۲۴)، بهجت (استفتا)، تبریزی (استفتا)، خامنه‌ای (س ۶۵۰)، زنجانی (استفتا)، فاضل (ع.م. ۲۴) و مکارم (ع.م. ۲۴): حکم مسأله همان است که امام (ره) فرموده‌اند.
- خوئی (ع.م. ۲۴): قضا لازم است ولی اعاده، احتیاطاً واجب است؛ یعنی، اگر وقت نماز باقی است، بنابر احتیاط واجب باید نمازی را که شکسته خوانده، دوباره چهار رکعتی بخواند.
- * - برای توضیح قواطع سفر به فصل چهارم مراجعه شود.
- ۴۷- تبریزی، زنجانی و مکارم: هم چنین اگر پیش از رسیدن به چهار فرسخ از مسافت منصرف شود و تصمیم داشته باشد از راه دیگری برگردد که مجموع رفت و برگشت به مقدار هشت فرسخ باشد (مثلاً رفت سه فرسخ و برگشت پنج فرسخ)، باید نماز را شکسته بخواند. (برای توضیح بیشتر به فصل اول بحث مسافت تلفیقی مراجعه شود).
- ۴۸- همه مراجع معظم تقلید در حکم این مسأله اتفاق نظر دارند.
- ۴۹- همه مراجع معظم تقلید در حکم این مسأله اتفاق نظر دارند.
- * - چون با تردید، راهی طی نکرده لذا پنج فرسخ قبل از تردید با چهار فرسخ بعد، جمع می‌شود، مجموع نه فرسخ می‌گردد که بیش از مسافت شرعی است. (در شهر «الف» به جهت قصد اقامه باید نماز را تمام بخواند).
- * * - برای توضیح بیشتر به مسأله ۴ همین فصل مراجعه شود.
- ۵۰- اراکی (ر.م. ۱۲۸۲)، گلپایگانی (ر.م. ۱۲۹۹)، بهجت (ر.م. ۱۰۴۸)، خامنه‌ای (استفتا)، زنجانی (ر.م. ۱۲۹۹)، فاضل (ر.م. ۱۳۱۲) و مکارم (ر.م. ۱۱۳۲): حکمش همان است که امام راحل (ره) فرموده‌اند.
- خوئی (ر.م. ۱۳۰۰) و تبریزی (ر.م. ۱۳۰۰): مسافت باقی مانده با مسافت طی شده جمع نمی‌شود. بنابراین، چنان چه مسافتی که بعد از رفع تردید، قصد پیمودن آن را دارد، به تنهایی - بدون احتساب مسافت طی شده قبل از تردید - به اندازه مسافت شرعی (امتدادی یا تلفیقی) باشد، باید نماز را شکسته بخواند و گرنه نمازش تمام است.
- ۵۱- خوئی و تبریزی: در مسیر روستا به شهر «الف» باید نماز را تمام بخواند؛ چون مسافتش، چهار فرسخ است که کمتر از مسافت شرعی است.
- ۵۲- اراکی (ر.م. ۱۲۸۴)، گلپایگانی (ر.م. ۱۳۰۱)، بهجت (ر.م. ۱۰۴۹)، خامنه‌ای (استفتا)، زنجانی (ر.م. ۱۳۰۱) و فاضل (ر.م. ۱۳۱۴): حکمش همان است که امام راحل (ره) فرموده‌اند.
- خوئی (ر.م. ۱۳۰۰) و تبریزی (ر.م. ۱۳۰۰): باید نماز را تمام بخواند.
- مکارم (ر.م. ۱۱۳۲): مسافت بعد از رفع تردید با مسافت طی شده قبل از تردید، جمع می‌شود. بنابراین اگر مجموع هشت فرسخ یا بیشتر باشد باید نماز را شکسته بخواند.
- * - در شهر «الف» به جهت قصد اقامه، نمازش تمام است.
- ۵۳- خوئی و تبریزی: باید نماز را تمام بخواند.

مکارم: باید نماز را شکسته بخواند.

مقدمه:

اشاره

سه چیز است که آنها را قواطع * سفر می‌گویند و هر کدام از آنها در اثنای سفر تحقق پیدا کند، سفر قطع می‌شود، یعنی، شخص دیگر حکم مسافر را ندارد. بنابراین، باید نماز را تمام بخواند. آن سه چیز عبارتند از:

- ۱- مرور به وطن؛
- ۲- قصد اقامه ده روز یا بیشتر در یک محل؛
- ۳- سی روز توقف در یک محل به صورت مردد (بدون قصد).

در اثنای سفر، قواطع سفر، تحقق پیدا نکند

مباحث این فصل را تحت پنج عنوان زیر پی خواهیم گرفت.

عنوان اول: وطن، اقسام و احکام آن؛

عنوان دوم: اعراض از وطن و احکام آن؛

عنوان سوم: قصد اقامه و احکام آن؛

عنوان چهارم: سی روز توقف مردد و احکام آن؛

عنوان پنجم: احکام کلی قواطع سفر.

عنوان اول وطن، اقسام و احکام آن

پرسش‌های مقدماتی

- مجموعاً چند قسم وطن وجود دارد؟
- یک شخص، چند وطن می‌توان داشته باشد؟
- آیا ممکن است کسی بدون وطن باشد؟
- آیا زن و فرزند، در وطن مستقلند یا تابع؟
- وطن شرعی، چه فرقی با وطن اتخاذه دارد؟
- آیا قصد توطن در تهران، با سایر شهرها فرق دارد؟

مقدمه:

اشاره

روال این نوشتار بر این بود که متن اصلی، فتاوی امام راحل (قدس سره) باشد و نظریات سایر مراجع معظم تقلید در پاورقی ذکر شود اما در بحث اقسام وطن، چون دسته بندی به این شکل در هیچ کدام از رساله‌های عملیه نیامده به ناچار، عبارات جامعی، به

عنوان متن تنظیم شده و فتوای همه مراجع - از جمله امام راحل (ره) - در پاورقی آمده است .
از مجموع آرای مراجع تقلید، استفاده می‌شود که شش قسم وطن وجود دارد که به تفکیک در ذیل هر یک از این اقسام، تعریف،
قائلین به آن و احکامش بیان خواهد شد .

۱- وطن اصلی *

وطن اصلی، محلی ** است که شخص در آن متولد شد و نشو و نما کرده و وطن پدر و مادری اوست. ***
مثال: کسی که پدر و مادرش تهرانی هستند و او هم در تهران متولد و بزرگ شده، تهران وطن اصلی اوست .
مسئله ۱ - کسی که در غیر وطن پدر و مادر متولد شده و در همان طفولیت به وطن پدر و مادر منتقل و در آن جا بزرگ گشته،
وطن پدر و مادر، وطن اصلی او می‌باشد.

مثال: خانواده‌ای آبادانی، در اثر جنگ یا مأموریت شغلی یا...، به تهران مهاجرت کرده و در تهران صاحب فرزندی شدند. بچه یک
ساله بود که به آبادان بازگشتند و بچه در آبادان بزرگ شد، هر چند بچه در تهران متولد شده ولی وطن اصلی او آبادان است نه
تهران. (تهران برای او مثل سایر شهرهاست و حکم وطن را ندارد.)

مسئله ۲ - کسی که در وطن پدر و مادر متولد شده و در همان اوایل ولادت به شهر دیگری منتقل و در آن جا بزرگ گشته، آن
شهر وطن اصلی او می‌باشد (نه محل تولدش).

مثال: خانواده‌ای آبادانی صاحب فرزندی شدند، هنوز چند روز از تولدش نگذشته بود که به اهواز مهاجرت کردند و بچه در آن جا
بزرگ شد. در این صورت وطن اصلی بچه اهواز است نه آبادان.

مسئله ۳ - کسی که در غیر وطن پدر و مادر متولد شده و بزرگ شود، همان جان وطن اصلی او می‌باشد.

مثال: خانواده‌ای اهل اهواز، به مشهد مهاجرت می‌کنند، بچه‌هایی که در مشهد متولد شده و همان جا بزرگ شوند، مشهد وطن
اصلی آنها خواهد بود (هر چند پدر و مادر در مشهد قصد وطن نکرده باشند).

مسئله ۴ - کسی که در وطن پدر و مادر متولد و بزرگ شده و قبل از سن بلوغ (مثلاً هفت هشت سالگی) همراه پدر و مادر به شهر
دیگری مهاجرت کند، همان محل تولد، وطن اصلی او می‌باشد.

مثال: شخصی که پدر و مادرش اهوازی اند، اگر در اهواز متولد شده در سن هفت سالگی به همراه خانواده‌اش به مشهد مقدس
مهاجرت کند، وطن اصلی او اهواز می‌باشد .

سؤال ۲۷ - شهر مشهد مقدس برای او چه حکمی دارد؟

سؤال ۲۸ - اگر پدر و مادر هنگام مهاجرت به مشهد، از اهواز اعراض کنند، اهواز برای او چه حکمی دارد؟

مسئله ۵ - لازم نیست که حتماً همه، وطن اصلی داشته باشند؛ بلکه ممکن است کسی به طور کلی، وطن اصلی نداشته باشد.

مثال: زن و شوهری آبادانی به اهواز مهاجرت کرده و بچه‌شان در آن جا متولد شد. بعد از دو سال به تهران و پس از سه چهار سال
از تهران به کرج منتقل شدند و بعد از چند سال اقامت در کرج، به مشهد مقدس مهاجرت کردند. هیچ کدام از این شهرها وطن
بچه نمی‌باشد و او فاقد وطن اصلی است. بعد از بلوغ اگر خواست می‌تواند محلی را برای خود وطن انتخاب کند. *

مسئله ۶ - در وطن اصلی، قصد دوام، (زندگی دائمی) و داشتن خانه و ملک (شخصی یا استیجاری) لازم نیست. حتی اگر قصد
اعراض ** کند؛ تا زمانی که ساکن آن جا است، برایش وطن حساب شده و احکام وطن جاری می‌شود .

۲- وطن اتخا‌دی (وطن مستجد)

وطن اتخاذی، محلی است که شخص در آن جا قصد توطن کرده باشد؛ یعنی، برای اقامت و زندگی دائمی خود، اختیار کرده باشد. ۵۴ (ع.ف. ۶۸)

مثال: شخصی اهل اهواز، به تهران مهاجرت کرده و تصمیم دارد مادام العمر در تهران زندگی کند، تهران برای او وطن اتخاذی می‌شود.

مسئله ۱- در وطن اتخاذی، لازم نیست همیشه در آن جا زندگی کند، بلکه همین قدر که تصمیم داشته باشد مدتی از سال را در آن جا زندگی کند، کفایت می‌کند. ۵۵ (ع.ف. ۶۸)

مثال: شخصی اهل تهران، منزلی (شخصی یا استیجاری یا...) در شهر چالوس تهیه کرده و تصمیم دارد همه ساله، سه ماه تابستان را، مادام‌العمر در آن جا زندگی کند. چالوس برای او وطن اتخاذی می‌شود.

بنابراین، هر وقت آنجا برود، باید نماز را تمام بخواند و قصد اقامه ده روز (یا بیشتر) لازم نیست.

مسئله ۲- در وطن اتخاذی نباید اقامت خود را محدود به مقدار معین کرد؛ مثلاً کارمندی اهوازی به دلیل شغلش، به تهران مهاجرت کرده، قصد می‌کند تا زمان بازنشستگی، تهران وطنش باشد یا تا بیست سال وطنش باشد؛ با این قصدهای مدت‌دار، وطن اتخاذی درست نمی‌شود. بنابراین، تهران وطنش نیست و باید در آن جا به احکام مسافر عمل کند. ۵۶ (ع.ف. ۶۸)

مسئله ۳- از ابتدای مهاجرت به وطن اتخاذی، نمی‌توان نماز را تمام خواند؛ بلکه باید وطنیت محقق شود؛ یعنی، مدتی از اقامت شخص در آن محل بگذرد که عرفاً اهل آن جا حساب شود. پس از آن، احکام وطن (تمام خواندن نماز وصحت روزه و...) شاملش می‌شود و قبل از آن باید در آن جا به احکام مسافر عمل کند. ۵۷ (ع.ف. ۶۸)

مسئله ۴- مدتی که در مسئله قبل، برای تحقق وطنیت اشاره شد، به حسب مورد فرق می‌کند: گاهی چند روز است و گاهی چند ماه.

مثال: کارمند یا استادی که وطنش آبادان است، در اهواز قصد وطن می‌کند و منزلی (شخصی یا استیجاری یا دولتی یا...) تهیه کرده و زندگی‌اش را به آن جا منتقل و شروع به زندگی عادی می‌کند. بعد از یکی دو هفته، عرفاً اهوازی حساب می‌شود (به طوری که اگر از اهواز به آبادان یا شهر دیگر برود، می‌گویند به سفر رفته است). از این رو بعد از یکی دو هفته به احکام وطن (تمام بودن نماز و...) عمل می‌کند.

اما اگر کسی از آبادان به اهواز رفته و قصد وطن کند، ولی هنوز مسکن و شغل مشخصی ندارد و زندگی‌اش نیز از آبادان به اهواز منتقل نگشته و فعلاً سه چهار ماه به دنبال تهیه مسکن و شغل می‌باشد، مسلم است در این مدت مردم (عرف) او را اهوازی به حساب نمی‌آورند. ممکن است بعد از شش ماه که تدریجاً زندگی مستقر و عادی در اهواز پیدا کرد، عرفاً اهوازی محسوب شود. از این رو بعد از شش ماه، باید به احکام وطن، عمل کن. (ع.ف. ۶۸) به نظر امام (ره) به طور هم زمان بیش از دو محل را نمی‌شود وطن قرار دهد.

مسئله ۵- تانسان در محلی سکونت نداشته باشد، نمی‌تواند در آن جا قصد وطن کند.

بنابراین، کسی که مثلاً ساکن آبادان است، نمی‌تواند در اهواز قصد وطن کند، هر چند در اهواز خانه و ملک هم داشته باشد. ۵۸ (ع.ف. ۶۸)

مسئله ۶- انسان می‌تواند دو محل، بلکه حتی سه محل را هم زمان، برای خود، وطن قرار دهد؛ به این ترتیب که در طول * سال در این سه محل زندگی کند ۵۹ (**ع.ف. ۶۸ م. ۲)

مثال: شخصی تهرانی، سه چهار ماه تابستان را در تبریز و سه چهار ماه زمستان را در اهواز و سه چهار ماه از سال را هم (به صورت متفرق) در رشت زندگی می‌کند. این شخص می‌تواند هر سه شهر را برای خود وطن قرار دهد. بنابراین، در هر سه شهر احکام وطن

(تمام بودن نماز و...) جاری می‌شود. *

مسئله ۷- انسان نمی‌تواند در تمام کشور، قصد وطن کند، بلکه باید در یک شهر یا یک آبادی معین قصد وطن نماید.

مسئله ۸- در شهرهای خارق‌العاده بزرگ - مثل تهران - هم مانند شهرهای متعارف، تمام شهر را باید وطن اخذ کند نه یکی از محلات آن را. ۶۰

۳- وطن حکمی* (شبه الوطن)

وطن حکمی، محلی** است که شخص آن جا را برای مدت قابل ملاحظه‌ای ۶۱ به عنوان محل زندگی خود قرار داده و مثل کسی که آن جا وطنش است در آن جا زندگی می‌کند (که اگر مسافرتی برای او پیش آید، دوباره به همان جا باز خواهد گشت). این امر به طوری است که وقتی در آن جا اقامت دارد عرفاً او را مسافر نمی‌دانند.**

مثال: شخصی آبادانی، به اهواز مهاجرت کرده و یقین دارد چند سالی در آن جا زندگی خواهد کرد. در این صورت، اهواز برای او حکم وطن را دارد. بنابراین مثل وطن، باید نماز را تمام بخواند و روزه بگیرد. ۶۲ (بدون نیاز به قصد اقامه ده روز یا بیشتر).

مسئله ۱- در وطن حکمی، شخص باید وضعش طوری باشد که عرفاً او را مسافر ندانند؛ یعنی، زندگی او حالت غیر مستقر نداشته باشد. بنابراین، این قسم از وطن شامل دانشجویان ساکن خوابگاه‌ها نمی‌شود ۶۳؛ چون آنان در شهر محل تحصیل، زندگی مستقر ندارند و عرفاً آنها را مسافر می‌دانند. البته اگر دانشجویی، در آن شهر مسکنی (شخصی، یا استیجاری، یا دولتی یا...) تهیه کرده و زن و فرزند و زندگی‌اش را به آن جا منتقل کند و مانند یکی از افراد آن شهر زندگی مستقری داشته باشد ۶۴، - به طوری که عرفاً او را در آنجا مسافر ندانند - آن شهر برای او حکم وطن را خواهد داشت.

مسئله ۲- در وطن حکمی نیز مانند وطن اتخاذی، باید مدتی از سکونتش بگذرد و پس از آن نمازش را تمام بخواند و قبل از آن باید به احکام مسافر عمل کند. ۶۵ (مدت مزبور به حسب مورد فرق می‌کند، با همان تفصیلی که در وطن اتخاذی گذشت). *

۴- وطن قهری

وطن قهری، محلی است که شخص بدون قصد وطن، آن قدر سکونت می‌کند که عرفاً از اهالی آن جا به حساب می‌آید. ۶۶
مثال: شخصی اهل تهران، از چهل سال پیش به قم مهاجرت کرده و بدون قصد وطن در آن جا زندگی می‌کند. پیداست که بعد از این مدت طولانی، مردم او را اهل قم می‌دانند. بنابراین، از این به بعد قم برای او وطن است و باید به احکام وطن عمل کند.

۵- وطن شرعی ۶۷

وطن شرعی، محلی است که شخص در آن جا، ملک قابل سکونت داشته باشد و حداقل شش ماه متوالی به قصد وطن، در آن ملک ساکن بوده باشد. ۶۸ (خوئی: ر.م ۱۳۴۲).

مثال: شخصی اهوازی به تهران مهاجرت کرده و قصد دارد برای همیشه در تهران زندگی کند. از این رو خانه‌ای می‌خرد. بعد از شش ماه (یا بیشتر) سکونت متوالی در آن منزل، از تصمیم خود منصرف شده و به اهواز باز می‌گردد. در این صورت تهران برای او وطن شرعی است و تا زمانی که آن خانه از ملکیت او خارج نشده یا از بین نرفته، هر وقت تهران برود، باید نماز را تمام بخواند. ۶۹ (حتی اگر از تهران اعراض کرده باشد).

سؤال ۲۹ - به نظر سایر مراجع، تهران برای چنین شخصی چه حکمی دارد؟

مسئله ۱- اگر ملک محل سکونت، مال خودش نباشد، وطن شرعی تحقق پیدا نمی‌کند؛ مثلاً زنی اهل تهران که با قصد وطن

دائمی، به مدت شش ماه متوالی (یا بیشتر) در منزل شوهرش در شهر قم زندگی کرده، قم برای او وطن شرعی نمی‌شود. هم چنین اگر فرزند در منزل پدرش یا پدر در منزل فرزندش، شش ماه (یا بیشتر) زندگی کند (هر چند به قصد وطن دائمی)، آن جا وطن شرعی نمی‌شود.

مسئله ۲- در تحقق وطن شرعی، داشتن ملک مسکونی مشترک نیز کفایت می‌کند؛ مثلاً زن و شوهری اهوازی به قصد توطن دائمی به تهران مهاجرت کرده و مشترکاً منزلی خریده‌اند، پس از شش ماه سکونت متوالی در آن منزل، تهران برای هر دو آنان وطن شرعی می‌شود. (خوئی: س ۳۲۷).

مسئله ۳- در وطن شرعی، شش ماه سکونت، باید متوالی و پشت سر هم باشد. بنابراین، اگر شخصی تهرانی به قصد توطن دائمی به قم مهاجرت کرده و منزلی بخرد ولی هر از چند گاهی به، تهران رفته و دو سه روز بماند؛ چون سکونت متوالی در قم نداشته، قم برای او وطن شرعی نمی‌شود؛ اما سفر یکروزه اشکال ندارد. هم چنین خروج از قم به کمتر از مسافت شرعی (هشت فرسخ) هم اشکال ندارد. (خوئی: س ۲۸۶).

۶- وطن تبعی *

وطن تبعی، محلی است که به تبع دیگری، برای کسی وطن شده باشد. در وطن هم تابع او خواهد بود. (ع.ف ۶۸ م ۳).

مسئله ۱- فرزندی که در معیشت و اراده استقلال نداشته و تابع پدر و مادر است، در وطن نیز تابع آنان است. * پس هر جا که آنها وطن انتخاب کنند، وطن فرزند نیز می‌باشد، و اگر پدر و مادر، جدا از هم زندگی می‌کنند، فرزند در معیشت و اراده تابع هر کدام باشد، در وطن نیز تابع او خواهد بود. ۷۰

مثال ۱: خانواده‌ای اهل آبادان، به اهواز مهاجرت کرده و قصد توطن می‌کنند، اهواز برای فرزندان این خانواده نیز - به تبع پدر و مادر - وطن می‌شود. ۷۱

مثال ۲: زنی اهوازی با شوهر آبادانی خود در تهران زندگی می‌کنند. بعد از طلاق، هر کدام به وطن خود باز می‌گردند. پسر خانواده، در آبادان با پدر زندگی می‌کند و دختر خانواده، در اهواز با مادر. در این صورت آبادان وطن پسر می‌شود و اهواز وطن دختر. ۷۲

بنابراین، هر وقت پسر برای دیدن مادرش به اهواز برود، باید به احکام مسافر عمل کند. هم چنین هر وقت دختر برای دیدن پدر به آبادان برود، باید به احکام مسافر عمل نماید.

مسئله ۲- اگر پدر و مادر از وطن خود مهاجرت کرده و دیگر ساکن آن جا نباشند، آن جا برای فرزند، وطن (تبعی) نمی‌شود (هر چند برای پدر و مادر هنوز وطن باشد و اعراض نکرده باشند).

مثال: وطن پدر و مادر شخصی، تهران است، ولی او در قم متولد و بزرگ شده است؛ بنابراین، تهران برای او وطن نمی‌شود. ۷۳

مسئله ۳- هرگاه فرزند در معیشت (گذران زندگی) و اراده مستقل باشد و تابع پدر و مادر نباشد، در این صورت میزان در انتخاب وطن، قصد خود اوست و تابع پدر و مادر نیست. بنابراین، هر جا قصد توطن کند، آن جا وطنش می‌شود. ۷۴

مسئله ۴- اگر زن هنگام عقد ازدواج، حق انتخاب محل زندگی را برای خود حفظ کند، یا در معیشت و اراده استقلال داشته و عرفاً تابع شوهر نباشد، در این صورت، میزان در توطن، قصد خود اوست و تابع شوهر نیست. بنابراین، می‌توان وطن شوهرش را - که در آن جا با هم زندگی می‌کنند - برای خود وطن قرار ندهد. ۷۵ (پس در آن جا به احکام مسافر عمل می‌کند).

مثال ۱: مردی اهوازی با زنی آبادانی ازدواج کرده و ضمن عقد ازدواج به توافق رسیده‌اند که زن هر کجا خواست زندگی کند و او برای زندگی آبادان را انتخاب کرد. زن هر زمانی که به اهواز نزد شوهرش می‌رود، در آنجا باید به احکام مسافر عمل کند. اگر بعد از چند سال به دلخواه خود به اهواز مهاجرت کرد، تا زمانی که در آن جا قصد توطن نکرده، باید به احکام مسافر عمل کند ۷۶ و اهواز برای او - به تبع شوهر - وطن نمی‌شود.

مثال ۲: در مثال بالا- اگر موقع ازدواج، راجع به محل زندگی توافقی نکرده باشند، ولی زن در آبادان از خود خانه و زندگی و درآمدی دارد و استقلال رأی داشته و عرفاً تابع شوهر نباشد؛ باز حکمش همان است که در مثال قبلی گذشته؛ یعنی، اگر روزی به اهواز مهاجرت کند، تا زمانی که قصد توطن نکرده، باید به احکام مسافر عمل نماید. ۷۷.

مسئله ۵- اگر زن هنگام عقد ازدواج، حق انتخاب محل زندگی را برای خود حفظ نکند و در معیشت و اراده، استقلال نداشته و عرفاً تابع شوهر باشد، در این صورت در وطن نیز تابع او خواهد بود. بنابراین، هر زمانی که برای زندگی به وطن شوهر مهاجرت کند، آن جا - به تبع شوهر - وطن او هم خواهد بود و نیز هر جایی را که شوهر برای توطن انتخاب کند، برای او نیز وطن خواهد بود. * ۷۸

مثال ۱: زنی آبادانی بعد از ازدواج با مردی اهوازی، برای زندگی با شوهرش، به خانه او در اهواز مهاجرت می کند، اهواز - به تبع شوهر - برای او وطن می شود.

مثال ۲: در مثال بالا شوهر به تهران مهاجرت کرده قصد توطن کند و زن را هم برای زندگی با خود، به آن جا ببرد، تهران برای او نیز - به تبع شوهر - وطن می شود.

مسئله ۶- زنی که تابع شوهر است - به تفصیلی که در مسئله ۵ گذشت - فقط آن وطن شوهر برای او وطن می شود که در آن جا با شوهرش زندگی می کند و گرنه، آن وطن شوهر که زن در آن جا زندگی نمی کند، برای او - به تبع شوهر - وطن نمی شود. ۷۹

مثال ۱: زنی آبادانی با شوهر اهوازی خود در تهران - که وطن اتخاذی شوهر است - زندگی می کند. تهران برای او به تبع شوهرش وطن می شود؛ اما اهواز که وطن اصلی شوهر است، برای زن وطن نمی شود. ۸۰ بنابراین، هر وقت آن جا مسافرت کند، مرد نمازش تمام است، ولی زن باید به احکام مسافر عمل کند.

مثال ۲: در مثال بار اگر شوهر در کرج نیز قصد وطن کرده و مدتی از سال را - به تفصیلی که در وطن اتخاذی گذشت - در آن جا با زن دومش زندگی می کند، کرج برای زن اول به تبع شوهر، وطن نمی شود.

مثال ۳: در مثال اول، اگر زن چند سال اول ازدواج را در وطن خودش بوده و برای زندگی به تهران مهاجرت نکرده باشد، تهران برای او به تبع شوهر وطن نمی شود. بنابراین، هر وقت به تهران، نزد شوهرش سفر کند، باید در آن جا به احکام مسافر عمل کند.

مسئله ۷- شخص بالغ و مستقل در اراده و معیشت، در انتخاب وطن، تابع پدر و مادر نیست و می تواند محلی را که آن دو وطن انتخاب کرده اند، برای خودش وطن قرار ندهد؛ اما اگر قبل از بلوغ و استقلال، محلی - به تبع پدر و مادر - برای او وطن بوده، تا زمانی که از آن جا اعراض نکرده، هم چنان برای او وطن خواهد بود. ۸۱

تذکر: در واقع وطن دو قسم بیشتر نیست: یا شرعی است یا عرفی. وطن شرعی را غیر از آیت الله خوئی (ره) و آیت الله بهجت (بنابر احتیاط واجب)، دیگر مراجع قبول ندارند. بنابراین، به نظر سایر مراجع، وطن یک قسم بیشتر نیست و آن وطن عرفی است. پس وطن اصلی، اتخاذی، قهری و تبعی، اقسام وطن عرفی است و وطن حکمی - چنان که گفتیم - اصلاً وطن نیست و تنها حکم وطن را دارد؛ چون عرفاً شخص را در آن جا، مسافر محسوب نمی کنند.

خلاصه

اصلی

اتخاذی (مستجد)

عرفی تبعی

وطن قهری

شرعی

حکمی (شبه الوطن)

- ۱- وطن اصلی، محل زندگی پدر و مادر است که شخص در آن جا متولد و بزرگ شده است.
- ۲- وطن اتخاذه، محلی است که شخص برای زندگی دائمی - هر چند برای مدتی از سال - انتخاب کرده است.
- ۳- انسان می‌تواند دو محل بلکه سه محل را به طور هم زمان، برای خود وطن قرار دهد.
- ۴- وطن حکمی، محلی است که شخص آن جا را برای مدت قابل ملاحظه‌ای، محل زندگی قرار داده است، به طوری که عرفاً در آن جا مسافر محسوب نمی‌شود.
- ۵- وطن قهری، محلی است که شخص، بدون قصد وطن، مدت بسیار زیادی را در آن جا زندگی کرده است، به طوری که عرفاً اهل آنجا محسوب می‌شود.
- ۶- وطن شرعی، محلی است که شخص در آن جا ملک قابل سکونت داشته و حداقل شش ماه متوالی به قصد وطن در آن جا زندگی کرده است.
- ۷- وطن تبعی، محلی است که به تبع دیگری، برای کسی، وطن می‌شود؛ مثل تبعیت زن و فرزند (در موارد خاص) از شوهر و پدر در وطن.

عنوان دوم اعراض از وطن و احکام آن

پرسش‌های مقدماتی

- اعراض از وطن یعنی چه و چگونه است؟
 - آیا بدون انتخاب وطن دیگر، می‌توان از وطن قبلی اعراض کرد؟
 - آیا زن در اعراض از وطن تابع شوهر است؟
 - آیا فرزند در اعراض از وطن تابع پدر و مادر است؟
- مسئله ۱ - اعراض از وطن؛ یعنی مهاجرت از وطن با این قصد که دیگر برای سکونت و زندگی *به آن جا باز نگردد**، پس تا زمانی که کسی در وطن خود ساکن است، اعراض تحقق پیدا نمی‌کند و نیز اگر کسی بدون قصد اعراض، از وطن خود مهاجرت کند، آن جا همچنان وطن اوست ***، هر چند سال‌ها به آن جا نرود. ۸۲ (س ۴۲۲ و ۴۲۳)
- مسئله ۲ - پس از اعراض از وطن، آن جا مثل سایر شهرها و روستاها می‌شود که هر وقت به آنجا سفر کند باید به احکام مسافر عمل نماید؛ خواه در آن جا ملکی داشته باشد یا نه و خواه اقوام و بستگانش در آن جا زندگی کنند یا نه. ۸۳ (ر.م ۱۳۳۳)
- مثال: شخصی از اهواز اعراض کرده و ساکن تهران شده است، ولی هنوز منزل مسکونی خود را نفروخته و هر وقت برای دیدن اقوام و دوستان به اهواز مسافرت می‌کند، در همان منزل خود سکونت می‌کند. این شخص در اهواز باید به احکام مسافر عمل نماید. ۸۴
- مسئله ۳ - کسی که قصد اعراض از وطن را دارد، چنان چه تصمیم داشته باشد هر از چند گاه برای دیدار دوستان و بستگان به آن جا باز گردد و مدتی بماند، با اعراض منافاتی ندارد و اعراض تحقق پیدا می‌کند* و هر وقت به آن جا برود، باید به احکام مسافر عمل کند. ۸۵ (س ۴۲۲ و ۴۲۳)
- مسئله ۴ - لازم نیست کسی که از وطن خود اعراض می‌کند، جایی را برای خود وطن انتخاب نماید. بنابراین، اشکالی ندارد که کسی، مدتی بدون وطن باشد. ۸۶ (ع.ف ۶۸ م ۴)

مثال: شخصی از اهواز اعراض و به تهران مهاجرت کرده، ولی در تهران نیز قصد توطن نکرده است. بنابراین، فعلاً بدون وطن است، پس، هم در تهران و هم در اهواز باید به احکام مسافر عمل کند. ۸۷

مسئله ۵ - زن در اعراض از وطن، مستقل است و تابع شوهر نیست. ۸۸ (س ۴۲۸ و ۴۲۹)

مثال ۱: اگر زنی اهوازی بعد از ازدواج با مردی تهرانی، برای زندگی با او به تهران مهاجرت کند؛ چنان چه از اهواز اعراض نکرده باشد، اهواز هم چنان وطن او می‌باشد.

مثال ۲: زن و شوهری اهل اهواز پس از چند سال زندگی مشترک، به تهران مهاجرت کرده، شوهر از اهواز اعراض و در تهران قصد وطن می‌کند؛ اگر زن خودش، قصد اعراض از اهواز نکند، آن جا هم چنان وطن او خواهد بود. بنابراین، هر وقت به اهواز مسافرت کنند، زن در آن جا، نمازش تمام است اما شوهر باید نماز را شکسته بخواند (مگر اینکه قصد اقامه ده روز یا بیشتر داشته باشد).

مسئله ۶ - فرزندی که در معیشت (گذران زندگی) و اراده، استقلال نداشته و تابع پدر و مادر باشد، در اعراض از وطن نیز تابع آن دو می‌باشد و هر وقت عرفاً مستقل شده در اعراض نیز مستقل بوده و قصد خودش ملاک خواهد بود. ۸۹ (س ۴۲۸)

مسئله ۷ - تا زمانی که انسان از وطن خود اعراض نکرده - هر چند از آن جا مهاجرت کرده باشد - همین که به حد ترخص * رسید، باید نماز را تمام بخواند **؛ اگر چه قصد توقف نداشته و فقط از آن جا (وطنش) عبور می‌کند. ۹۰ (ر.م ۱۳۲۷).

مثال: کسی که وطنش شهر مقدس قم است و از بیست سال پیش به تهران مهاجرت کرده - در حالی که از قم اعراض نکرده است - اگر در سفری به اهواز، قطار برای نماز ظهر و عصر در قم توقف کرد، باید نماز را چهار رکعت بخواند. ***

عنوان سوم قصد اقامه و احکام آن

پرسش‌های مقدماتی

- قصد اقامه چیست ؟

- آیا می‌توان در دو محل قصد اقامه کرد؟

- آیا قصد اقامه در تهران، با سایر شهرها فرق دارد؟

- قصد اقامه مشروط چیست و چه حکمی دارد ؟

- با تصمیم به خروج از شهر، آیا می‌توان قصد اقامه کرد؟

- اقامه، چگونه تحقق پیدا می‌کند؟

- پس از تحقق اقامه، بیرون رفتن از محل اقامه، چه حکمی دارد؟

- آیا با نماز قضایی، اقامه تحقق پیدا می‌کند؟

- انصراف از اقامه، آیا قاطع اقامه است یا کاشف از عدم تحقق اقامه؟

مسئله ۱ - هرگاه مسافر بخواهد حداقل ده روز متوالی در محلی بماند یا بداند که اجباراً این مدت را در آن جا توقف خواهد کرد، * باید نماز را تمام بخواند ۹۱ (ر.م ۱۳۳۵)

مسئله ۲ - آنچه برای قصد اقامه لازم است، ماندن ده روز تمام در یک جاست و بودن شب قبل از آن و شب بعد از آن لزومی ندارد. بنابراین، اگر بخواهد از اذان صبح روز اول ** تا غروب روز دهم (ده روز و نه شب) در محلی بماند، یا از ظهر روز اول تا ظهر روز یازدهم (ده روز و ده شب) بماند، باید نماز را تمام بخواند. ۹۲ (ر.م ۱۳۳۶)

سؤال ۳۰ - کسی که ساعت ده صبح روز اول ماه مبارک رمضان وارد اهواز شده است، تا چه زمانی باید قصد توقف در آن جا را

داشته باشد تا بتواند نماز را تمام بخواند و روزه را بگیرد؟

مسئله ۳ - مسافر فقط در یک محل (شهر، یا روستا و یا...) می‌تواند قصد اقامه کند و در دو محل هر چند نزدیک به هم (بلکه حتی متصل به هم) نمی‌تواند قصد اقامه کند. ۹۳ (ر.م ۱۳۳۷)

مثال: مسافری که قصد دارد ده روز در قم و جمکران بماند، اقامه اش محقق نمی‌شود. بنابراین، هم در قم و هم در جمکران باید نماز را شکسته بخواند.

مسئله ۴ - در بلاد کبیره (شهرهای خارق العاده بزرگ) مثل تهران، نمی‌شود در کل شهر قصد اقامه کرد؛ بلکه فقط در یکی از محلات شهر می‌توان قصد اقامه کرد. ۹۴ (س ۳۳۴ و ۳۱۷)

مسئله ۵ - مسافری که تصمیم دارد، ده روز یا بیشتر در جایی بماند، اما احتمال می‌دهد در اثنای اقامت مانعی پیدا شود و پیش از ده روز آن جا را ترک کند، در صورتی که مردم به این گونه احتمالات اعتنا نکنند (احتمال غیر عقلایی باشد)، قصد اقامه محقق می‌شود. بنابراین، باید نماز را تمام بخواند؛ اما اگر احتمال مانع، قوی باشد (احتمال عقلایی باشد)، قصد اقامه محقق نمی‌شود، بنابراین، باید نماز را شکسته بخواند. ۹۵ (ر.م ۱۳۴۰)

مثال: شخصی از آبادان به اهواز آمده و تصمیم دارد ده روز بماند، ولی احتمال می‌دهد فرزندش ناراحتی شدیدی پیدا کند و ناچار شود به آبادان باز گردد. چنانچه فرزند او، شخص سالم و سرحالی باشد، این احتمال قابل اعتنا نیست؛ بنابراین باید نماز را تمام بخواند، اما اگر فرزندش سابقه کسالت دارد، این احتمال قابل اعتناست. بنابراین، باید نماز را در اهواز شکسته بخواند.

مسئله ۶ - اگر مسافر تصمیم قطعی به توقف ده روز نداشته باشد یا توقف ده روز را مشروط به تحقق یک چیز غیر یقینی کند، قصد اقامه محقق نمی‌شود؛ بنابراین، باید نماز را شکسته بخواند. ۹۶ (ر.م ۱۳۳۹)

مثال: شخصی از آبادان به مشهد مقدس رفته و تصمیم دارد اگر دوستش بیاید یا منزل مناسبی پیدا کند و یا... ده روز در آن جا بماند و گرنه دو سه روز بیشتر نماند، این قصد اقامه درست نیست و باید نماز را شکسته بخواند.

مسئله ۷ - مسافری که می‌خواهد ده روز یا بیشتر در محلی بماند، اگر از اول قصد داشته باشد که در بین ده روز به اطراف آن جا (در محدوده حد ترخص) برود، اشکالی ندارد و قصد اقامه او درست و نمازش تمام است. هم چنین اگر بخواند خارج از محدوده حد ترخص برود، چنانچه مجموع رفت و برگشت او حدود یکی دو ساعت و در کل ده روز فقط یک بار باشد، باز اقامه محقق و نمازش تمام است (حتی در محل خارج از حد ترخص که رفته)؛ اما اگر بیشتر از آن باشد، اقامه تحقق نیافته و نمازش شکسته خواهد بود. ۹۷ (ر.م ۱۳۳۸)

مثال: شخصی از آبادان به اهواز آمده و قصد دارد ده روز در آن جا بماند، ولی می‌داند که هر روز باید یکی دو ساعت به شهرکی واقع در پانزده کیلومتری اهواز برود؛ اقامه او در اهواز، تحقق نیافته و در تمام ده روز نمازش شکسته ۹۸ است، اما اگر از اول قصد داشته باشد در این مدت ده روز فقط یک بار به آن شهرک برود و مجموع رفت و برگشت بیش از یکی دو ساعت نباشد، در این صورت، اقامتش در اهواز تحقق یافته و نمازش تمام است.

سؤال ۳۱ - اگر از اول قصد داشته باشد در اثنای ده روز، فقط یک بار به مدت چند دقیقه به چهار فرسخی اهواز برود، نمازش چه حکمی دارد؟

مسئله ۸ - اگر مسافر در محلی قصد اقامه کند و قبل از خواندن یک نماز چهار رکعتی (ظهر یا عصر و یا عشا)، از اقامه منصرف یا مردد شود، اقامه تحقق نیافته و تا وقتی که در آن جاست باید نماز را شکسته بخواند؛ اما بعد از قصد اقامه اگر یک نماز چهار رکعتی خوانده شد، اقامه تحقق یافته و پس از آن، انصراف از اقامه یا تردید در آن هیچ اثری ندارد. بنابراین، تا وقتی در آنجاست و سفر جدیدی را شروع نکرده، باید نماز را تمام بخواند. (هر چند پس از تحقق اقامه فقط یک روز بماند) ۹۹ (ر.م ۱۳۴۲)

مثال: فردی از اهواز به مشهد مقدس رفته و چون تصمیم دارد ده روز یا بیشتر در آن جا بماند، نماز ظهر را تمام خواند، پس از اتمام نماز از ده روز ماندن منصرف یا مردد شد، این انصراف یا تردید (پس از خواندن یک نماز چهار رکعتی) بی اثر است. بنابراین، از این به بعد، اگر یک روز هم در مشهد بماند، باید نماز را تمام بخواند.

مسئله ۹ - اگر مسافر به گمان اینکه دوستانش قصد دارند ده روز در محلی بمانند؛ قصد اقامه ده روز کند و بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی بفهمد که آنها قصد اقامه نکرده‌اند، هر چند خودش هم از ماندن منصرف شود، تا مدتی که در آن جاست، باید نماز را تمام بخواند. (ر.م. ۱۳۵۲)

مسئله ۱۰ - مسافری که قصد کرده ده روز یا بیشتر در محلی بماند، اگر از ماندن منصرف یا مردد شود و شک کند که آیا پیش از آنکه از قصد ماندن منصرف یا مردد شود، یک نماز چهار رکعتی خوانده یا نه، باید نمازهای خود را شکسته بخواند. (ر.م. ۱۳۴۴)

مسئله ۱۱ - اگر مسافر به نیت نماز شکسته، مشغول نماز شود و در بین نماز تصمیم بگیرد که ده روز یا بیشتر در آن محل بماند، باید نماز را چهار رکعتی تمام کند و تا وقتی که در آن جاست، باید نماز را تمام بخواند. (ر.م. ۱۳۴۵)

مسئله ۱۲ - مسافری که قصد کرده ده روز را در جایی بماند و شروع به خواندن نماز چهار رکعتی کرد، اگر در بین نماز از قصد خود برگردد - چنان چه مشغول رکعت سوم نشده - نمازش صحیح است؛ منتها باید دو رکعتی تمام نماید، و اگر مشغول رکعت سوم شده - هر چند در رکوع سوم باشد - نمازش باطل است و باید دوباره آن را شکسته به جا آورد و در هر صورت، اقامه او تحقق نیافته و تا وقتی که در آنجاست باید نمازهای خود را شکسته بخواند. (ر.م. ۱۳۴۶)

مسئله ۱۳ - نماز چهار رکعتی که اقامه با آن تحقق می‌یابد - چنان که در مسئله ۸ گذشت - سه شرط دارد:

شرط اول: خارجی باشد. بنابراین، با گذشتن وقت نماز چهار رکعتی و نیز با نماز چهار رکعتی ذمی (نمازی که وقتش داخل شده و وجوب فعلی پیدا کرده ولی مکلف آن را به جا نیاورده)، اقامه تحقق پیدا نمی‌کند. (ع. م. ۱۸)

مثال: مسافری در شهر اهواز قصد اقامه می‌کند. بنابراین، باید نماز ظهر و عصر را تمام بخواند، ولی عمداً یا سهواً، نماز نخواند شب از اقامه در اهواز منصرف شد و تصمیم گرفت که فقط یک هفته آن جا بماند، اقامه او محقق نشده و در این یک هفته باید نماز را شکسته بخواند. اما نماز ظهر و عصر فوت شده را باید چهار رکعتی قضا کند. ۱۰۵

سؤال ۳۲ - زنی حائض ماه مبارک رمضان در اهواز قصد اقامه ده روز نمود و روز هشتم اقامت در آن جا، از حیض پاک شد، با توجه به اینکه در این هشت روز نماز نخوانده، دو روز باقی مانده، نماز و روزه‌اش چه حکمی دارد؟

سؤال ۳۳ - ماه مبارک رمضان مسافری در اهواز قصد اقامه ده روز نمود و قبل از خواندن نماز چهار رکعتی بر اثر عارضه‌ای بیهوش یا مجنون شد و روز پنجم اقامت در آن جا، به هوش آمد یا جنونش بر طرف گردید در پنج روز باقی مانده، نماز و روزه‌اش چه حکمی دارد؟

سؤال ۳۴ - زن و شوهری ماه مبارک رمضان به مشهد مقدس مشرف شده و قصد اقامه ده روز یا بیشتر کردند. موقع ظهر مرد نماز ظهر و عصر را تمام خواند، ولی زن به دلیل حائض بودن (یا عمداً، یا سهواً، یا بیهوشی و یا عروض جنون*) نماز نخواند. آن دو، شب از قصد خود منصرف شده** و تصمیم گرفتند که فقط یک هفته در مشهد بمانند، حکم نماز و روزه زن و مرد در این یک هفته چیست؟

شرط دوم: ادایی باشد. بنابراین، با نماز چهار رکعتی قضایی، اقامه تحقق نمی‌یابد.

مثال: مسافری در مشهد مقدس، پس از قصد اقامه ده روز یا بیشتر، قضای چند نماز چهار رکعتی را - که قبل از سفر او فوت شده بود - به جا آورد و سپس قبل از خواندن نماز چهار رکعتی ادایی از قصد اقامه منصرف شده و تصمیم گرفت بعد از یک هفته به

وطن خود باز گردد. در این یک هفته، نمازش در مشهد، شکسته خواهد بود. (ع. م ۱۰۶) (ع. م ۱۸)

تبصره: چنانچه نماز چهار رکعتی قضایی، مربوط به همان ایام قصد اقامه باشد، اقامه تحقق می‌یابد. (ع. م ۱۰۷) (ع. م ۱۸)

مثال: در همان مثال سابق، اگر بعد از قصد اقامه در مشهد، وقت نماز مغرب و عشا داخل شود و او - عمدتاً یا سهواً - نماز عشا را نخواند، ولی روز بعد پس از نماز صبح قضای آن را چهار رکعتی به جا آورد و سپس از اقامه منصرف شود، چون انصراف بعد از نماز چهار رکعتی است، اقامه محقق شده و تا وقتی در مشهد بماند هر چند یک روز - باید نماز را تمام بخواند. ۱۰۸

شرط سوم: صحیح باشد، بنابراین، با نماز چهار رکعتی باطل، اقامه تحقق نمی‌یابد. (ع. م ۱۰۹) (ع. م ۳۲)

مثال: مسافری در مشهد مقدس پس از قصد اقامه ده روز (یا بیشتر)، نماز ظهر و عصر را چهار رکعتی به جا آورد. شب از اقامه منصرف شده و تصمیم گرفت فقط یک هفته آن جا بماند، در همان حال متوجه شد، نماز ظهر و عصرش - به دلیل پاک نبودن بدن یا لباسش و یا باطل بودن وضویش و یا... باطل بوده است، در این صورت، یک هفته‌ای که در مشهد توقف دارد، باید نماز را شکسته بخواند؛ ولی قضای نماز ظهر و عصر را - که باطل بوده است - باید چهار رکعتی به جا آورد. ۱۱۰

مسئله ۱۴ - همان طور که در مسئله ۸ گذشت، «اگر مسافر قبل از خواندن نماز چهار رکعتی از اقامه منصرف یا مردد شود، اقامه محقق نشده و باید نماز را شکسته بخواند.» اما این حکم (عدم تحقق اقامه و لزوم شکسته خواندن نماز)، به قبل از انصراف یا تردید، سرایت نمی‌کند.*

بدین معنا که اگر قبل از انصراف یا تردید، در محل قصد اقامه، نمازهای چهار رکعتی از او فوت شده، باید قضای آنها را چهار رکعتی به جا آورد و نیز روزه‌هایی که قبل از انصراف یا تردید، در محل قصد اقامه گرفته، صحیح است و اگر در روز انصراف یا تردید روزه بوده در صورتی که بعد از اذان ظهر از اقامه منصرف شده، روزه آن روز نیز صحیح*** است. ۱۱۱ (ع. م ۱۹ و ۲۱ - ر. م ۱۳۴۳)

مثال: مسافری اول ماه مبارک رمضان وارد اهواز شده و قصد اقامه می‌کند. از این رو نماز را تمام می‌خواند و روزه را می‌گیرد؛ روز سوم قبل از اذان ظهر از اقامه منصرف شده و تصمیم می‌گیرد بعد از چهار روز به وطن خود باز گردد، در همان حال متوجه می‌شود نمازهایی که در این چند روز خوانده (به دلیل نجاست لباس، یا بدن و یا...) باطل* بوده است. بنابراین، اقامه تحقق نیافته و پس از آن باید نماز را شکسته بخواند، ضمن این که روزه هم نمی‌تواند بگیرد و روزه آن روز نیز باطل است؛ اما روزه‌های قبلی او صحیح بوده و قضای نمازهای باطل را باید چهار رکعتی به جا آورد. ۱۱۲

مسئله ۱۵ - چنانچه مسافر با قصد اقامه، ده روز در محلی توقف کند، هر چند - عمدتاً یا سهواً - هیچ نماز چهار رکعتی نخوانده باشد، اقامه تحقق پیدا کرده و انصراف یا تردید از اقامه دیگر اثری ندارد. بنابراین، بعد از ده روز، باید نماز را تمام*** بخواند. ۱۱۳ (حتی اگر چند ساعت بیشتر نخواهد آن جا بماند). (ع. م ۲۲)

مسئله ۱۶ - مسافری که قصد کرده ده روز یا بیشتر در محلی بماند، بعد از تحقق اقامه - با خواندن نماز چهار رکعتی یا گذشتن ده روز - اگر بخواهد به محلی خارج از آن جا برود و دوباره باز گردد، تا وقتی خارج نشده نمازش تمام است، اما بعد از خروج چند حالت وجود دارد. (ع. م ۲۴):

حالت اول: فاصله محل اقامه تا مقصد (جایی که می‌خواهد برود) هشت فرسخ یا بیشتر است. در این حالت از وقت خروج از محل اقامه*، باید نماز را شکسته بخواند. هم چنین وقتی دوباره به محل اقامه بازگشت، نمازش شکسته است مگر اینکه، دوباره قصد اقامه کند؛ چنانچه در مقصد هم اگر قصد اقامه ده روز یا بیشتر کند، نمازش تمام است. ۱۱۴ (ر. م ۱۳۵۰)

حالت دوم: فاصله محل اقامه تا مقصد کمتر از هشت فرسخ و بیشتر از چهار فرسخ است و قصد دارد ده روز یا بیشتر در آن جا بماند. در این حالت در مسیر رفت و در مقصد، نمازش تمام است و اگر بخواهد دوباره به محل اقامه سابق برگشته و ده روز بماند،

در مسیر بازگشت و در آن جا نیز نمازش تمام است. ۱۱۵ (ر.م ۱۳۵۰)

سؤال ۳۵ - اگر بخواهد در مقصد کمتر از ده روز بماند و به محل اقامه برگشته و ده روز توقف کند، نماز او چه حکمی دارد؟

سؤال ۳۶ - اگر بخواهد در مقصد کمتر از ده روز بماند و به محل اقامه برگشته و یک هفته توقف کند، نماز او چه حکمی دارد؟

حالت سوم: فاصله محل اقامه تا مقصد کمتر از چهار فرسخ است و قصد دارد پس از توقف چند روزه (کمتر از ده روز) در آن جا، به محل اقامت بازگشته و مجدداً قصد اقامه کند؛ در این حالت در مسیر رفت و برگشت و در مقصد و محل اقامه نمازش تمام است.

۱۱۶ (ر.م ۱۳۴۹)

مثال: مسافری در مشهد مقدس قصد اقامه ده روز یا بیشتر نمود. روز سوم تصمیم گرفت به روستایی واقع در سه فرسخی رفته و پس از یک هفته توقف در آن جا، به مشهد بازگشته و دو هفته دیگر نیز بماند؛ نماز این شخص در مسیر رفت و برگشت و در روستا و مشهد تمام است.

سؤال ۳۷ - اگر روستا در چهار فرسخی مشهد باشد، در رفت و برگشت و در روستا و مشهد، نماز او چه حکمی دارد؟

حالت چهارم: فاصله محل اقامه تا مقصد، کمتر از چهار فرسخ است و تصمیم دارد بعد از دو سه روز به محل اقامه بازگردد، ولی نه برای قصد اقامه مجدد - چنان که در حالت سوم گذشت - بلکه به عنوان محل اقامه سابق (چون هنوز از اقامه در آن جا اعراض * نکرده است).

در این حالت، در تمام مراحل، باید نماز را تمام بخواند. ۱۱۷ (ر.م ۱۳۴۹)

مثال: مسافری اول ماه مبارک رمضان وارد مشهد مقدس شده و تصمیم دارد تا یازدهم ماه در آن جا بماند. از این رو نماز را تمام می‌خواند و روزه را به جا می‌آورد. روز چهارم تصمیم می‌گیرد به روستایی واقع در سه فرسخی مشهد رفته و پس از سه روز توقف در آن جا به مشهد بازگردد و بقیه مدت (تا یازدهم ماه) را در مشهد باشد. این شخص در تمام مراحل (در روستا، مشهد و بین راه)، باید نماز را تمام خوانده و روزه را بگیرد.

سؤال ۳۸ - اگر موقع رفتن به روستا، از اقامه در مشهد اعراض کرده و مصمم باشد که از روستا یکسره به وطن خود بازگردد، ولی می‌داند که مشهد سر راهش است و یک روز (برای تهیه بلیط، یا استراحت، یا زیارت و یا...) آن جا می‌ماند *، نمازش چه حکمی دارد؟

حالت پنجم: فاصله محل اقامه تا مقصد، کمتر از چهار فرسخ است، ولی شخص مردد است که به محل اقامه بازگردد یا نه، یا به کلی از برگشتن به محل اقامه غافل می‌باشد، در این حالت، در مقصد و محل اقامه پس از بازگشت و در مسیر رفت و برگشت باید نماز را تمام بخواند. ۱۱۸ (ر.م ۱۳۵۱)

حالت ششم: فاصله محل اقامه تا مقصد، کمتر از چهار فرسخ است، و شخص تصمیم دارد بعد از دو سه روز به محل اقامه بازگردد، ولی مردد است که بعد از بازگشت، ده روز در آن جا بماند یا نه، یا آن که از ده روز ماندن در آن جا و مسافرت از آن جا، غافل است، در این حالت نیز مثل حالت پنجم، در تمام مراحل، باید نماز را تمام بخواند. ۱۱۹ (ر.م ۱۳۵۱)

مسئله ۱۷ - اگر مسافر در جایی از بیابان، کوه، جنگل و... که محدوده خاصی ندارد - قصد اقامه کرد، لازم نیست خود را در آن نقطه قصد اقامه محسوس کند، بلکه تا حدودی از اطراف آن جا که عرفاً از وحدت محل خارج نشود (مثلاً یکی دو کیلومتری) جزء محل اقامه محسوب می‌شود لذا در تمام آن محدوده، نمازش تمام است. ۱۲۰ (ع.م ۹)

مسئله ۱۸ - مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند، اگر بیشتر از ده روز در آن جا بماند، تا وقتی سفر جدیدی شروع نکرده، باید نماز را تمام بخواند و لازم نیست قصد ماندن ده روز دیگر بکند. ۱۲۱ (ع.م ۲۲)

مثال: مسافری، تصمیم دارد ده روز در اهواز بماند، از این رو نماز را تمام می‌خواند. حال اگر بعد از ده روز، تصمیم گرفت دو روز دیگر نیز بماند، در این دو روز هم باید نماز را تمام بخواند.

مسأله ۱۹ - مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند، باید روزه واجب (مثل روزه ماه مبارک رمضان) را بگیرد و می‌تواند روزه مستحبی را هم به جا آورد و نماز جمعه و نافله ظهر، عصر * و عشا را هم بخواند. (ر.م ۱۳۴۸)

خلاصه

- ۱- اگر مسافر، بخوهد حداقل ده روز در یک محل توقف کند، می‌گویند در آن جا قصد اقامه کرده است.
- ۲- مسافری که در یک محل قصد اقامه کرده، باید نماز را تمام بخواند و روزه واجب را به جا آورد.
- ۳- قصد اقامه باید در یک محل باشد و در دو محل هر چند به هم چسبیده، نمی‌توان قصد اقامه کرد.
- ۴- در بلاد کبیره، فقط در یک محله از محلات شهر باید قصد اقامه کرد.
- ۵- اگر مسافر در محلی بخوهد قصد اقامه کند، در صورتی که احتمال عقلایی می‌دهد قبل از ده روز آن جا را ترک می‌نماید، اقامه تحقق پیدا نکرده و نمازش شکسته خواهد بود.
- ۶- قصد اقامه مشروط به تحقق یک چیز غیر یقینی، درست نیست و در این صورت نماز شکسته خواهد بود.
- ۷- اگر مسافر در محلی قصد اقامه کند می‌تواند به اطراف آن شهر تا محدوده کمتر از حد ترخص رفت و آمد نماید.
- ۸- اگر مسافر هنگام قصد اقامه، تصمیم داشته باشد در اثنای ده روز هر چند یک بار آن هم به مدت چند دقیقه - به چهار فرسخی (یا بیشتر) برود، اقامه تحقق پیدا نمی‌کند و باید نماز را شکسته بخواند.
- ۹- اگر مسافر، هنگام قصد اقامه، تصمیم داشته باشد در مدت اقامه، یک بار به مدت یکی دو ساعت، به حد ترخص یا فراتر از آن برود، در این صورت اقامه تحقق پیدا کرده و نمازش تمام است، ولی بیشتر از این مدت، مانع تحقق اقامه است.
- ۱۰- اقامه با دو چیز تحقق پیدا می‌کند:

الف - قصد اقامه و خواندن یک نماز چهار رکعتی .

ب - قصد اقامه و ده روز توقف متوالی در یک محل .

- ۱۱ - پس از تحقق اقامه، انصراف از اقامه یا تردید در آن، اثری ندارد و نماز تمام است. هم چنین، پس از تحقق اقامه، خارج شدن از حد ترخص - هر چند بطور مکرر و مدت طولانی - اشکالی ندارد و نماز تمام است.
- ۱۲- قبل از تحقق اقامه، انصراف از اقامه یا تردید در آن، قصد اقامه را منتفی می‌کند. بنابراین، باید نمازهای خود را شکسته بخواند.
- ۱۳- پس از انصراف از اقامه، اگر شک کند که قبل از انصراف، نماز چهار رکعتی خواند، یا نه، باید نمازهای خود را شکسته بخواند.
- ۱۴- انصراف از اقامه، قاطع اقامه است، نه کاشف از عدم تحقق اقامه .

عنوان چهارم سی روز توقف بدون قصد

مسأله ۱ - هرگاه مسافر، بعد از پیمودن مسافت شرعی (هشت فرسخ)، در محلی توقف کند، و نداند مدت توقفش چند روز است (یا در رفتن و ماندن * مردد باشد) تا وقتی این حالت را دارد، باید نماز را شکسته بخواند؛ اما بعد از گذشتن سی روز - هر چند مدت کمی در آن جا بماند - باید نماز را تمام بخواند. (ر.م ۱۳۵۳)

سؤال ۳۹ - اگر پیش از رسیدن به هشت فرسخ، این حالت پیش بیاید، چه حکمی دارد؟

مثال: مسافری، ساعت یازده صبح روز هشتم دی ماه، برای انجام کاری وارد اهواز شد در حالی که نمی‌داند چند روز آن جا خواهد ماند، اتفاقاً تا روز نهم بهمن، کارش به طول انجامید. در این صورت تا قبل از ظهر روز هشتم بهمن، نمازش شکسته است و از آن به بعد (هم چنین ظهر همان روز) باید نماز را تمام بخواند.

سؤال ۴۰ - اگر شخصی از اهواز به سمت تهران حرکت نماید و به علت کسالت یا هر مانع دیگری، در روستایی واقع در سه فرسخی اهواز توقف کند، در حالی که نمی‌داند چند روز در آن روستا خواهد ماند، در عین حال، از رفتن به تهران منصرف نشده و تصمیم دارد با بر طرف شدن مانع، به سفر خود ادامه دهد. اتفاقاً کسالتش بیست روز طول کشید این شخص، در مسیر اهواز به روستا و در روستا، نمازش چه حکمی دارد؟

سؤال ۴۱ - اگر در مفروض سؤال قبل، بعد از عارض شدن کسالت، آن شخص نسبت به ادامه سفر مردد شود و با همان حالت تردید، یک هفته در آن روستا بماند، در مسیر اهواز به روستا و در روستا، نمازش چه حکمی دارد؟

مسئله ۲ - مسافری که می‌خواهد نه روز یا کمتر در محلی بماند، اگر بعد از گذشتن این مدت، بخواهد دوباره نه روز - یا کمتر - بماند و این وضع (تصمیم‌های متوالی) ادامه پیدا کند؛ تا سی روز نمازش شکسته است و از روز سی و یکم - هر چند مقدار کمی در آن جا بماند - باید نماز را تمام بخواند (۱۲۴) (ر.م ۱۳۵۴)

مسئله ۳ - مسافری که در یک محل سی روز مردد بوده، در صورتی بعد از آن باید نماز را تمام بخواند که سی روز را در یک محل مانده * باشد. پس اگر مقداری از آن را در جایی و مقداری را در جایی دیگر مانده باشد، بعد از سی روز نیز باید نماز را شکسته بخواند. (۱۲۵) (ر.م ۱۳۵۵)

مثال: مسافری، بیست روز بدون قصد (به تفصیلی که در مسئله ۱ و ۲ گذشت) در اهواز توقف کرد و بعد به روستایی واقع در یک فرسخی اهواز رفت و پانزده روز نیز بدون قصد در آن جا ماند. با اینکه مجموعاً سی و پنج روز بدون قصد توقف کرده است - ولی چون در دو محل بوده، باید نماز را هم چنان شکسته بخواند.

مسئله ۴ - مسافر، بعد از سی روز توقف (بدون قصد) در یک محل، تا زمانی که از توقف در آن محل اعراض * نکرده، حکم مقیم در آن جا را دارد؛ یعنی، علاوه بر این که در آن محل نمازش تمام است، اگر به اطراف آنجا (کمتر از مسافت شرعی) برود، باز باید نماز را تمام بخواند. * (ع.م ۴۱)

توجه: مسافری که به دلیل سی روز توقف بدون قصد در یک محل، نماز را تمام می‌خواند، اگر از آن محل سفری را شروع کند، در اینکه آیا باید از حد ترخص، نماز را شکسته بخواند یا از آغاز سفر، مراجع معظم تقلید اختلاف نظر دارند. جهت اطلاع به فصل هشتم (مسئله ۱۲ و ۱۵) مراجعه فرمایید.

عنوان پنجم احکام کلی قواطع سفر

مسئله ۱ - مرور به وطن، - هر چند هیچ توقفی در آن جا نداشته باشد - قاطع سفر است؛ بدین معنا که اگر کسی عازم سفر باشد و بداند که قبل از رسیدن به هشت فرسخ، از وطن خود، عبور خواهد کرد، در این صورت در بین راه باید نماز را تمام بخواند. * و چنان چه مابقی مسافت (بعد از وطن)، هشت فرسخ یا بیشتر باشد، بعد از حد ترخص وطن، نمازش شکسته خواهد بود و اگر کمتر از هشت فرسخ باشد، نمازش هم چنان تمام می‌باشد ۱۲۶ * (م ۱۲۹۲)

مسئله ۲ - مرور به حد ترخص * * * وطن و مادون آن، قاطع سفر نیست، ولی قاطع حکم سفر است؛ یعنی، اگر در آن جا (حد ترخص و مادون حد ترخص) بخواهد نماز بخواند، باید تمام بخواند ولی سفرش قطع نشده، لذا قبل و بعد از آن (حد ترخص و مادونش)، نمازش شکسته است. ۱۲۷ (س ۲۳۹)

مثال: شخصی اهوازی به قصد دو هفته اقامت، عازم شهرکی واقع در ده فرسخی اهواز می‌شود، در حالی که می‌داند از کنار وطنش (حد ترخص یا مادون حد ترخص وطن) عبور خواهد نمود؛ در این صورت از اهواز تا حد ترخص وطن یا مادون آن و از آن جا تا شهرک، نمازش شکسته است ولی اگر بخواهد در حد ترخص و مادونش، نماز بخواند باید تمام بخواند. ۱۲۸ *

مسئله ۳ - بعد از تحقق یکی از قواطع سفر اگر مسافر بخواهد به سفر خود ادامه دهد، سفر جدیدی محسوب می‌شود. بنابراین، پس

از قواطع سفر اگر شروط هشتگانه موجود باشد، باید نماز را شکسته بخواند و گرنه نمازش تمام است. (ع.م ۲۴) ۱۲۹
 مثال: شخصی تهرانی با قصد یک ماه توقف، به طرف قم حرکت می‌کند؛ بین راه در روستایی واقع در ۳۵ کیلومتری قم، ده ***روز قصد اقامه می‌کند. این شخص در مسیر روستا به قم، باید نماز را تمام بخواند؛ چون با قصد اقامه * در روستا، سفرش قطع شده و از آن جا تا قم، سفر جدیدی محسوب می‌شود در حالی که کمتر از مسافت شرعی (۴۵ کیلومتر) است.

سؤال ۴۲ - اگر بخواهد پس از یک هفته توقف در قم، به تهران باز گردد، در این صورت در راه روستا به قم و در قم و مسیر بازگشت به تهران، نمازش چه حکمی دارد؟

مسأله ۴ - اگر مسافر از آغاز سفر، تصمیم داشته باشد ***قبل از رسیدن به هشت فرسخ، ده روز یا بیشتر در محلی اقامت کند، یا از وطن خود عبور نماید، نمازش از اول سفر تمام است. (ر.م ۱۳۰) ۱۲۹۳

مثال ۱: شخصی تهرانی به قصد ده روز (یا بیشتر) اقامت، عازم شهرکی واقع در هشت فرسخی تهران می‌شود. در حالی که از همان آغاز سفر، تصمیم دارد (یا مردد است) ده روز بین راه در روستای «الف» واقع در سه فرسخی، توقف کند ***، نماز این شخص از تهران تا شهرک، در همه مراحل، تمام است.

سؤال ۴۳ - هنگام بازگشت از شهرک به تهران، در بین راه، نماز او چه حکمی دارد؟

مثال ۲: شخص مذکور در مثال قبل، به قصد یک هفته اقامت، عازم شهرک می‌شود در حالی که از همان آغاز سفر، تصمیم دارد (یا مردد است) ده روز در روستای «الف» توقف کند. ۱۳۱ در این صورت از تهران تا روستا و در آن جا، نمازش تمام است و از روستا تا شهرک و در آن جا و مسیر بازگشت به تهران، نمازش شکسته است * (البته به شرطی که در مسیر بازگشت به تهران، قصد اقامه در محلی نداشته باشد و علم یا احتمال عبور از وطن نیز وجود نداشته باشد).

سؤال ۴۴ - شخصی ساکن شهرکی واقع در چهار فرسخی جنوب اهواز، به قصد سفر مشهد، به اهواز آمد تا بعد از خدا حافظی با اقوام، با قطار عازم مشهد شود، در حالی که می‌داند قطار از روستایی که وطن اوست و در دو فرسخی شمال اهواز واقع شده، عبور می‌کند. نماز این شخص، در این چند روزی که در اهواز بود، چه حکمی دارد؟

سؤال ۴۵ - اگر روستای مزبور در چهار فرسخی شمال اهواز واقع شده باشد، نماز او در اهواز چه حکمی دارد؟

مسأله ۵ - کسی که می‌خواهد پیش از رسیدن به هشت فرسخ، از وطن خود عبور کند، یا ده روز در محلی بماند ***، اگر از ماندن ده روز یا گذشتن از وطن منصرف شود، باز هم باید نماز را تمام بخواند، ولی اگر بعد از انصراف، مسافتی را که می‌خواهد بپیماید، هشت فرسخ *** (یا بیشتر) باشد، در این صورت از لحظه انصراف باید نماز را شکسته بخواند. (ر.م ۱۳۲) ۱۲۹۴

مثال: شخصی تهرانی به قصد ده روز (یا بیشتر) اقامت، عازم شهرکی واقع در هشت فرسخی تهران می‌شود، در حالی که از همان آغاز سفر، تصمیم دارد (یا مردد است) ده روز بین راه در روستای «الف» واقع در چهار فرسخی تهران، توقف کند * وقتی در دو فرسخی تهران به روستای «ب» رسید، از اقامت ده روز در روستای «الف» منصرف شده و تصمیم گرفت فقط یک هفته در آن جا توقف کند. نماز این شخص از تهران، تا شهرک در همه مراحل، تمام است. *

سؤال ۴۶ - اگر شهرک در دوازده فرسخی تهران واقع شده باشد، نماز این شخص از تهران تا شهرک چه حکمی دارد؟

مثال ۲: شخص مذکور در مثال سابق، به قصد یک هفته (کمتر از ده روز) توقف، عازم شهرک می‌شود، در حالی که از آغاز سفر، تصمیم دارد (یا مردد است) ده روز در روستای «الف» توقف کند ***. او وقتی به روستای «ب» رسید از اقامت ده روز در روستای «الف» منصرف شده و تصمیم گرفت که فقط یک هفته توقف کند. در این صورت، از تهران تا روستای «ب» و در آن جا، نمازش تمام است، ولی از روستای «ب» تا شهرک و در مسیر بازگشت به تهران نمازش شکسته است * (البته به شرطی که در بازگشت به تهران هیچ یک از قواطع سفر تحقق پیدا نکند).

پاورقی‌ها

* - قواطع: جمع قاطعه یعنی قطع کننده.

* - اصطلاحات متداول در فقه بر دو قسم هستند:

الف - اصطلاحاتی که مخترع شرع مقدس می‌باشد. این قسم را خود شارع باید معنا کند و ما حق نداریم از لغت یا عرف، معنا و مفهوم آن را اخذ کنیم. مثل الفاظ عبادات (نماز، روزه، حج و...)

ب - اصطلاحاتی که مخترع شرع مقدس نیست، بلکه یک معنای عرفی دارد که در ذهن همه مردم مرتکز می‌باشد و شارع هم همان را اراده فرموده است؛ مثل اکثر الفاظ معاملات (بیع، شراء، اجاره و...)، این قسم را شارع معنا نمی‌کند؛ بلکه باید به سراغ عرف رفته و معنا را از عرف مردم اخذ نمود.

وطن نیز از قسم دوم می‌باشد. بنابراین، تعریف‌هایی که در کتاب‌های فقهی برای وطن ذکر شده (غیر از وطن شرعی و حکمی)، تعریف شرعی نیست؛ بلکه در واقع تذکر و بیان همان مفهوم عرفی است. از این رو قیودی که در تعریف وطن اصلی آمده، قیود غالبی است (یعنی غالباً وطن اصلی، همان وطن پدر و مادر است و غالباً انسان متولد شده آن جاست) و چه بسا در مواردی با فقدان بعضی از قیود مزبور نیز وطن اصلی تحقق پیدا کند. چنان که در مسائل آتی ملاحظه خواهید فرمود.

** - مراد از محل، در تعریف اقسام وطن، شهر، یا روستا، یا شهرک مستقل و امثال این‌هاست و شامل کشور، یا شهرکهای تابعه، یا محلات یک شهر نمی‌شود. البته در بلاد کبیره - مانند تهران - آن هم به فتوای امام راحل (ره)، هر محله، حکم یک شهر را دارد؛ بنابراین، طبق فتوای ایشان، در بلاد کبیره، شرعاً به محلات آن شهر، وطن اطلاق می‌شود، نه به کل شهر.

*** - در تعریفی که برای وطن اصلی آوردیم و مصادیقی که طی مسائل آتی برای آن ذکر خواهد شد، همه مراجع معظم تقلید اتفاق نظر دارند. مصادر به قرار زیر می‌باشد:

امام (ر.م) ۱۳۲۹، س ۳۹۴ و ۴۱۶ و ۴۳۱ و ۴۳۲ و ۴۳۴ و ۴۳۵، اراکی (ر.م) ۱۳۲۲ - س ۹) خوئی (ر.م) ۱۳۳۸، گلپایگانی (ر.م) ۱۳۳۸، بهجت (ر.م) ۱۰۸۱ - استفتا، تبریزی (ر.م) ۱۳۳۸ - استفتا) خامنه‌ای (س ۷۰۲ و ۷۰۹ و ۷۱۰ و ۷۱۵ - استفتا)، زنجانی (ر.م) ۱۳۳۸ - استفتا، فاضل (ر.م) ۱۳۵۱ - س ۴۵۸ و ۴۶۳) و مکارم (ر.م) ۱۱۶۰ - استفتا).

* - البته محلی را که برای خود وطن انتخاب می‌کند، وطن اصلی نیست و وطن اتخاذه می‌باشد.

** - معنای اعراض از وطن بعداً خواهد آمد. (عنوان دوم از همین فصل)

۵۴- امام (ر.م) ۱۳۳۱، اراکی (ر.م) ۱۳۲۴، خوئی (ر.م) ۱۳۳۸، بهجت (ر.م) ۱۰۸۱، تبریزی (ر.م) ۱۳۳۸، خامنه‌ای (س ۷۰۹)، فاضل (ر.م) ۱۳۵۳، و مکارم (ر.م) ۱۱۶۰: حکم همان می‌باشد که در متن آمده است.

گلپایگانی (ر.م) ۱۳۴۰ و زنجانی (ر.م) ۱۳۴۰: قصد زندگی دائمی لازم نیست، بلکه همین قدر که جایی را محل زندگی خود قرار داده و ماندن خود را در آن جا محدود به مقدار معین نکرده و مثل کسی که آن جا وطن اوست در آن جا زندگی می‌کند (که اگر مسافرتی برای او پیش آید، دوباره به همان جا بر می‌گردد، وطن او حساب می‌شود).

۵۵- امام (ر.م) ۱۳۳۲، اراکی (ر.م) ۱۳۲۵، خوئی (ر.م) ۱۳۴۱، گلپایگانی (ر.م) ۱۳۴۱، بهجت (ر.م) ۱۰۸۲، تبریزی (ر.م) ۱۳۴۱، خامنه‌ای (س ۷۰۹)، فاضل (س ۴۶۲) و مکارم (ر.م) ۱۱۶۲: حکم همان می‌باشد که در متن آمده است.

زنجانی (ر.م) ۱۳۴۱: باید حداقل شش ماه از سال را در آن جا زندگی کند.

۵۶- امام (ر.م) ۱۳۳۰، اراکی (ر.م) ۱۳۲۳، گلپایگانی (ر.م) ۱۳۳۹، بهجت (ر.م) ۱۰۸۱، خامنه‌ای (س ۶۹۸) و فاضل (ر.م) ۱۳۵۳: حکم همان می‌باشد که در متن آمده است.

خوئی، تبریزی، زنجانی و مکارم: اگر مدت تعیین کند، آنجا وطنش نخواهد شد، ولی حکم وطن را خواهد داشت. بنابراین در مثال مذکور در متن، تهران حکم وطن را دارد، پس نمازش در آن جا تمام است. (برای توضیح بیشتر به وطن حکمی مراجعه فرمایید).

۵۷- امام، اراکی، خوئی، گلپایگانی، فاضل و مکارم (ع.ف.۶۸)، بهجت (ر.م. ۱۰۸۱)، خامنه‌ای (س ۶۹۸) و زنجانی (استفتاء): حکم همان می‌باشد که در متن آمده است.

تبریزی (استفتا) از ابتدای مهاجرت به آن جا باید نماز را تمام خواند.

* - مدتی که در وطن اتخاذی زندگی می‌کند، می‌تواند متوالی و پشت سر هم (مثلاً سه ماه تابستان) و یا به صورت متفرق (مثلاً دو روز آخر هر هفته یا چند روز از هر ماه یا...) باشد. به هر حال مدتی از سال را باید در آن جا زندگی کند.

** - البته به شرطی که تصمیم داشته باشد، دائماً در این سه شهر زندگی کند و گرنه اگر بخواهد فقط چند سال به این ترتیب زندگی کند، این شهرها برایش وطن نمی‌شود و باید به احکام مسافر عمل کند.

۵۸- همه مراجع معظم تقلید در حکم این مسأله اتفاق نظر دارند.

۵۹- امام (ر.م. ۱۳۳۲)، اراکی (ر.م. ۱۳۲۵)، خوئی (ر.م. ۱۳۴۱)، گلپایگانی (ر.م. ۱۳۴۱)، بهجت (ر.م. ۱۰۸۲)،

تبریزی (ر.م. ۱۳۴۱)، خامنه‌ای (س ۶۵۶) و مکارم (ر.م. ۱۱۶۲): حکم همان می‌باشد که در متن آمده است.

زنجانی (ر.م. ۱۳۴۱): به طور هم زمان، بیش از دو محل را نمی‌توان وطن اخذ کرد؛ چون در هر کدام حداقل باید شش ماه از سال را زندگی کند.

فاضل (ر.م. ۱۳۵۴): به طور هم زمان، بیش از دو محل را نمی‌توان وطن اخذ کرد. در محل سوم و مازاد، بنا بر احتیاط واجب باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند.

* - همانطور که در مسأله ۳ گذشت، بعد از قصد وطن، بلافاصله احکام وطن جاری نمی‌شود، بلکه باید مدتی از سکونتش در آن جا بگذرد که عرفاً اهل آنجا به حساب آید.

۶۰- امام (س ۲۷۹): در بلاد کبیره مثل تهران، تمام شهر را نمی‌توان وطن اخذ کرد؛ بلکه باید یکی از محلات آن را وطن اخذ کرد. (در بلاد کبیره هر محله حکم یک شهر را دارد.)

* - از مراجع معظم تقلید فقط آیات عظام خوئی، تبریزی، زنجانی و مکارم، قائل به این قسم وطن می‌باشند. لذا هر چه در این مورد ذکر می‌شود نظر این چهار بزرگوار است.

** - از نظر آیات عظام خوئی و تبریزی (س ۲۸۹، ۲۹۲، ۲۹۵، ۲۹۶ و ۲۹۹ و استفتا) و مکارم (استفتا)، وطن حکمی دو نوع است: مقرر سکنی (محل سکونت و زندگی) و مقرر عمل (محل شغل و کار). مقرر سکنی همان است که در متن تعریف شد و اما مقرر عمل، محلی است که شخص در آنجا زندگی نمی‌کند، بلکه فقط برای کار به آن جا می‌رود هر چند فقط برای یک سال این شغل را داشته باشد. مثال: کسی که ساکن قم است و سه روز هفته را در تهران کار می‌کند (یا یک هفته در تهران و سه روز در قم است یا یک هفته در تهران و یک هفته، در قم است و یا...) تهران برای او مقرر عمل محسوب می‌شود. بنابراین، باید نماز را در آن جا تمام بخواند و نیازی به قصد اقامه ده روز (یا بیشتر) ندارد. مخفی نماند که به نظر آیت الله خوئی و آیت الله مکارم، تحصیل علم، شغل است و لذا، محل تحصیل دانشجویان، می‌تواند مقرر عمل باشد، ولی به نظر آیت الله تبریزی، محل تحصیل دانشجویان، نمی‌تواند مقرر عمل باشد.

** - چنین جایی، وطن نیست، ولی حکم وطن را دارد؛ یعنی نماز در آن جا تمام است و نیازی به قصد اقامه ده روز نیست. از این رو نام وطن حکمی یا شبه الوطن را بر آن گذاشتیم. این نامگذاری از نگارنده است. (در بعضی از کتاب‌های فقهی از این قسم، به «مقرر سکنی» تعبیر می‌آورند).

- ۶۱- تبریزی (استفتا): حداقل ده سال؛ زنجانی (استفتا): حداقل پنج یا شش سال؛ مکارم (س ۲۲۶): دو سال هم کفایت می‌کند.
- ۶۲- خوئی (ر.م ۱۳۴۰)، تبریزی (ر.م ۱۳۴۰)، زنجانی (ر.م ۱۳۴۰) و مکارم (ر.م ۱۱۶۱).
- ۶۳- خوئی (س ۲۹۲): شامل دانشجویان هم می‌شود منتها نه به عنوان «مقر سکنی»؛ بلکه به عنوان «مقر عمل».
- مکارم (س ۲۲۶): دانشجویانی که در شهری مشغول تحصیلند و می‌دانند که مدتی - مثلاً دو سال - به طور مستمر در آن شهر به تحصیلات خود ادامه خواهند داد، آن شهر برای آنها حکم وطن را دارد.
- ۶۴- تبریزی: همان طور که گذشت، به شرطیکه بخواهد حداقل ده سال در آن جا زندگی کند.
- زنجانی: همان طور که گذشت، به شرطی که بخواهد حداقل پنج یا شش سال در آن جا زندگی کند.
- * - احکامی که در ضمن مسائل وطن اتخاذی ذکر شد، در مورد وطن حکمی نیز جاری می‌باشد.
- ۶۵- خوئی (س ۳۰۲) و زنجانی (استفتا): باید مدتی از سکونتش بگذرد که دیگر عرفاً او را در آن جا مسافر ندانند.
- تبریزی (استفتا): از ابتدای ورود باید نمازش را تمام بخواند.
- مکارم (استفتا): دو سه هفته اول، نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند (مگر اینکه قصد اقامه ده روز یا بیشتر داشته باشد، که در این صورت، در این دو سه هفته هم نمازش تمام است).
- ۶۶- امام (ر.م ۱۳۳۱)، خامنه‌ای (س ۶۹۸) و فاضل (ر.م ۱۳۵۳): حکم مسأله همان می‌باشد که در متن آمده است.
- اراکی (ر.م ۱۳۲۴): اگر مدت زیادی، بدون قصد توطن، در جایی بماند و هنوز عرفاً اهل آن جا حساب نشود، بنا بر احتیاط واجب، باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند (البته در صورتی که قصد اقامه نکند)؛ اما چنان چه عرفاً اهل آن جا حساب شود، حکم مسأله همان می‌باشد که در متن آمده است.
- گلپایگانی (س ۶۸) و بهجت (استفتا): در صورتی که قصد ماندن موقت نداشته باشد، حکم مسأله همان می‌باشد که در متن آمده است.
- خوئی، تبریزی، زنجانی و مکارم: چنین محلی، وطن نیست فقط حکم وطن را دارد (وطن حکمی است) یعنی در آن جا باید به احکام وطن عمل کرد.
- ۶۷- از مراجع معاصر، فقط مرحوم آیت الله خوئی، قائل به وطن شرعی بودند. آیت الله بهجت نیز در مورد وطن شرعی قائل به احتیاط و جوبی می‌باشند (به پاورقی بعد مراجعه فرمائید).
- ۶۸- بهجت (ر.م ۱۰۸۳): اگر کسی در محلی حداقل شش ماه متوالی (با قصد توطن یا بدون قصد توطن) در ملک خود زندگی کند، پس از مهاجرت و اعراض از آن محل، تا وقتی مالک آن ملک است، هر زمان که به آن جا سفر کند، بنا بر احتیاط واجب، باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند (البته در صورتی که قصد اقامه ده روز یا بیشتر نکند).
- ۶۹- بهجت: بنا بر احتیاط واجب، باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند (البته در صورتی که قصد اقامه نکند).
- * - همه مراجع معظم تقلید قائل به وطن تبعی می‌باشند؛ البته با اختلافاتی جزئی که در ضمن مسائل آتی روشن خواهد شد.
- ** - بالغ یا نابالغ بودن، تأثیری در این حکم ندارد. ملاک همان استقلال و عدم استقلال در معیشت و اراده است. چه بسا افراد بالغی که غیر مستقلند و تابع و چه بسا افراد نابالغی که مستقلند و غیر تابع.
- ۷۰- امام (ع.م ۳)؛ اراکی (س ۱۰ و ۹)؛ خوئی (ع.م ۳)؛ گلپایگانی (ع.م ۳)؛ بهجت (استفتا)؛ تبریزی (استفتا)؛ زنجانی (استفتا)؛ خامنه‌ای (س ۷۰۱ و ۷۲۱)؛ فاضل (س ۴۷۲) و مکارم (ع.م ۳): حکم همان می‌باشد که در متن آمده است.
- ۷۱- حکم همان می‌باشد که در متن آمده است.
- ۷۲- خوئی (ع.م ۳): اهواز برای فرزندان غیر بالغ - به تبع پدر و مادر - وطن می‌شود و بعد از بلوغ هم تا اعراض نکرده‌اند، اهواز

هم چنان وطنشان خواهد بود. اما فرزندان بالغ، باید خودشان قصد توطن کنند.

گلپایگانی (ع. م. ۳): اهواز برای فرزندان غیر بالغ - به تبع پدر و مادر - وطن می‌شود و بعد از بلوغ هم تا اعراض نکرده‌اند، اهواز هم چنان وطنشان خواهد بود؛ اما برای فرزندان بالغ در صورتی اهواز وطن می‌شود که قصد خلاف نکرده باشند (عدم توطن در اهواز را قصد نکرده باشند).

۷۳- خوئی و گلپایگانی: با همان شرطی که در پاورقی ۲، صفحه قبل گذشت.

۷۴- اراکی (س ۱۰ - ۲۹): تهران برای او وطن می‌شود (هر چند آن جا را ندیده باشد) البته به شرطی که پدر و مادر از تهران، اعراض نکرده باشند یا خودش بعد از بلوغ و استقلال اعراض نکرده باشد. پس قم وطن اصلی و تهران، وطن تبعی اوست.

۷۵- در این مسأله همه مراجع معظم تقلید، اتفاق نظر دارند.

۷۶- امام (س ۴۰۶ و ۴۲۸)؛ اراکی (س ۱۲ و ۲۱)؛ خوئی (س ۳۱۲ و ۳۲۲)؛ گلپایگانی (س ۵۸)؛ بهجت (استفتا)؛ تبریزی (س ۳۱۲ و ۳۲۲)؛ خامنه‌ای (س ۷۰۱ و ۷۱۸)؛ زنجانی (استفتا)؛ فاضل (س ۴۷۶) و مکارم (س ۲۲۳): حکم مسأله همان می‌باشد که در متن آمده است.

۷۷- خوئی، تبریزی، زنجانی و مکارم: اگر قصد داشته باشد، مدت قابل ملاحظه‌ای در اهواز زندگی کند، آن جا حکم وطن را خواهد داشت. از این رو به احکام مسافر عمل نمی‌کند، بلکه به احکام وطن عمل می‌کند. (برای توضیح بیشتر به بحث وطن حکمی مراجعه فرمایید).

* - مگر در مواردی که امید مهاجرت از آن جا را داشته باشد؛ مثلاً زنی که امیدوار است بتواند شوهر را راضی کند که به وطن او یا شهر دیگری مهاجرت کند، یا زنی که شوهرش پیر است (یا مبتلی به مرض ناعلاجی است) و احتمال فوتش زیاد است و او قصد دارد بعد از فوت شوهر به وطن خود بازگردد و یا...

۷۸- امام (ع. ف. م ۶۸)؛ اراکی (س ۱۲ و ۲۱)؛ خوئی (س ۳۲۰ و ۳۲۲)؛ گلپایگانی (س ۵۸)، تبریزی (س ۳۲۰ و ۳۲۲)، خامنه‌ای (س ۷۱۸) و فاضل (س ۴۷۲): کم مسأله همان می‌باشد که در متن آمده است.

بهجت (استفتا) و زنجانی (استفتا): زن در اتخاذ وطن، تابع شوهر نیست؛ منتها در ازدواج‌های متعارف - که زن قصد دارد همیشه با شوهرش باشد و عملاً تابع شوهر است - قصد توطن ارتکازی دارد؛ پس وطن شوهر، که در آن زندگی می‌کند و نیز هر جایی که شوهر توطن کند، برای ن هم وطن می‌شود، مگر در مواردی که امید مهاجرت از آنجا را داشته باشد.

مکارم (س ۲۲۳): اگر قصد زن در زندگی، تبعیت از شوهر باشد، در وطن نیز تابع اوست.

۷۹- امام (س ۴۳۰)، خوئی (س ۳۱۲)، گلپایگانی (س ۵۹)، بهجت (استفتا)، تبریزی (س ۳۱۲)، خامنه‌ای (س ۷۰۶ و ۷۱۸ و ۷۱۹)، زنجانی (استفتا) و فاضل (س ۴۷۴): حکم مسأله همان می‌باشد که در متن آمده است.

اراکي (س ۴۷): اگر زن شرط مکان نکرده باشد و عرفاً تابع شوهر باشد، در وطن نیز تابع او است حتی در وطن اصلی شوهر که فعلاً در آن سکونت ندارند.

مکارم: ؟

۸۰- اراکی: اهواز به تبع شوهر برای زن، وطن می‌شود. بنابراین، زن نیز باید در اهواز، نماز را تمام بخواند.

۸۱- همه مراجع معظم تقلید در این مسأله اتفاق نظر دارند.

* - از این به بعد طبق روال، متن کتاب فتاوی امام راحل (ره) می‌باشد.

* - استفتا: ترک وطن بدین گونه که بگوید: فعلاً من ترک وطن نمودم تا بعد اگر دوباره به این جا آمدم، این شهر را وطن خود قرار می‌دهم درست است یا خیر، با اینکه قلباً علاقه به وطن خود دارد؟

امام (ره): ترک موقت، اعراض نیست و حکم وطن باقی است. (س ۴۲۷).

* - وطن شرعی (که مرحوم آیت الله خوئی قائلند)، با مهاجرت و قصد اعراض، از وطن بودن خارج نمی‌شود؛ بلکه علاوه بر آن، باید ملک قابل سکونت را نیز از دست بدهد (با خراب شدن یا فروختن یا...). (خوئی ر.م ۱۳۴۲).

** - وطن حکمی، چون در واقع وطن نیست، لذا به محض مهاجرت از آن جا، دیگر حکم وطن را نخواهد داشت (و نیازی به قصد اعراض نیست). بنابراین شخص بعد از مهاجرت هر وقت به آن جا سفر کند، باید به احکام مسافر عمل نماید.

۸۲- اراکی (ر.م ۱۳۲۷)، خوئی (س ۳۱۱ و ۳۲۶)؛ بهجت (ضمائم رساله ص ۹)، تبریزی (س ۳۱۱ و ۳۲۶)، خامنه‌ای (س ۷۰۸)، زنجانی (ر.م ۱۳۴۳)، فاضل (س ۴۶۸) و مکارم (ر.م ۱۱۶۳): حکم مسأله همان است که امام راحل (ره) فرموده‌اند.

گلیپایگانی (س ۶۶): اعراض از وطن، تصمیم به عدم اقامت در آن جاست و اگر تصمیم به عدم اقامت نداشته باشد، اعراض نیست، هر چند سال‌ها به آن محل نرود، بلی در بعضی موارد، به واسطه طول مدت و غفلت از وطن اولی، بر حسب عرف، اعراض صدق می‌کند.

* - با مهاجرت و قصد عدم زندگی و سکونت در آن جا .

۸۳- اراکی (ر.م ۱۳۲۶)، گلیپایگانی (ر.م ۱۳۴۲)، تبریزی (ر.م ۱۳۴۲)، خامنه‌ای (س ۷۱۴)، زنجانی (ر.م ۱۳۴۲)، فاضل (ر.م ۱۳۵۵) و مکارم (ر.م ۱۱۶۳): حکم مسأله همان است که امام راحل (ره) فرموده‌اند .

خوئی (ر.م ۱۳۴۲): کسی که در محلی مالک منزل مسکونی است اگر شش ماه متصل با قصد (توطن) در آن جا بماند، تا وقتی که آن منزل در ملک اوست هر وقت در مسافرت به آن جا برسد، باید نماز را تمام بخواند. (همان طور که در پاورقی مسأله یک گذشت، وطن شرعی، با اعراض از وطن بودن خارج نمی‌شود).

بهجت (ر.م ۱۰۸۳): کسی که در محلی، ملکی داشته و شش ماه متصل به قصد وطن بودن در آن جا مانده و حالا اعراض کرده است؛ هر وقت به آن جا مسافرت کند، بنابر احتیاط واجب، باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند و اگر ماه رمضان بود روزه را بگیرد و بعداً قضا هم بکند (هر چند ملکی که در آن جا داشته، از دست داده باشد و دیگر در آن جا ملکی نداشته باشد).

هم چنین کسی که در محلی، ملکی دارد و شش ماه متصل، بدون قصد وطن بودن در آن جا مانده است، تا زمانی که صاحب آن ملک است، هر وقت به آن جا مسافرت کند، همین احتیاط و جوبی جاری است .

۸۴- خوئی: در اهواز نمازش تمام است.

بهجت: بنابر احتیاط واجب، باید در اهواز نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند.

۸۵- همه مراجع معظم تقلید، در حکم این مسأله اتفاق نظر دارند.

۸۶- همه مراجع معظم تقلید، در حکم این مسأله اتفاق نظر دارند.

۸۷- خوئی، تبریزی، زنجانی و مکارم: چنان چه می‌داند مدت قابل ملاحظه‌ای در تهران زندگی خواهد کرد، تهران برای او حکم وطن را دارد و باید نماز را تمام بخواند. (برای توضیح بیشتر به عنوان اول همین فصل، بحث وطن حکمی مراجعه فرمایید).

۸۸- اراکی (س ۲۱): اگر زن در عقد ازدواج، اختیار مکان زندگی را برای خود قرار داده باشد. در اعراض از وطن مستقل است و در غیر این صورت عرفاً در اعراض تابع شوهر است .

گلیپایگانی (س ۵۸): متعارف این است که به خانه شوهر (در شهر دیگر) رفتن، اعراض از وطن می‌باشد؛ مگر در بعضی موارد مثل آن که شرط کند با شوهر که او را از وطن خود خارج نکند.

خوئی (س ۳۲۴ و ۳۲۵): زن در اعراض از وطن مستقل است. بنابراین، اگر از وطن خود اعراض نکند، آن جا هم چنان وطن اوست. اما اگر اعتقادش این باشد که تابع شوهر است و هر کجا برود با او می‌رود، همین مقدار هم اعراض محسوب می‌شود.

بہجت (استفتا): زن در اعراض از وطن، مستقل است و تابع شوهر نیست.

تبریزی (س ۳۲۴ و ۳۲۵): زن در اعراض از وطن، مستقل است. بنابراین، اگر از وطن خود اعراض نکند، آن جا هم چنان وطن اوست. اما اگر اعتقادش این باشد که تابع شوهر است و هر کجا ببرد با او می‌رود، بعلاوه علم و اطمینان هم داشته باشد که ولو بعضی از ماه‌های سال - با اذن شوهر یا بدون اذن او - به وطن سابق برای سکونت و زندگی باز نمی‌گردد، همین مقدار هم اعراض محسوب می‌شود.

خامنه‌ای (س ۷۰۸ و ۷۱۸): زن در اعراض از وطن، مستقل است و رفتن به خانه شوهر اعراض نیست. بله اگر چنان چه زن در معیشت و اراده مستقل نباشد و در توطن و اعراض از وطن، تابع شوهر باشد، در این صورت هر گاه شوهر از وطنش اعراض کرد و شهر دیگری را وطن قرار داد، برای زن هم اعراض تبعی می‌شود.

زنجانی (استفتا): زن در اعراض از وطن مستقل است و تابع شوهر نیست، منتها در ازدواج‌های متعارف - که زن قصد دارد همیشه با شوهر باشد - عملاً قصد ارتکازی اعراض از وطن خود را دارد. بله در صورت امید به بازگشت به وطن خود برای زندگی، اعراض ارتکازی هم منتفی است.

فاضل (۴۷۳): زن در اعراض از وطن، مستقل است و تابعیت ندارد مگر اینکه بنا داشته باشد هر کجا شوهر زندگی می‌کند زندگی کند و خود در تصمیم‌گیری استقلال عرفی نداشته باشد. در این صورت تابعیت عرفی در اعراض است، ولی در صورتی که خود مستقل در تصمیم‌گیری است و از وطن خود چشم‌پوشیده، اعراض محقق نمی‌شود.

مکارم (س ۲۱۰): زن در اعراض از وطن، مستقل است و اعراض تابع قصد خود اوست، چنانچه امیدوار باشد برای زندگی، به وطن خود باز می‌گردد، اعراض نیست و اگر امیدی نداشته باشد، اعراض قهری حاصل است.

۸۹- همه مراجع معظم تقلید در حکم این مسأله اتفاق نظر دارند (برای توضیح بیشتر به عنوان اول همین فصل، بحث وطن تبعی، مسأله یکم مراجعه فرمایید).

* - معنای حد ترخص در فصل هشتم خواهد آمد.

** - مگر وطن حکمی که با مهاجرت، دیگر حکم وطن را نخواهد داشت (برای توضیح بیشتر به بحث وطن حکمی مراجعه فرمایید).

*** - برای توضیح بیشتر به عنوان پنجم (همین فصل) مراجعه فرمایید.

۹۰- همه مراجع معظم تقلید در حکم این مسأله اتفاق نظر دارند.

* - این را در اصطلاح فقهی، قصد اقامه می‌گویند.

** - روز اول ورود به آن محل.

۹۱- همه مراجع معظم در این مسأله اتفاق نظر دارند.

۹۲- اراکی (ر.م ۱۳۲۹)، خوئی (ر.م ۱۳۴۵)، گلپایگانی (ر.م ۱۳۴۵)، بہجت (ر.م ۱۰۸۶)، تبریزی (ر.م، ۱۳۴۵)، خامنه‌ای (س ۶۵۰، فاضل (ر.م ۱۳۵۸) و مکارم (ر.م ۱۱۶۵): حکم مسأله همان است که امام راحل (ره) فرموده‌اند.

زنجانی (ر.م ۱۳۴۵): در صورتی که بخواد ده شبانه روز کامل (۲۴ ساعت) در محلی بماند، باید نمازش را در آن جا تمام بخواند. اما اگر ده شبانه روز کامل نباشد؛ ولی ده روز باشد و نه شب بنابر احتیاط واجب، باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند و اگر کمتر از ده روز بخواد بماند، باید نماز را شکسته بخواند.

* - خلاصه اگر عرفاً دو محل محسوب شود، باید در یکی از آن دو قصد اقامه کند و اگر در هر دو قصد اقامه کند به این صورت که بخواد چند روز را در یکی و چند روز هم در دیگری بماند - که مجموعاً ده روز شود - اقامه محقق نشده و باید نماز را در هر

دو محل شکسته بخواند.

** - یعنی تصمیم داشته باشد که ده روز را در محدوده همان محله بماند و به محلات دیگر نرود.

۹۳- اراکی (ر.م ۱۳۳۰)، خوئی (ر.م ۱۳۴۶) گلپایگانی (ر.م ۱۳۴۶)، بهجت (استفتاء)، تبریزی (ر.م ۱۳۴۶)، خامنه‌ای (س ۶۸۷)، زنجانی (ر.م ۱۳۴۶) و فاضل (ر.م ۱۳۵۹): حکم مسئله همان است که امام راحل (ره) فرموده‌اند.

مکارم (ر.م ۱۱۶۶ - س ۲۲۲): مسافر می‌تواند در چند محل قصد اقامه کند به شرط اینکه فاصله آنها کم باشد (مثلاً سه چهار کیلومتر) به طوری که عرفاً بگویند او مسافر نیست.

۹۴- این فتوا اختصاص به امام راحل (ره) دارد و از نظر سایر مراجع؛ در شهرهای خارق‌العاده بزرگی مثل تهران نیز در کل شهر، قصد اقامه می‌شود نه در یک محله خاص.

۹۵- اراکی (ر.م ۱۳۳۳)، خوئی (ر.م ۱۳۴۹)، گلپایگانی (ر.م ۱۳۴۹)، بهجت، تبریزی (ر.م ۱۳۴۹)، خامنه‌ای، فاضل (ر.م ۱۳۶۲) و مکارم (ر.م ۱۱۶۸): حکم همان است که امام (ره) فرموده‌اند.

زنجانی (ر.م ۱۳۴۹): کسی که تصمیم دارد ده روز در محلی بماند به طوری که برای ایجاد شرایط ماندن و رفع موانع آن اقدام می‌کند؛ هر چند احتمال عقلایی بدهد که نتواند بماند، باید نماز را تمام بخواند. بلی اگر تصمیم دارد چنانچه مقدمات اقامت فراهم شد ده روز بماند و برای ایجاد مقدمات اقدام نمی‌کند، اگر اطمینان داشته باشد که مقدمات فراهم می‌شود و عملاً ده روز می‌ماند، نمازش تمام بوده، و گرنه باید نماز را شکسته بخواند.

۹۶- اراکی (ر.م ۱۳۳۲)، خوئی (ر.م ۱۳۴۸)، گلپایگانی (ر.م ۱۳۴۸)، بهجت (ر.م ۱۰۸۸)، تبریزی (ر.م ۱۳۴۸)، خامنه‌ای، زنجانی (ر.م ۱۳۴۸)، فاضل (ر.م ۱۳۶۱) و مکارم (ر.م ۱۱۶۹): حکم مسئله همان است که امام راحل (ره) فرموده‌اند.

* - از اول ورود به آنجا و قصد اقامه .

۹۷- اراکی (س ۵ و ۳۵): عزم بر خروج همه روزه از حد ترخص محل قصد اقامه - هر چند به اندازه کل روز باشد - اشکال ندارد و همین که شب‌ها برای بیتوته (خواب و استراحت) به محل اقامه باز گردد، برای تحقق اقامه کفایت می‌کند؛ بلکه عکس آن (شب‌ها بیرون برود و روزها به محل اقامه باز گردد) نیز همین حکم را دارد.

مثال: مسافری در شهرکی واقع در سه فرسخی اهواز قصد اقامه کرده و از اول تصمیم داشت هر شب به اهواز رفته و صبح به شهرک باز گردد (یا بالعکس)، این شخص قصد اقامه‌اش در شهرک صحیح بوده و نمازش هم در آن جا و هم در اهواز، تمام است .

خوئی (ر.م ۱۳۴۷) و تبریزی (ر.م ۱۳۴۷): اگر مجموع رفت و برگشت او حدود یکی دو ساعت باشد، هر چند بخواهد هر روز برود، اقامه محقق شده و نمازش تمام است. اما اگر مجموع رفت و برگشت بیشتر از آن باشد (مثلاً چهار یا پنج ساعت باشد) - بنا بر احتیاط واجب، در تمام مدت اقامه، باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند و اگر بخواهد تمام یا بیشتر روز را بیرون از حد ترخص باشد، اقامه محقق نشده و نمازش در تمام مدت، شکسته خواهد بود. گلپایگانی (ر.م ۱۳۴۷ - س ۱۵): اگر از اول، مصمم به بیرون رفتن از محل قصد اقامه و توابعش - هر چند در کل ده روز یک بار آن هم به اندازه یک ساعت یا کمتر - باشد، اقامه محقق نشده و نمازش در تمام مدت شکسته خواهد بود (حتی اگر محلی که قصد رفتن به آن جا را دارد کمتر از حد ترخص باشد).

بهجت (ر.م ۱۰۸۷): چنانچه قسمت عمده روز را در محل قصد اقامه باشد - مثلاً هر روز چهار یا پنج ساعت بیرون از حد ترخص برود - اقامه محقق شده و نمازش تمام است .

خامنه‌ای (س ۶۶۲ و ۶۷۸): چنانچه قصد داشته باشد در کل ده روز فقط به اندازه یک سوم روز یا شب (حدود سه یا چهار ساعت)، بیرون از حد ترخص برود، اقامه محقق شده و نمازش تمام است. اما بیشتر از این مانع تحقق اقامه شده و نمازش شکسته خواهد بود. (سه یا چهار ساعت را می‌تواند در یک دفعه یا در مجموع دفعات برود).

مثال: مسافری که در شهر قم، قصد اقامه کرده اگر از اول، تصمیم داشته باشد که در طی این ده روز، چهار بار - که هر بار مجموع رفت و برگشت، یک ساعت بشود - به مسجد جمکران (واقع در روستای جمکران در نزدیکی قم) برود، اقامه‌اش در قم صحیح و نمازش در قم و جمکران تمام است؛ چون در مجموع چهار ساعت (که به اندزاه ثلث روز است) از محل اقامه خارج شده. اما اگر هر بار، مجموع رفت و برگشت به جمکران دو ساعت طول بکشد، اقامه محقق نشده و نمازش در قم و جمکران شکسته خواهد بود. زنجانی (ر.م ۱۳۴۷): اگر خوابگاه مسافر محل قصد اقامه باشد به طوری که عرفاً او را مقیم آن جا بدانند، در این صورت اگر از اول تصمیم داشته باشد که هر روز به خارج از حد ترخص برود، مانعی ندارد و اقامه‌اش محقق شده و نمازش تمام است و لازم نیست تصمیم داشته باشد در روز یا اوایل شب به محل اقامه باز گردد (اگر همه روز را هم، بیرون از حد ترخص محل اقامه باشد، مانعی ندارد و نمازش تمام است).

فاضل (ر.م ۱۳۶۰): اگر از اول قصد داشته باشد هر روز ۵ تا ۶ ساعت به خارج از حد ترخص محل اقامه برود، مشروط بر اینکه شب را در محل قصر اقامت بماند مانعی ندارد و اقامه تحقق پیدا کرده و نمازش تمام است؛ اما بیشتر از آن، مانع تحقق اقامه شده و باید نماز را شکسته بخواند.

مکارم (ر.م ۱۱۶۷): اگر محلی که از اول قصد رفتن به آن جا را دارد، به قدری از محل قصد اقامه دور باشد که رفتن به آن جا عرفاً مسافرت محسوب شود - مثلاً سه فرسخی محل اقامه - در این صورت، یک بار در کل ده روز هم اگر بخواهد آن جا برود، مانع تحقق اقامه شده و باید نماز را در تمام ده روز شکسته بخواند؛ اما اگر نزدیک محل قصد اقامه (مثلاً هفت، هشت کیلومتری) باشد، به طوری که رفتن به آن جا، عرفاً مسافرت محسوب نشود، در این صورت، حتی اگر بخواهد هر روز هم به آن جا برود، مانع تحقق اقامه نشده و نمازش تمام است.

۹۸- اراکی و زنجانی: حتی اگر قصد داشته باشد، تمام روز را در شهرک باشد و فقط شب‌ها برای خواب و استراحت به اهواز باز گردد، اقامه محقق شده و نمازش در اهواز و شهرک تمام است.

خوئی: تبریزی و فاضل: اقامه تحقق یافته و نمازش در اهواز و شهرک تمام است.

گلپایگانی: اگر بخواهد حتی یک بار در تمام ده روز به شهرک برود، اقامه تحقق نیافته و باید نماز را در اهواز و شهرک شکسته بخواند.

بهجت: حتی اگر هر روز، سه چهار ساعت، در شهرک باشد، اشکال ندارد و اقامه تحقق یافته و نمازش در اهواز و شهرک، تمام است.

خامنه‌ای: اگر یک بار در کل ده روز به مدت سه چهار ساعت به شهرک برود یا دوباره و هر بار به مدت دو ساعت، یا چهار بار و هر بار به مدت یک ساعت (خلاصه در مجموع ده روز، بیش از سه چهار ساعت از حد ترخصی اهواز خارج نشود) به شهرک برود، اقامتش در اهواز تحقق یافته و در اهواز و شهرک باید نماز را تمام بخواند و اگر بیشتر از این باشد، اقامه تحقق نیافته و نمازش در اهواز و شهرک شکسته خواهد بود.

مکارم: حتی اگر یک بار در تمام ده روز بخواهد به شهرک برود، اقامه تحقق نیافته و باید در اهواز و شهرک نماز را شکسته بخواند (چون مسافت زیاد است و عرفاً مسافرت محسوب می‌شود).

۹۹ - اراکی (ر.م ۱۳۳۵)، خوئی (ر.م ۱۳۵۱)، گلپایگانی (ر.م ۱۳۵۱)، بهجت (ر.م ۱۰۸۹)، تبریزی (ر.م ۱۳۵۱)، خامنه‌ای، زنجانی (ر.م ۱۳۵۱)، فاضل (ر.م ۱۳۶۴) و مکارم (ر.م ۱۱۷۱): حکم مسأله همان است که امام راحل (ره) فرموده‌اند.

۱۰۰- همه مراجع معظم تقلید در حکم این مسأله اتفاق نظر دارند.

۱۰۱- اراکی (ر.م ۱۳۳۷)، خوئی (ر.م ۱۳۵۳)، بهجت (استفتا)، تبریزی (ر.م ۱۳۵۳)، خامنه‌ای (استفتا)، فاضل (ر.م ۱۳۶۶) و مکارم

(ر.م ۱۱۷۳): حکم مسأله همان است که امام راحل (ره) فرموده‌اند.

گلیپایگانی: (ر.م ۱۳۵۳): باید نمازهای خود را در آن جا، تمام بخواند.

زنجانی: (ر.م ۱۳۵۳): چنان چه پس از قصد اقامه، وقت به جا آوردن نماز چهار رکعتی گذشته باشد، تا وقتی که در آن جاست، باید نماز را تمام بخواند، ولی چنان چه قبل از گذشتن وقت نماز چهار رکعتی شک کند که آیا نماز را چهار رکعتی خوانده یا نه، باید نمازهای خود را شکسته بخواند.

مثال: مسافری ساعت ده صبح وارد شهر قم شده و قصد اقامه کرده است. ساعت سه بعد از ظهر از اقامه منصرف شد و شک کرد که آیا نماز ظهر و عصر را چهار رکعتی خوانده یا نه؟ در این صورت اقامه محقق نشده و باید نماز را شکسته بخواند (حتی نماز ظهر و عصر همان روز را)؛ اما اگر شب از اقامه منصرف شده و شک کند که آیا نماز ظهر و عصر را خوانده یا نه، تا زمانی که در شهر قم هست باید نماز را تمام بخواند.

۱۰۲- همه مراجع معظم تقلید در حکم این مسأله اتفاق نظر دارند.

۱۰۳- اراکی (ر.م ۱۳۳۹): اگر مشغول رکعت سوم شده ولی وارد رکوع سوم نشده است، باید بنشیند و نماز را دو رکعتی تمام کند و چنان چه وارد رکوع سوم شده، بنا بر احتیاط واجب باید نماز را تمام کند و دوباره آن را شکسته بخواند و در هر صورت، اقامه او محقق نشده و تا وقتی که در آن محل است باید نمازهای خود را شکسته بخواند.

خوئی (ر.م ۱۳۵۵)، تبریزی (ر.م ۱۳۵۵)، زنجانی (ر.م ۱۳۵۵) و مکارم (ر.م ۱۱۷۴): اگر مشغول رکعت سوم شده ولی وارد رکوع سوم نشده است، باید بنشیند و نماز را دو رکعتی تمام کند و چنان چه وارد رکوع سوم شده، نمازش باطل است و باید دوباره آن را شکسته به جا آورد؛ و در هر صورت اقامه او محقق نشده و تا وقتی که در آن محل است باید نمازهای خود را شکسته بخواند.

گلیپایگانی (ر.م ۱۳۵۵): اگر مشغول رکعت سوم شده ولی وارد رکوع سوم نشده است، باید بنشیند و نماز را دو رکعتی تمام کند و برای قیام بیجا دو سجده سهو انجام دهد و چنان چه وارد رکوع سوم شده، نمازش باطل است و باید دوباره آن را شکسته به جا آورد و در هر صورت، اقامه او محقق نشده و تا وقتی که در آن محل است، باید نمازهای خود را شکسته بخواند.

بهجت (ر.م ۱۰۹۲): اگر مشغول رکعت سوم شده ولی وارد رکوع سوم نشده است، باید نماز را دو رکعتی تمام کند و تا زمانی که در آن محل است باید نمازهای خود را شکسته بخواند و چنان چه وارد رکوع سوم شده تا قبل از سلام (اگر در فاصله بین رکوع سوم تا سلام آخر نماز از اقامه منصرف شود)، بنا بر احتیاط واجب باید آن نماز را چهار رکعتی تمام کرده و شکسته نیز بخواند و تا وقتی که در آن محل است، بنا بر احتیاط واجب باید نمازهای خود را هم شکسته و هم تمام بخواند.

فاضل (ر.م ۱۳۶۸): اگر مشغول رکعت سوم شده ولی وارد رکوع سوم نشده است، نمازش باطل است و باید دوباره آن را شکسته به جا آورد و تا وقتی که در آن مکان است باید نمازهای خود را شکسته بخواند، و چنان چه وارد رکوع سوم شده، بنا بر احتیاط واجب باید آن را چهار رکعتی تمام کرده و شکسته نیز بخواند و تا وقتی که در آن محل است، بنا بر احتیاط واجب باید نمازهای خود را هم شکسته و هم تمام بخواند.

خامنه‌ای (استفتا): حکم مسأله همان است که امام راحل (ره) فرموده‌اند.

۱۰۴- همه مراجع معظم تقلید در حکم این مسأله اتفاق نظر دارند.

* - با این فرض که موقع شب، حیض یا بیهوشی یا جنون بر طرف شده باشد.

** - زن حائض و شخص بیهوش و مجنون (دیوانه)، اصلاً مکلف به نماز نیستند. از این رو حائض، نمازهای فوت شده در ایام حیض را قضا نمی‌کند. هم چنین اگر کسی در تمام وقت نماز (مثلاً از اول ظهر تا غروب) بیهوش یا دیوانه باشد، قضای نماز فوت شده در آن زمان بر او واجب نیست. بنابراین، این سه مورد، مثال است برای گذشتن وقت نماز چهار رکعتی، و ترک عمدی یا

سهوی نماز، مثال است برای نماز ذمی.

۱۰۵- از مراجع معظم تقلید، فقط آیت الله مکارم قائلند که نماز فوت شده را باید شکسته، قضا نماید. (برای توضیح بیشتر به مسئله ۱۴ همین فصل مراجعه فرمایید).

۱۰۶- همه مراجع معظم تقلید در حکم این مسأله اتفاق نظر دارند.

۱۰۷- اراکی (ع.م. ۱۸)، بهجت (ع.م. ۱۰۸۹)، خامنه‌ای (استفتا) و فاضل (ع.م. ۱۸): حکم همان است که امام راحل (ره) فرموده‌اند. خوئی (ع.م. ۱۸)، گلپایگانی (ع.م. ۱۸)، تبریزی (استفتا)، زنجانی (استفتا) و مکارم (ع.م. ۱۸): در این صورت نیز اقامه تحقق نمی‌یابد (فقط با نماز چهار رکعتی ادایی، اقامه تحقق می‌یابد).

۱۰۸- خوئی، گلپایگانی، تبریزی، زنجانی و مکارم: اقامه محقق نشده و تا وقتی در مشهد بماند، باید نماز را شکسته بخواند.

۱۰۹- همه مراجع معظم تقلید در حکم این مسأله اتفاق نظر دارند.

* - یعنی انصراف از اقامه، قاطع اقامه است (از لحظه انصراف به بعد حکم مقیم بودن قطع شده و مسافر می‌شود)، نه کاشف از عدم تحقق اقامه از اول (نظر آیت الله مکارم، عکس این است؛ یعنی، ایشان، انصراف را کاشف می‌دانند نه قاطع).

** - اگر قبل از اذان ظهر، اقامه منصرف شود، روزه آن روز باطل می‌شود.

۱۱۰- از مراجع معظم تقلید، فقط آیت الله مکارم قائلند که باید آن را شکسته قضا نماید. (برای توضیح بیشتر به مسأله ۱۴ همین فصل مراجعه فرمایید).

۱۱۱- اراکی (ع.م. ۱۹ و ۲۱)، خوئی (ع.م. ۱۹ و ۲۱)، بهجت (ر.م. ۱۰۹۰)، تبریزی (ر.م. ۱۳۵۲)، خامنه‌ای (استفتا)، زنجانی (ر.م. ۱۳۵۲ و استفتا) و فاضل (ع.م. ۱۹ و ۲۱): حکم همان است که امام راحل (ره) فرموده‌اند.

گلپایگانی (ع.م. ۱۹ و ۲۱ - ر.م. ۱۳۵۲): حکم همان است که امام راحل فرموده‌اند. منتها اگر در روز انصراف روزه بوده و بعد از اذان ظهر از اقامه منصرف شده، بنا بر احتیاط واجب، روزه آن روز را تمام کند و قضایش را نیز به جا آورد.

مکارم (ع.م. ۱۹ و ۲۰ - ر.م. ۱۳۷۲): حکم به قبل از انصراف نیز سرایت می‌کند. بنابراین اگر قبل از انصراف، در محل قصد اقامه، نماز ظهر، یا عصر و یا عشا از او فوت شده، باید قضای آن را شکسته به جا آورد و اگر قبل از انصراف، روزه گرفته، همه آنها باطل بوده و باید قضا کند و نیز اگر در روز انصراف، روزه بوده، آن هم باطل است چه قبل از ظهر از اقامه منصرف شده باشد و چه بعد از ظهر

* - چنان چه عمداً در این چند روز، نماز نخوانده باشد، باز هم حکم همان است.

** - نتیجه اینکه، اقامه، با دو چیز تحقق پیدا می‌کند، بدین معنا که پس از تحقق هر کدام از این دو، مسافر، مقیم محسوب می‌شود و انصراف از اقامه یا تردید در آن، هیچ اثری ندارد و تا زمانی که سفر جدیدی (به مقدار هشت فرسخ یا بیشتر) شروع نکرده، باید نماز را تمام بخواند. آن دو چیز عبارتند از:

الف - قصد اقامه و خواندن حداقل یک نماز چهار رکعتی صحیح و ادایی (چنان که در مسأله ۸ گذشت).

ب - قصد اقامه و توقف ده روز متوالی در آن محل، هر چند اصلاً در این مدت نماز نخوانده باشد.

۱۱۲- مکارم: روزه‌های قبلی نیز باطل است و قضای نمازهای باطل را باید شکسته به جا آورد.

۱۱۳- همه مراجع معظم تقلید در حکم این مسأله اتفاق نظر دارند.

* - بحث لزوم یا عدم لزوم رعایت حد ترخص محل قصد اقامه، در فصل هشتم خواهد آمد.

۱۱۴- همه مراجع معظم تقلید در حکم این مسأله اتفاق نظر دارند.

۱۱۵- همه مراجع معظم تقلید در حکم این مسأله اتفاق نظر دارند.

* - اعراض از اقامه؛ یعنی از اقامت در آن جا منصرف شده و به قصد سفر شرعی (هشت فرسخ)، از آن جا خارج شود .

۱۱۶- همه مراجع معظم تقلید در حکم این مسأله اتفاق نظر دارند.

۱۱۷- اراکی (س ۲۷): در هر صورت شب‌ها نمی‌تواند در غیر محل اقامه، بیتوته (خواب و استراحت) کند. بنابراین، اگر تا شب به محل اقامه باز گردد، باید نماز را در تمام مراحل تمام بخواند و نیازی به قصد اقامه مجدد نیست، اما اگر شب را در مقصد بیتوته کند، باید مجدداً قصد اقامه نماید.

خوئی (ر.م ۱۳۵۸)، گلپایگانی (ر.م ۱۳۵۸، س ۱۴)، تبریزی (استفتا)، خامنه‌ای (استفتا)، زنجانی (ر.م ۱۳۵۸)، فاضل (ر.م ۱۳۷۱) و مکارم (ر.م ۱۱۷۷): حکم مسأله همان است که امام راحل (ره) فرموده‌اند.

بهجت (ر.م ۱۰۹۵): اگر طوری خارج شود که به اقامه او صدمه بزند، مثل اینکه یک روز آن جا بماند، تا وقتی قصد اقامه جدید نکرده، نماز شکسته است .

* - یعنی رفتن به مشهد به عنوان محل اقامه نیست، بلکه مشهد هم مثل سایر شهرهای سر راه است که از آنها عبور می‌کند.

۱۱۸- اراکی (ر.م ۱۳۴۴)، خوئی (ر.م ۱۳۶۰)، گلپایگانی (ر.م ۱۳۶۰)، بهجت (ر.م ۱۰۹۷)، تبریزی (ر.م ۱۳۶۰)، زنجانی (ر.م ۱۳۶۰) و فاضل (ر.م ۱۳۷۳): حکم مسأله همان است که امام راحل (ره) فرموده‌اند.

خامنه‌ای؟

مکارم (ع.م ۲۴): اگر مردد باشد که به محل اقامه باز گردد یا ده روز در مقصد بماند، نمازش در همه مراحل تمام است .

۱۱۹- اراکی (ر.م ۱۳۴۴)، خوئی (ر.م ۱۳۶۰)، گلپایگانی (ر.م ۱۳۶۰)، بهجت (ر.م ۱۰۹۷)، تبریزی (ر.م ۱۳۶۰)، فاضل (ر.م ۱۳۷۳) و مکارم (ع.م ۲۴): حکم مسأله همان است که امام راحل (ره) فرموده‌اند.

خامنه‌ای و زنجانی؟

۱۲۰- همه مراجع معظم تقلید در حکم این مسئله اتفاق نظر دارند، فقط آیت الله مکارم هستند که وحدت محل را معتبر نمی‌دانند و طبق فتوای ایشان مسافری که در یک محل قصد اقامه کرده، می‌تواند تا حدودی از اطراف (مثلاً ده کیلومتری) - که رفتن به آنجا، عرفاً مسافرت محسوب نمی‌شود و منافات با اقامه ندارد - رفت و و آمد کند و نمازش در تمام آن محدوده، تمام است.

۱۲۱- همه مراجع معظم تقلید در حکم این مسأله اتفاق نظر دارند .

* - مسافر، نافله نمازهای چهار رکعتی را - که شکسته می‌خواند - نمی‌تواند بخواند.

۱۲۲- همه مراجع معظم تقلید در حکم این مسأله اتفاق نظر دارند .

* - ماندن حداقل ده روز.

۱۲۳- همه مراجع معظم تقلید در حکم این مسأله اتفاق نظر دارند .

* - برای توضیح بیشتر به مسئله ۳ بحث قصد اقامه مراجعه فرمایید.

۱۲۴- همه مراجع معظم تقلید در حکم این مسأله اتفاق نظر دارند .

۱۲۵- همه مراجع معظم تقلید در حکم این مسأله اتفاق نظر دارند .

* - یعنی به قصد مسافت شرعی از آن جا خارج نشده، بلکه بعد از رفتن به اطراف (کمتر از مسافت شرعی)، برای خواب و استراحت، دوباره به آن محل باز می‌گردد.

* * - همان فروع و تفصیلاتی که در بحث قصد اقامه گذشت در این بحث نیز جاری می‌باشد (برای توضیح بیشتر به مسأله ۱۶، عنوان سوم همین فصل مراجعه فرمایید).

۱۲۶- همه مراجع معظم تقلید در حکم این مسأله اتفاق نظر دارند .

* - همان طور که در وطن نیز نمازش تمام است .

** - برای توضیح بیشتر به مسأله ۳ مراجعه فرمایید.

*** - معنای حد ترخص در فصل هشتم خواهد آمد.

۱۲۷- اراکی (ر.م ۱۲۸۴)، خوئی (ر.م ۱۳۰۱)، گلپایگانی (ر.م ۱۳۰۱)، بهجت (ر.م ۱۰۵۰)، تبریزی (ر.م ۱۳۰۱)، خامنه‌ای (س ۶۵۰)، زنجانی (ر.م ۱۳۰۱ و فاضل (ر.م ۱۳۱۴): حکم مسأله همان است که امام راحل (ره) فرموده‌اند .

مکارم (ع. ف ۶۸ و استفتا): مرور به وطن در صورتی، قاطع سفر است که عرفاً، عنوان مسافر صدق نکند، اما عبور از وطن با قطار، اتوبوس و... - که عرفاً مسافر گفته می‌شود - بعید است قاطع سفر باشد، لذا در این موارد بنا بر احتیاط واجب باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند.

* - در شهرک نیز، به دلیل قصد اقامه، نمازش تمام است.

** - یا سی روز به حال تردید در آن جا توقف می‌نماید، یا بدون توقف از روستا عبور می‌کند، منتها آن جا وطنش است .

۱۲۸- اراکی، خوئی و زنجانی؟

گلپایگانی (استفتا) و فاضل (استفتا): مرور به حد ترخص وطن نیز مانند مرور به خود وطن، قاطع سفر است.

بهجت (استفتا)، تبریزی (استفتا)، خامنه‌ای (س ۶۷۱) و مکارم (استفتا): حکم مسأله همان است که امام (ره) فرموده‌اند .

۱۲۹- اراکی، خوئی و زنجانی؟

گلپایگانی و فاضل: در همه مواضع، باید نماز را تمام بخواند .

بهجت، تبریزی، خامنه‌ای و مکارم: حکم مسأله همان است که امام (ره) فرموده‌اند .

۱۳۰- همه مراجع معظم تقلید در حکم این مسأله اتفاق نظر دارند .

* - یا سی روز توقف بدون قصد یا عبور بدون توقف، در صورتی که وطنش باشد .

** - بلکه حتی مردد هم باشد که قبل از هشت فرسخ در محلی ده روز بماند یا نه، یا از وطن عبور بکند یا نه، از اول سفر، نمازش تمام است .

*** - یا قصد توقف ندارد، لکن روستای «الف» وطن اوست و می‌داند (یا احتمال عقلایی می‌دهد) که اتوبوس شهرک از آن جا عبور می‌کند.

۱۳۱- همه مراجع معظم تقلید در حکم این مسأله اتفاق نظر دارند .

* - یا قصد توقف ندارد، لکن روستای «الف» وطن او است و می‌داند (یا احتمال عقلانی می‌دهد) که اتوبوس شهرک از آنجا عبور می‌کند. (به فتوای آیت الله مکارم که در پاورقی مسأله ۱ بیان شده، توجه فرمایید).

** - به جهت اینکه از روستا تا شهرک، پنج فرسخ است و چون در شهرک قصد اقامه ندارد، پس مسافت بازگشت به تهران - که هشت فرسخ است - به آن پنج فرسخ، ضمیمه شده مجموعاً سیزده فرسخ می‌شود که بیش از مسافت شرعی - هشت فرسخ - است. (برای توضیح بیشتر به فصل اول، بحث مسافت تلفیقی مراجعه فرمایید).

*** - و نیز کسی که مردد است که از وطنش بگذرد یا نه، یا ده روز در محلی بماند یا نه .

**** - چه هشت فرسخ (یا بیشتر) امتدادی باشد و چه تلفیقی (برای توضیح بیشتر به فصل اول، مسئله ۱۳ مراجعه فرمایید).

* - یا قصد توقف ندارد لکن، روستای «الف» وطن او است و در مسیرش به شهرک می‌خواهد از آنجا عبور کند، ولی در روستای «ب» منصرف شد و تصمیم گرفت از آنجا عبور نکند. (به فتوای آیت الله مکارم، در مورد مرور به وطن، که در پاورقی مسأله ۱ بیان شد، توجه فرمایید) .

* - در بازگشت به تهران اگر هیچکدام از قواطع سفر، تحقق پیدا نکند، نمازش شکسته است .

** - یا قصد توقف ندارد لکن، روستای «الف» وطن اوست و در مسیرش به شهرک می‌خواهد از آن جا عبور کند، ولی در روستای «ب» منصرف شد و تصمیم گرفت از آن جا عبور نکند.

۱۳۲- همه مراجع معظم تقلید در حکم این مسأله اتفاق نظر دارند .

* - به دلیل اینکه از روستای «ب» تا شهرک، شش فرسخ راه می‌باشد و چون در شهرک قصد اقامه نمی‌کند پس مسافت بازگشت به تهران - که هشت فرسخ است - به آن شش فرسخ ضمیمه شده، مجموعاً چهارده فرسخ می‌شود که بیشتر از مسافت شرعی (هشت فرسخ) است (برای توضیح بیشتر به فصل اول، مسأله ۱۳ مراجعه فرمایید).

شرط پنجم سفر، حرام نباشد

پرسش‌های مقدماتی

- سفر فرزند با وجود نهدی پدر و مادر و نیز سفر زن بدون اجازه شوهر چه حکمی دارد؟

- سفر حرام چند قسم است ؟

- سفر برای فرار از دست طلبکار حکمش چیست ؟

- در سفر با وسیله غصبی وظیفه چیست ؟

- مسافرت برای شکار چه حکمی دارد؟

- کسی که سفرش حرام است اگر بین راه توبه کند، وظیفه‌اش نسبت به نماز و روزه چیست؟

- مسافرت برای ترک روزه، چه حکمی دارد؟

مسأله ۱ - سفر حرام دو قسم است:

الف - سفری که خودش (فی نفسه) حرام است، مانند سفر شخص مریضی که مسافرت برایش ضرر دارد، یا سفر فرزند با وجود نهدی * پدر و مادر، یا سفری که موجب اذیت پدر و مادر باشد و یا سفر زن بدون اجازه شوهر .

ب - سفری که خودش (فی نفسه) حرام نیست، بلکه مقدمه کار حرام است، مثل کسی که به شهری سفر می‌کند تا در آن جا دزدی کند، یا کسی را بکشد، یا شراب بخورد و یا... .

در هر دو قسم سفر حرام، نماز تمام است. ۱۳۳ (ر.م ۱۲۹۵)

مسأله ۲ - کسی که سفرش حرام نیست و به قصد انجام کار حرام هم سفر نمی‌کند، ولی در ضمن سفر مرتکب معصیتی و کار حرامی می‌شود، نمازش شکسته است ؛ مثلاً- به قصد گردش مسافرت کرده، ولی در ضمن سفر غیبت یادزدی کرده و یا شراب خورده، نمازش شکسته است. ۱۳۴ (ر.م ۱۲۹۶)

مسأله ۳ - اگر بخصوص، برای آن که کار واجبی را ترک کند، مسافرت نماید (مثل مسافرت شخص بدهکار برای فرار از دادن بدهی) سفرش حرام و نمازش تمام است. ۱۳۵ (ر.م ۱۲۹۷)

مسأله ۴ - مسافرت برای ترک روزه * و نیز مسافرت برای تفریح و گردش در ماه مبارک رمضان، حرام نیست و نماز چنین مسافری شکسته است. ۱۳۶ (ر.م ۱۷۱۵ و ۱۳۰۰)

مسأله ۵ - کسی که برای خوشگذرانی به شکار می‌رود، باید نماز را تمام بخواند ۱۳۷، ولی اگر برای تهیه معاش به شکار می‌رود، نمازش شکسته * است و چنانچه برای کسب و زیاد کردن مال باشد، بنابر احتیاط واجب، باید نماز را هم شکسته و هم تمام

بخواند، ولی نمی‌تواند روزه بگیرد. ۱۳۸ (ر.م. ۱۳۰۱)

مسئله ۶ - کسی که سفرش، سفر حرام است، چنان چه بین راه توبه کند * - در صورتی که باقیمانده سفر، هشت فرسخ یا بیشتر باشد - باید بعد از توبه، نماز را شکسته بخواند، و اگر کمتر از هشت فرسخ باشد، نمازش هم چنان تمام است. ۱۳۹
مثال: شخصی به قصد معصیت از شهرکی واقع در صد کیلومتری تهران، به طرف تهران حرکت می‌کند، در پنجاه کیلومتری توبه کرده و به قصد صله ارحام ادامه مسیر می‌دهد، این شخص، از شهرک تا پنجاه کیلومتری، نمازش تمام است و از آن به بعد - که توبه کرده - باید نماز را شکسته بخواند.

سؤال ۴۷ - اگر در ۳۵ کیلومتری تهران، توبه کند و به قصد صله ارحام و دو هفته توقف به تهران برود، در این صورت، نماز او در مسیر شهرک به تهران و در تهران و راه بازگشت به شهرک، چه حکمی دارد؟

مسئله ۷ - کسی که سفرش مباح است، اگر در بین راه، مسافرتش، سفر حرام شود، از آن به بعد باید نماز را تمام بخواند، ولی نمازهایی که - قبل از آن - شکسته خوانده، صحیح است. ۱۴۰ (ر.م. ۱۳۰۴)

مثال: شخصی به قصد گردش یا صله ارحام، از شهرکی واقع در صد کیلومتری تهران، به طرف تهران حرکت می‌کند، در پنجاه کیلومتری * مطلع می‌شود که پدرش او را از سفر نهی کرده و ادامه سفر موجب اذیت اوست. در این صورت، تا پنجاه کیلومتری شهرک، نمازش شکسته است * ولی از آن به بعد باید نماز را تمام بخواند.

مسئله ۸ - اگر سفر، سفر حرام نباشد، ولی وسیله‌ای که با آن مسافرت می‌کند غصبی باشد، نمازش شکسته است. ۱۴۱ (ر.م. ۱۲۹۸)

خلاصه

- ۱- کسی که برای انجام کار حرام (مثل دزدی و قتل) سفر می‌کند، نمازش تمام است .
- ۲- مسافری که سفرش حرام است (مثل سفر فرزند با نهی پدر و مادر)، باید نماز را تمام بخواند.
- ۳- سفر برای ترک واجب (مثل فرار از باز پرداخت بدهی)، سفر حرام است.
- ۴- مسافرت برای ترک روزه واجب، حرام نیست. بنابراین، چنین مسافری نمازش شکسته است .
- ۵- در مسافرت با وسیله غصبی، نماز شکسته است .
- ۶- مسافری که سفرش مباح است اگر بین راه، تبدیل به سفر حرام شود، از آن به بعد باید نماز را تمام بخواند.
- ۷- کسی که سفرش حرام است اگر بین راه توبه کند، باید نماز را شکسته بخواند (البته به شرطی که باقیمانده راه، هشت فرسخ یا بیشتر باشد).
- ۸- مسافرت برای شکار، اگر به قصد خوشگذرانی باشد، نماز تمام است، اما اگر برای تهیه معاش باشد، نماز، شکسته است و اگر برای ثروت‌اندوزی باشد، باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند.
- * - اگر سفر فرزند یا زن، سفر واجب باشد (مثل سفر حج) نهی پدر و مادر یا شوهر، اثری ندارد. بنابراین، در این سفرها باید نماز را شکسته بخواند.
- ۱۳۳- اراکی (ر.م. ۱۲۸۷)، گلپایگانی (ر.م. ۱۳۰۳)، بهجت (ر.م. ۱۰۵۲)، خامنه‌ای (س ۶۵۰) و فاضل (ر.م. ۱۳۱۷): چنانچه عدم توجه به نهی پدر و مادر موجب ازیت آنها باشد یا عرفاً توهین به آنها تلقی شود، سفر حرام و نماز، تمام است .
- خویی (ر.م. ۱۳۰۳) و زنجانی (ر.م. ۱۳۰۳): سفری که برای بدن ضرری داشته باشد که اقدام بدان شرعاً حرام است و نیز سفر فرزند با وجود نهی پدر و مادر که موجب اذیت و نافرمانی آنهاست، هم چنین سفر زن بدون اجازه شوهر که بدان نشوز (نافرمانی شوهر) گفته شود، اینها سفرهای حرام می‌باشند. بنابراین، نماز در این سفرها تمام است .

تبریزی (ر.م ۱۳۰۳): سفر فرزند با وجود نهی پدر و مادر، در صورتی که موجب نافرمانی و اذیت آنان شود، سفر حرام است و نماز در آن تمام می‌باشد.

مکارم (ر.م ۱۳۴): سفری که برای بدن ضرر قابل ملاحظه‌ای داشته باشد و نیز سفر فرزند با وجود نهی پدر و مادر، به طوری که مایه اذیت آنان شود، سفر حرام است و نماز در آن تمام می‌باشد. هم چنین سفر زن بدون اجازه شوهر، بنا بر احتیاط واجب، سفر حرام است و نماز در آن تمام می‌باشد.

* - مسافرت برای ترک روزه مام مبارک رمضان مکروه است.

** - البته در صورتی که کثیرالسفر نباشد و گرنه، به فتوای همه مراجع معظم تقلید - بجز امام راحل و آیت الله فاضل - نمازش تمام است. (برای توضیح بیشتر به فصل هفتم مراجعه فرمایید).

۱۳۴- همه مراجع معظم تقلید در حکم این مسأله اتفاق نظر دارند.

۱۳۵- همه مراجع معظم تقلید در حکم این مسأله اتفاق نظر دارند.

۱۳۶- همه مراجع معظم تقلید در حکم این مسأله اتفاق نظر دارند.

۱۳۷- خوئی (ر.م ۱۳۱۰): موقع رفتن، نمازش تمام است، اما در بازگشت - چنان چه مسیر بازگشت به تنهایی (بدون احتساب مسیر رفتن) هشت فرسخ یا بیشتر باشد - نمازش شکسته است.

۱۳۸- اراکی (ر.م ۱۲۹۳)، خوئی (ر.م ۱۳۱۰)، بهجت (ر.م ۱۰۵۸)، تبریزی (ر.م ۱۳۱۰) و مکارم (ر.م ۱۱۴۰): مثل شکار برای تهیه معاش، نماز شکسته است؛ (البته در صورتی که کثیرالسفر نباشد).

گلپایگانی (ر.م ۱۳۱۰)، خامنه‌ای (استفتا) و فاضل (ر.م ۱۳۲۳): حکم مسأله همان است که امام راحل (ره) فرموده‌اند.

زنجانی (ر.م ۱۳۱۰): بنا بر احتیاط واجب، باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند، ولی باید روزه را بگیرد.

* - یا کسالتش بر طرف شود به طوری که دیگر مسافرت برای او ضرر نداشته باشد، یا شوهر به زن و پدر به فرزند، اجازه مسافرت دهد.

۱۳۹- اراکی (ر.م ۱۲۹۵)، خوئی (ر.م ۱۳۱۲)، بهجت (ر.م ۱۰۵۹)، تبریزی (ر.م ۱۳۱۲)، خامنه‌ای (استفتا)، زنجانی (ر.م ۱۳۱۲)، فاضل (ر.م ۱۳۲۵) و مکارم (ر.م ۱۱۴۲): حکم مسأله همان است که امام راحل (ره) فرموده‌اند.

گلپایگانی (ر.م ۱۳۱۲): مگر این که مجموع مسافتی که قبل از توبه پیموده با مسافتی که بعد از توبه می‌خواهد پیماید به اندازه هشت فرسخ یا بیشتر باشد که در این صورت، بنا بر احتیاط واجب، باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند.

* - با تصمیم گرفت برای اذیت کردن یک مسلمان، یا دزدی، یا... به تهران برود.

** - البته بعد از حد ترخص شهرک.

۱۴۰- اراکی (ر.م ۱۲۹۶)، گلپایگانی (ر.م ۱۳۱۳)، بهجت (استفتا)، خامنه‌ای (س ۶۹۴)، فاضل (ر.م ۱۳۲۶) و مکارم (ر.م ۱۱۴۲): حکم مسأله همان است که امام راحل (ره) فرموده‌اند.

خوئی (ر.م ۱۳۱۳)، تبریزی (ر.م ۱۳۱۳) و زنجانی (ر.م ۱۳۱۳): چنان چه مسافتی که قبل از حرام شدن سفر پیموده، هشت فرسخ یا بیشتر بوده، نمازهایی که شکسته خوانده صحیح است؛ اما اگر کمتر از آن بوده، بنا بر احتیاط واجب باید آنها را دوباره به صورت چهار رکعتی بخواند.

۱۴۱- اراکی (ر.م ۱۲۹۰)، خوئی (ر.م ۱۳۰۷)، تبریزی (ر.م ۱۳۰۷)، خامنه‌ای (استفتا) و فاضل (ر.م ۱۳۲۰): حکم مسأله همان است که امام راحل (ره) فرموده‌اند.

گلپایگانی (ر.م ۱۳۰۷)، زنجانی (ر.م - ۱۳۰۷) و مکارم (ر.م ۱۱۳۷): بنا بر احتیاط واجب باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند.

بہجت (ر.م ۱۰۵۵): باید نماز را تمام بخواند.

۱۴۲- همه مراجع معظم تقلید در حکم این مسأله اتفاق نظر دارند .

۱۴۳- همه مراجع معظم تقلید در حکم این مسأله اتفاق نظر دارند .

شرط ششم خانه به دوش نباشد

مسأله ۱ - افراد ایلات، عشایر کوچنده و صحرائشینان - که وطن و محل سکونت خاصی ندارند و هر جا آب و خوراک برای خود و حیواناتشان فراهم باشد، توقف می کنند - باید در سفرهای کوچ، نماز را تمام بخوانند. (ر.م ۱۳۰۴)

مسأله ۲ - هرگاه صحرائشینان خانه به دوش، مانند مردم دیگر برای زیارت یا تجارت یا مسافرت دیگری - غیر از آن مسافرت که جزء زندگی آنان است - بروند، باید نماز را شکسته بخوانند. (ر.م ۱۳۰۶)

مسافرت، شغل نباشد

پرسش‌های مقدماتی

- کثیر السفر، چند قسم است ؟
- چه مدت باید قصد سفر شغلی داشت تا به احکام کثیر السفر، عمل نمود؟
- چنان چه کثیر السفر، ده روز در یک محل توقف نماید، چه حکمی پیدا خواهد کرد؟
- در سفرهایی که از توابع شغل کثیرالسفر است، نماز چه حکمی دارد؟
- کثیرالسفر از چه زمانی باید نماز را تمام بخواند؟
- نظر مراجع معظم تقلید در مورد دانشجوی کثیرالسفر چیست
- چنانچه خانواده شخص کثیرالسفر، در همه سفرهای شغلی همراه او باشند، چه حکمی خواهند داشت ؟

مقدمه ۱۴۴

مسافر از نظر حکم شرعی، بر سه قسم است :

- ۱- کسی که سفرش برای کسب و کار نیست، بلکه برای تفریح یا گردش یا زیارت و امثال اینهاست. به فتوای همه مراجع معظم تقلید، چنین مسافری، نمازش شکسته * است و نمی تواند روزه بگیرد.
- ۲- کسی که سفرش برای کسب و کار باشد و خود سفر، شغل او محسوب شود (این شغل بدون سفر وجود خارجی ندارد) مانند: راننده بیابانی، خلبان، ملوان، خدمه هواپیما، خدمه قطار و... در اصطلاح فقهی چنین شخصی را «مَنْ شَغَلَهُ السَّفَرُ» (کسی که شغلش مسافرت کردن است) می گویند.

به فتوای همه مراجع معظم تقلید، چنین مسافری، نمازش تمام است * * و می تواند روزه بگیرد.

- ۳- کسی که سفرش برای کسب و کار است ولی خود سفر، شغل او محسوب نمی شود، بلکه مقدمه شغل او است *؛ مانند کارمند یا استادی که فاصله محل زندگی و محل کارش، به اندازه هشت فرسخ یا بیشتر است. در اصطلاح فقهی، چنین شخصی را «مَنْ شَغَلَهُ فِي السَّفَرِ» (کسی که شغلش در سفر است) می گویند.

در حکم چنین مسافری، مراجع معظم تقلید، اتفاق نظر ندارند. به فتوای امام راحل و آیت الله فاضل لنکرانی بنابر احتیاط واجب ،

چنین مسافری مانند قسم اول، باید نماز را شکسته بخواند، ولی به فتوای سایر مراجع، مانند قسم دوم، باید نماز را تمام بخواند. *

چند نکته قابل توجه

۱- مسافر قسم دوم و سوم را اصطلاحاً، کثیر السفر (یا دائم السفر) می‌گویند.

البته معنای لغوی کثیرالسفر، مطلق است و شامل هر کسی می‌شود که زیاد مسافرت کند، اما در اصطلاح فقهی، فقط به کسی گفته می‌شود که عرفاً، مسافرت کردن شغل یا مقدمه شغل او باشد. به دو مثال زیر توجه فرمایید:

مثال اول: شخص ساکن اهواز، هر هفته برای گردش و تفریح به شهرها و روستاهای اطراف سفر می‌کند. این شخص هر چند همیشه مسافر است - مخصوصاً اگر اهواز وطنش نباشد - ولی کثیرالسفر به معنای فقهی نیست، از این رو در این سفرها و در اهواز - چنان چه وطنش نباشد - باید نماز را شکسته بخواند. ۱۴۵

مثال دوم: شخص ساکن شهرکی واقع در چهار فرسخی اهواز، هر روز یا هر هفته، به دلیل یک کار غیر شغلی - مثلاً پیگیری پرونده‌ای که در دادگستری یا اداره دیگری دارد، یا برای معالجه یا برای سرکشی به اموال و اجناسی که در اهواز دارد یا بردن آنها به شهرک - به اهواز می‌رود و می‌داند که این وضع چند ماه ادامه دارد. این شخص هر چند همیشه مسافر است (مخصوصاً اگر شهرک، وطن او نباشد)، ولی کثیرالسفر به معنای فقهی نیست، از این رو در این سفرها و در شهرک - در صورتی که وطنش نباشد - باید نماز را شکسته بخواند. ۱۴۶

۲- برای کثیر السفر شدن (هر دو قسم کثیرالسفر)، لازم است شخص، مدت قابل ملاحظه‌ای - مثل سه ماه - برای کسب و کار، در مسافت شرعی رفت و آمد کند و چنان چه مدتش کم باشد، هر چند هر روز تردد کند، کثیرالسفر نبوده و باید نماز را شکسته بخواند. ۱۴۷

مثال: کسی که می‌خواهد فقط یک ماه راننده بیابانی شود، یا کارمندی که مأموریت پیدا کرده به مدت یک ماه هر روز به شهری مسافرت کند، یا استادی که تصمیم دارد فقط، مدت یک ماه، هر روز برای تدریس - به شهری واقع در ۲۵ کیلومتری وطنش - سفر کند، چنین اشخاصی، کثیرالسفر (به معنای فقهی) نبوده و در این سفرهای شغلی، باید نماز را شکسته بخواند.

۳- برای کثیر السفر شدن، لازم نیست شخص، هر روز مسافرت کند؛ بلکه همین که هر از چند روزی (حداکثر هر نه روز یک بار) یک سفر شغلی برود - و این حالت، مدت قابل توجهی استمرار داشته باشد - کثیر السفر است و باید نماز را تمام بخواند. ۱۴۸

دو تذکر مهم

۱- با توجه به اینکه غیر از امام راحل (ره) و آیت الله فاضل لنکرانی، سایر مراجع معظم تقلید، بین دو قسم کثیر السفر (من شغله السفر و من شغله من السفر)، از نظر حکم شرعی فرقی قائل نیستند. از این رو برای اختصار، موضوع بحث این فصل را، عنوان عام کثیرالسفر، قرار می‌دهیم. بنابراین، هر حکمی که در مسائل آتی بیان خواهد شد، شامل هر دو قسم کثیرالسفر می‌شود، ولی هر وقت فتوای امام راحل (ره) و آیت الله فاضل را بیان کنیم، به هر کدام از دو قسم کثیرالسفر، تصریح خواهیم نمود.

۲- برخلاف رویه این جزوه که متن آن براساس فتاوی امام راحل (ره) بود، متن این فصل، بر مبنای فتاوی آیات عظام اراکی (ره) و گلپایگانی (ره) می‌باشد (علت این تغییر رویه از تذکر اول معلوم می‌شود). بنابراین، در این فصل، آرای امام راحل (ره) را نیز در پاورقی ملاحظه خواهید فرمود.

مسئله ۱ - چنان چه کسی در مسافت شرعی (هشت فرسخ) برای شغل، رفت و آمد کند، کثیر السفر بوده و باید در این سفرها، نماز را تمام بخواند. * (گلپایگانی ر.م. ۱۳۲۰)

مثال ۱: استاد، یا دانشجو، یا کارمندی (یا راننده‌ای) هر روز از وطن خود (روستای «الف» واقع در چهار فرسخی اهواز یا بیشتر) برای تدریس، یا تحصیل، یا کار (یا جابجایی بار یا مسافر، بین روستا و اهواز)، به اهواز رفته و غروب باز می‌گردد، این شخص در اهواز و بین راه، نمازش تمام است. ۱۴۹

سؤال ۴۸ - اگر روستای «الف»، وطنش نباشد، در این صورت نماز او در آن جا و اهواز و بین راه، چه حکمی دارد؟
مثال ۲: چنان چه فردمذکور در مثال ۱، هر روز رفت و آمد نکند، بلکه اول هر هفته به اهواز برود و آخر هفته باز گردد، یا هر دو سه روز یک بار به اهواز برود و یا یک هفته در اهواز باشد و یک هفته در روستا، باز کثیرالسفر است و در اهواز و روستا - هر چند وطنش نباشد - و در بین راه، باید نماز را تمام بخواند. ۱۵۰

مسئله ۲ - چنان چه در مسأله قبل گذشت، کثیرالسفر کسی است که در مسافت شرعی (هشت فرسخ یا بیشتر) رفت و آمد کند. بنابراین، کسی که در کمتر از چهار فرسخی وطن برای کار، رفت و آمد می‌کند، کثیرالسفر نیست و اگر اتفاقاً به اندازه مسافت شرعی - هر چند در رابطه با کار - مسافرت کند، باید نماز را شکسته بخواند. ۱۵۱ (اراکی ر.م ۱۳۰۴)

مثال: استاد، یا دانشجو، یا کارمندی (یا راننده‌ای) که هر روز از وطنش واقع در سه فرسخی اهواز، برای تدریس یا تحصیل (یا جابجایی بار و مسافر) به اهواز می‌رود، کثیرالسفر نیست * و اگر احیاناً در رابطه با شغلش به تهران برود، در این سفر باید نماز را شکسته بخواند.

تبصره: چنان چه کسی در غیر وطن سکونت داشته باشد و هر روز برای کار تا کمتر از چهار فرسخی محل سکونت برود و هر از چند وقتی - مثلاً هر سه چهار ماه یک بار - به وطنش * برود، این شخص کثیرالسفر است و نمازش در محل کار و محل سکونت و بین راه تمام است. ۱۵۲ (گلیپایگانی س ۲۰ و ۳۲ و ۴۱)

مثال: استاد، یا دانشجو و یا کارمندی که در شهرکی واقع در سه فرسخی اهواز سکونت دارد، معمولاً هر روز برای تدریس، یا تحصیل و یا کار، به اهواز می‌رود و هر سه چهار ماه یک بار به وطنش تهران می‌رود، این شخص کثیرالسفر است. بنابراین، در شهرک و اهواز و بین راه، باید نماز را تمام بخواند. **

سؤال ۴۹ - اگر در شهرک قصد اقامه کند، نمازش چه حکمی خواهد داشت؟

مسئله ۳ - کثیرالسفر، در سفر اول شغلی، نمازش شکسته است از سفر دوم باید نماز را تمام بخواند. اما اگر سفر اول * طول بکشد به طوری که در همان سفر، مردم مسافرت کردن را شغل او بدانند، در سفر اول نیز - بعد از اینکه عرفاً مسافرت شغل او محسوب شد - باید نماز را تمام بخواند. ۱۵۳ (اراکی ر.م ۱۲۹۸)

مثال ۱: راننده‌ای اهوازی که کارش جابجایی بار یا مسافر، بین اهواز و شهرکی واقع در چهار فرسخی اهواز است، اولین سرویسی که به شهرک می‌رود و باز می‌گردد (و کلاً - حدود یک ساعت طول می‌کشد)، سفر اول است و نمازش بین راه و در شهرک شکسته است ۱۵۴ ولی سرویس دومی که می‌رود، سفر دوم است، از این رو، باید بین راه و در شهرک، نماز را تمام بخواند.

مثال ۲: راننده‌ای اهوازی که کارش حمل بار به شهر برلن (واقع در کشور آلمان) است و هر سفر او حدود یک ماه طول می‌کشد، سرویس اولی که از اهواز به طرف برلن می‌رود تا بازگشت به اهواز، سفر اول است و چون طولانی است، بنابراین، در همان سفر اول - از وقتی که عرفاً مسافرت کردن، شغل او محسوب می‌شود - باید نماز را تمام * بخواند. ۱۵۵

مثال ۳: استاد، یا دانشجو و یا کارمندی، اول هر هفته از وطنش (آبادان) برای تدریس یا تحصیل و یا کار، به اهواز می‌رود و آخر هفته به وطن باز می‌گردد، بار اولی که به اهواز می‌رود تا بازگشت به آبادان، سفر اول اوست و لذا در مسیر رفت و برگشت و یک هفته‌ای که در اهواز است، باید نماز را شکسته بخواند، ولی دفعه دوم که به اهواز می‌رود، سفر دوم است. بنابراین، در مسیر رفت و برگشت و در اهواز، باید نماز را تمام بخواند. ۱۵۶

- مسئله ۴ - اگر کثیرالسفر، ده روز یا بیشتر در وطن خود بماند - چه از اول قصد ماندن ده روز را داشته باشد، چه بدون قصد بماند - باید در سفر او شغلی که بعد از آن می‌رود، نماز را شکسته بخواند.
- و اگر ده روز یا بیشتر، در غیر وطن توقف نماید - چنان چه از اول قصد ماندن این مدت را داشته باشد - باز در سفر اول شغلی باید نماز را شکسته بخواند. ۱۵۷ (گلیپایگانی ر.م ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲)
- مسئله ۵ - اگر کثیر السفر، در غیر وطن، ده روز یا بیشتر توقف نماید - چنان چه از اول قصد ماندن این مدت را نداشته باشد در سفر اول شغلی که بعد از آن می‌رود، بنابر احتیاط واجب باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند. ۱۵۸ (اراکي ر.م ۱۳۰۶)
- مثال: استاد، یا دانشجو، یا کارمند و یا راننده‌ای که وطنش تهران است ولی در آبادان زندگی می‌کند، و به جهت رفت و آمد به اهواز کثیر السفر است، یک هفته مرخصی گرفته و در آبادان ماند. روز هفتم، مریض شد و یک هفته نیز به خاطر آن توقف نمود؛ این شخص با اینکه بیش از ده روز در آبادان مانده، ولی چون از اول، قصد ماندن این مدت را نداشته؛ بنابراین، در اولین سفر شغلی که به اهواز می‌رود، باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند و از سفر دوم، نمازش تمام است. ۱۵۹
- سؤال ۵۰ - اگر دو هفته مرخصی گرفته و در آبادان بماند، در اولین سفر شغلی بعد از آن، نمازش چه حکمی دارد؟
- مسئله ۶ - چنان چه کثیرالسفر، در محلی توقف نماید و بعد شک کند که آیا در آن جا ده روز توقف کرده یا نه، به شک خود توجه نمی‌کند و از همان سفر اول شغلی، نماز را تمام می‌خواند. ۱۶۰ (گلیپایگانی ر.م ۱۳۲۳)
- مسئله ۷ - لازم نیست سفرهای شغلی کثیرالسفر، در یک مسیر خاص و معین باشد؛ بلکه اگر در مسیرهای مختلف و غیر معین نیز باشد، نماز تمام است. ۱۶۱ (اراکي م.۴ ۵۱)
- مثال: کارمند و یا راننده‌ای به اقتضای شغلش و براساس مأموریتی که به او ابلاغ می‌شود، هر روز در مسیری متفاوت سفر می‌کند (یک روز از اهواز به آبادان، روز بعد به دزفول، روز دیگر به شوش و...)، در همه این سفرها نمازش تمام است.
- مسئله ۸ - کثیرالسفر، در سفرهایی که از توابع و لوازم شغل او محسوب می‌شود - هر چند آن سفرها اتفاقی باشد - باید نماز را تمام بخواند. ۱۶۲ (گلیپایگانی س ۲۱ - ۲۹ - ۵۲)
- مثال ۱: استادی اهوازی - که برای تدریس بین اهواز و آبادان رفت و آمد می‌کند - هر از چند وقتی جهت شرکت در کنفرانس یا سمینار - که لازمه شغلش است - یا گزارش کار و یا... به تهران می‌رود، در این سفرها نیز نمازش تمام است. هم چنین اگر به طور اتفاقی در رابطه باش شغلش به تهران دعوت شود، باز نمازش تمام است.
- مثال ۲: راننده‌ای که در مسیر اهواز - بندرعباس کار می‌کند، هر ماه برای تسویه حساب، یا تجدید قرارداد و یا... به تهران می‌رود. در این سفرها نیز نمازش تمام است. هم چنین، اگر در اثنای سفر شغلی، ماشینش خراب شود و برای تهیه لوازم مورد نیاز، با ماشین دیگری به تهران برود، در این سفر نیز نمازش تمام است.
- مسئله ۹ - چنان چه کثیرالسفر، به سفر غیر شغلی برود، باید نماز را شکسته بخواند، هر چند این سفر غیر شغلی، در همان مسیری باشد که همیشه به جهت شغلش در آن مسیر رفت و آمد می‌کند. ۱۶۳ (اراکي ر.م ۱۳۰۰)
- مثال: استاد، یا دانشجو، یا کارمند و یا راننده‌ای آبادانی که به جهت شغل، در مسیر آبادان - اهواز، رفت و آمد می‌کند، اگر یک روز جمعه به قصد گردش، یا دیدار خویشان و دوستان، یا خرید و یا... به اهواز برود، نمازش در این سفر شکسته خواهد بود.
- سؤال ۵۱ - اگر روز شنبه که برای کار به اهواز می‌رود، قصد داشته باشد بعد از اتمام کار، به دیدار خویشان و دوستان ساکن در اهواز برود، در این صورت، نمازش چه حکمی دارد؟
- مسئله ۱۰ - شغلی یا غیر شغلی بودن سفر، به قصد و هدف شخص بستگی دارد، به این معنا که اگر کثیر السفر، هدفش از مسافرت، کار باشد، آن سفر، سفر شغلی بوده و نمازش تمام است - هر چند در ضمن این سفر، کارهای غیر شغلی نیز انجام بدهد - و اگر

هدفش، امور دیگری غیر از کار (شغل) باشد، آن سفر، سفر غیر شغلی بوده و نمازش شکسته است. * و اما در مسافرت‌هایی که هدف، هم شغل و هم غیر شغل است، در تشخیص، شغلی یا غیر شغلی بودن آن سفر، قصد و هدف اصلی، ملاک است، نه قصد و هدف تبعی و غیر اصلی. ۱۶۴ * (گلبایگانی ر.م ۱۳۱۶)

مثال ۱: راننده‌ای که کارش جابه‌جا کردن مسافر بین شهرهاست؛ چنان چه به قصد زیارت، با خانواده عازم مشهد مقدس شود، اگر بین راه مسافر نیز سوار کند - چون هدف اصلی‌اش زیارت است نه کار - لذا سفرش غیر شغلی است *** و باید نماز را شکسته بخواند.

مثال ۲: راننده‌ای که در مسیر تهران - مشهد کار می‌کند، در یکی از سفرهایی که مسافر به مشهد می‌برد؛ به قصد زیارت، خانواده‌اش را نیز با خود می‌برد و یک هفته در آن جا می‌ماند - چون هدف اصلی‌اش کار است *** - لذا سفرش شغلی بوده و باید نماز را در بین راه و مشهد تمام بخواند. *

مسئله ۱۱ - اگر کثیرالسفر، به سفر غیر شغلی برود، چنان چه در یک محل، ده روز یا بیشتر توقف نکرده باشد (به نحوی که در مسئله ۴ و ۵ گذشت)، وقتی دوباره سفر شغلی را شروع می‌کند، از سفر اول، باید نماز را تمام بخواند. ۱۶۵ (اراکی ر.م ۱۳۰۶)

مثال: استاد، یا دانشجو، یا کارمند و یا راننده‌ای اهوازی که به اقتضای شغل، در مسیر اهواز - آبادان رفت و آمد می‌کند، در ایام تعطیلات به قصد گردش و صله ارحام به شهرهای تهران، قم، کرج و مشهد سفر کرده و در هر کدام یک هفته توقف می‌کند وقتی به اهواز باز می‌گردد، از سفر اول شغلی - که به آبادان می‌رود - باید نماز را تمام بخواند. ۱۶۶

مسئله ۱۲ - اگر کثیرالسفر، در اثنای سفر شغلی (یا از محل شغل)، سفری غیر شغلی به کمتر از مسافت شرعی انجام دهد، در این سفر نیز باید نماز را تمام بخواند. ۱۶۷ (گلبایگانی، استفتا)

مثال: استاد، یا دانشجو، یا کارمند و یا راننده‌ای آبادانی که به اقتضای شغل، در مسیر آبادان - اهواز، رفت و آمد می‌کند، گاهی در همین سفرهای شغلی، برای دیدار خویشان و دوستان، یا برای گردش و یا... به روستایی واقع در سه فرسخی اهواز می‌رود، نمازش در آن روستا نیز تمام است، هر چند، یکی دو روز آن جا بماند. ۱۶۸

مسئله ۱۳ - چنانچه کثیرالسفر، در سفر شغلی، در محل شغل، چند روزی به جهت کار غیر شغلی، توقف نماید، در این مدت نیز باید نماز را تمام بخواند. ۱۶۹ (اراکی ر.م ۱۳۰۰)

مثال: استاد، یا دانشجو، یا کارمند و یا راننده آبادانی که به اقتضای شغل، در مسیر آبادان - اهواز رفت و آمد می‌کند، چنان چه در یکی از سفرهای شغلی، تصمیم بگیرد برای گردش، یا دیدار خویشاوندان و دوستان و یا... یک هفته در اهواز بماند، در این یک هفته نیز باید نماز را تمام بخواند. * ۱۷۰

مسئله ۱۴ - کسی که بیش از یک شغل دارد و در همه آنها، مسافر است در همه این سفرهای شغلی، باید نماز را تمام بخواند. ۱۷۱ (گلبایگانی ع. م ۵۱)

مثال: شخصی اهوازی، هر روز برای کار به کارخانه‌ای واقع در شش فرسخی می‌رود، و بعد از ظهر با ماشین در مسیر اهواز - آبادان کار می‌کند، و دو روز در رفته برای تحصیل علم به دانشکده‌ای واقع در چهار فرسخی اهواز می‌رود، این شخص در همه این سفرها، نمازش تمام است. ۱۷۲

مسئله ۱۵ - چنان چه شخص کثیرالسفر در همه سفرهای شغلی، زن و فرزند را همراه خود ببرد، آنان نیز در این سفرهای شغلی، باید نماز را تمام بخوانند. ۱۷۳ (اراکی، س ۴۶)

- مسافر از نظر حکم شرعی، سه قسم است: غیر کثیر السفر، من شغله السفر و من شغله فی السفر قسم اول اجماعاً نمازش شکسته است، قسم دوم اجماعاً نمازش تمام است و در قسم سوم، امام راحل و آیت الله فاضل با سایر مراجع تقلید، اختلاف نظر دارند.
- چنان چه کسی سفرهای متعدد انجام دهد ولی به عنوان شغل نباشد، حکم کثیرالسفر بر او مترتب نمی‌شود.
- برای عمل به احکام کثیرالسفر، لازم است مدت قابل ملاحظه‌ای (مثلاً سه ماه) تصمیم به مسافرت (برای شغل) داشته باشد.
- کسی که محل کارش در کمتر از چهار فرسخی وطن واقع شده و هر روز رفت و آمد می‌کند، کثیرالسفر نیست.
- کثیرالسفر، در سفر اول شغلی، نمازش شکسته است و از سفر دوم باید نماز را تمام بخواند.
- سفر اول شغلی، نسبت به افراد، فرق می‌کند و چه بسا یک ماه هم طول بکشد.
- چنان چه کثیرالسفر، ده روز یا بیشتر در وطن توقف نماید، در اولین سفر شغلی پس از این توقف باید نماز را شکسته بخواند.
- کثیرالسفر، در سفرهایی که از لوازم شغلش است، باید نماز را تمام بخواند.
- چنان چه کثیرالسفر، اقدام به سفر غیر شغلی نماید، باید نماز را شکسته بخواند.
- زن و فرزند شخص کثیرالسفر، اگر در همه سفرهای شغلی، همراه او باشند، آنها نیز باید نماز را تمام بخوانند.
- ۱۴۴- مصادر این بحث بدین قرار است: امام (استفتاآت، ص ۲۳۶)، اراکی (ر.م ۱۲۹۹ و استفتاآت)، خوئی (ر.م ۱۳۱۵ و س ۲۹۱)، گلپایگانی (مجمع المسائل، ص ۲۰۱) بهجت (استفتاء، تبریزی (ر.م ۱۳۱۵ و س ۲۹۱)، خامنه‌ای (اجوبه الاستفتاآت، ص ۱۸۰)، زنجانی (ر.م ۱۳۱۵ و استفتا)، فاضل (جامع المسائل، ص ۱۳۵) و مکارم (ر.م ۱۱۴۶ و استفتا).
- * - البته با فراهم بودن همه شرایطی که برای نماز شکسته لازم است و در این کتاب بیان شده است.
- ** - با توضیح و تفصیلاتی که در همین فصل بیان می‌شود.
- * - یعنی این شغل، بدون سفر هم وجود خارجی دارد، ولی در مورد این شخص، شرایط به گونه‌ای است که برای انجام این شغل، باید همیشه سفر کند.
- فرق این قسم با قسم دوم این است که در این قسم اگر شخص، شرایط زندگی‌اش را تغییر دهد، می‌تواند همان شغل راداشته باشد و سفر هم نکند؛ مثلاً استادی که ساکن کرج است و در دانشگاه تهران تدریس می‌کند، زندگی‌اش را به تهران منتقل کند و یا کارش را به کرج منتقل کند و در دانشگاه کرج تدریس کند. بخلاف قسم دوم که با تغییر شرایط زندگی نیز، ناگزیر از سفر است چون سفر، جزو ماهیت شغل اوست و آن شغل، بدون سفر، اصلاً وجود خارجی ندارد.
- ** - فتوای مقام معظم رهبری و آیت الله تبریزی نیز، همین است؛ فقط در مورد دانشجو نظر این دو بزرگوار با سایر مراجع فرق دارد. به نظر مقام معظم رهبری (س ۶۶۸) تحصیل علم، شغل نیست. بنابراین، دانشجو در سفرهای تحصیل علم، مثل مسافر قسم اول، نمازش شکسته است و نمی‌تواند روزه بگیرد، اما به نظر آیت الله تبریزی (استفتا)، دانشجو در سفرهای تحصیل علم، بنابر احتیاط واجب، باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند و روزه واجب را باید بگیرد (این روزه صحیح است و قضا ندارد).
- ۱۴۵- اراکی (س ۲۵): اگر سفرهای گردشی به دستور دکتر باشد و عنوان معالجه داشته باشد، در این صورت کثیرالسفر است و باید نماز را تمام بخواند.
- ۱۴۶- امام (ر.م ۱۳۱۶)، خوئی (ر.م ۱۳۲۵)، بهجت (ر.م ۱۰۶۸)، تبریزی (ر.م ۱۳۲۵)، خامنه‌ای، زنجانی (ر.م ۱۳۳۸) و مکارم (ر.م ۱۱۵۳): حکم مسأله همان می‌باشد که در متن آمده است. اراکی (س ۱۸ و ۴۶): چنان چه سفرهای متعدد، برای غرض و هدف واحد باشد (مثل سفرهای متعدد برای زیارت، یا صله ارحام، یا معالجه و یا...) در این صورت، کثیرالسفر است و باید نماز را تمام بخواند، اما اگر غرض و هدف متعدد شد (مثل اینکه، سفری برای زیارت و سفری برای صله ارحام و سفری برای معالجه و... باشد) در این صورت، کثیرالسفر نیست و باید نماز را شکسته بخواند.

گلیپایگانی (س ۳۸، ۴۲ و ۴۳): سفرهای متعدد، اگر به عنوان شغل نباشد، کثیرالسفر نیست و باید نماز را شکسته بخواند؛ اما همین سفرهای متعدد غیر شغلی، اگر برای خرید مایحتاج زندگی یا معالجه یا برای امور ضروری مربوط به زندگی و امرار معاش باشد و مدت قابل توجهی (چهار پنج ماه) ادامه داشته باشد، در این صورت کثیرالسفر است و باید نماز را تمام بخواند.

۱۴۷- امام (س ۳۶۰) چنان چه، دو ماه اشتغال به رانندگی داشته باشد، کثیرالسفر است و باید نماز را تمام بخواند. اراکی (س ۵۸ و ۵۹): حداقل با سه ماه اشتغال به کار در سفر، کثیرالسفر می‌شود و باید نماز را تمام بخواند و اگر کمتر از آن باشد، بنابر احتیاط واجب باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند.

خوئی (س ۲۸۹، ۲۹۰، ۳۰۰): با یک ماه نیز کثیرالسفر می‌شود و نمازش تمام است به شرطی که هر روز مسافرت کند و اگر هر روز مسافرت نکند ولی در طول سال مجموعاً دو ماه یا بیشتر در سفر شغلی باشد، به طوری که هر ماه حداقل ده روز در سفر باشد، باز کثیرالسفر است و در سفرهای شغلی باید نماز را تمام بخواند.

گلیپایگانی (س ۲۵ و ۳۵): حداقل با سه ماه اشتغال به کار در سفر، کثیرالسفر می‌شود و باید نماز را تمام بخواند و چنان چه چهل پنجاه روز به این کار اشتغال داشته باشد، در سفرهای شغلی، نمازش شکسته است.

بهجت (استفتا): با یک ماه نیز کثیرالسفر می‌شود چون عملیت سفر، صدق می‌کند و باید نماز را تمام بخواند.

تبریزی (استفتا): حداقل با دو ماه اشتغال به کار در سفر، کثیرالسفر می‌شود و باید نماز را تمام بخواند.

خامنه‌ای (استفتا): با یک ماه هم - اگر طوری باشد که عرفاً، عملیت سفر، صدق کند - کثیرالسفر می‌شود و باید نماز را تمام بخواند.

زنجانی (ر.م ۱۳۱۹): کسی که فقط در مقداری که از سال، شغلش مسافرت است؛ مانند کسی که فقط سه ماه اشتغال به رانندگی دارد، باید نماز را تمام بخواند، ولی اگر مدت سفر به قدری کم باشد که عرفاً به او کثیرالسفر نگویند، باید نماز را شکسته بخواند. فاضل (استفتا): چنان چه یک ماه اشتغال به رانندگی داشته باشد و عرفاً رانندگی شغل او شناخته شود در این صورت کثیرالسفر است و باید نماز را تمام بخواند.

مکارم (استفتا): اگر هر روز رفت و آمد کند، با یک ماه هم کثیرالسفر می‌شود و باید نماز را تمام بخواند.

۱۴۸- امام، اراکی، گلیپایگانی، بهجت، خامنه‌ای، زنجانی و فاضل: حکم مسأله همان می‌باشد که در متن آمده است.

خوئی (س ۲۸۸ - ۲۹۲ - ۳۰۱): چنان چه محل کار، مقر عمل محسوب نشود، حکم مسأله همان می‌باشد که در متن آمده است؛ اما اگر، مقر عمل محسوب شود، حکم محل کار با حکم مسیر رفت و برگشت فرق می‌کند؛ بدین ترتیب که در محل کار، مطلقاً نماز تمام است؛ چون مقر عمل، حکم وطن را دارد. (مراجعه شود به فصل چهارم، بحث وطن حکمی) و اما در مورد مسیر رفت و برگشت، سه حالت وجود دارد:

الف - در ماه، حداقل ده بار، بین محل سکونت و محل کار رفت و آمد می‌کند. در این حالت، کثیرالسفر می‌باشد و بین راه نیز نمازش تمام است.

ب - در ماه، نه یا هشت یا هفت بار رفت و آمد می‌کند. در این حالت بنابر احتیاط واجب باید در بین راه، نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند.

ج - در ماه، کمتر از هفت بار رفت و آمد می‌کند، در این حالت، کثیرالسفر نیست و باید در بین راه، نماز را شکسته بخواند.

تبریزی (س ۲۸۸ - ۲۹۲ - ۳۰۱): آنچه آیت الله خوئی فرموده‌اند، درست است ولی در مورد مسیر رفت و برگشت، باید به ترتیب زیر عمل شود:

الف - در هفته (یا کمتر) حداقل یک بار، رفت و آمد می‌کند در این حالت، کثیرالسفر بوده و بین راه نیز نمازش تمام است.

ب - هر ده یا نه، یا هشت روز یک بار، رفت و آمد می‌کند، در این حالت، بنا بر احتیاط واجب باید بین راه، نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند.

ج - اگر غیر از دو حالت بالا، باشد کثیرالسفر نیست و باید بین راه نماز را شکسته بخواند.

مکارم (استفتا): چنان چه محل کار، مقر عمل محسوب نشود، حکم مسأله همان می‌باشد که در متن آمده است؛ اما اگر مقر عمل محسوب شود، در آن جا مطلقاً نمازش تمام است؛ چون مقر عمل، حکم وطن را دارد و اما در بین راه باید نماز را شکسته بخواند مگر اینکه همه روزه یا چندین روز در هفته، رفت و آمد کند که در این صورت، بین راه نیز نمازش تمام است.

* - به اختلاف نظر امام راحل (ره) و آیت الله فاضل، با سایر مراجع معظم تقلید، در مورد (من شغله فی السفر)، و نیز به اختلاف نظر مقام معظم رهبری و آیت الله تبریزی، در مورد دانشجو، توجه شود (برای توضیح بیشتر به مقدمه همین فصل مراجعه فرمایید).

۱۴۹- اراکی، خویی، بهجت، زنجانی، و مکارم: حکم همان می‌باشد که در متن آمده است.

امام و فاضل: در مورد راننده و امثالش، حکم همان است که در متن آمده ولی استاد، دانشجو و کارمند باید نماز را شکسته بخوانند.

تبریزی: استاد، کارمند و راننده، حکمشان همان است که در متن آمده ولی دانشجو، بنا بر احتیاط واجب باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند و روزه واجب را باید بگیرد.

خامنه‌ای: استاد، کارمند و راننده حکمشان همان می‌باشد که در متن آمده است. ولی دانشجو، باید نماز را شکسته بخواند.

* - البته نماز این فرد، در اهواز و بین راه، تمام است ولی نه به خاطر کثیرالسفر بودن بلکه به جهت اینکه فاقد شرط اول برای شکسته خواندن نماز است.

۱۵۰- اراکی، بهجت و زنجانی: حکم مسأله همان می‌باشد که در متن آمده است.

امام و فاضل: در مورد راننده و امثالش، حکم همان می‌باشد که در متن آمده است. ولی استاد، دانشجو و کارمند در اهواز و روستا - چنان چه وطن نباشد - و بین راه، نمازشان شکسته است.

خوئی و مکارم: چنان چه اهواز، مقر عمل محسوب نشود، حکم مسأله همان می‌باشد که در متن آمده است؛ اما اگر مقر محسوب شود، نمازش در آن جا مطلقاً تمام است (چون مقر، حکم وطن را دارد)، و در مورد مسیر رفت و برگشت، تفصیلی وجود دارد که با مراجعه به پاورقی صفحه ۱۵۵ معلوم می‌شود.

تبریزی: دانشجو، در تمام مواضع بنا بر احتیاط واجب، باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند و روزه واجب را بگیرد، ولی در مورد راننده، حکم مسئله همان می‌باشد که در متن آمده است و اما کارمند و استاد، چنان چه اهواز برای آنها، مقر عمل محسوب نشود، حکمشان همان می‌باشد که در متن آمده است و اگر مقر محسوب شود، نمازشان در آن جا مطلقاً تمام است، و در مورد مسیر رفت و برگشت، تفصیلی وجود دارد که با مراجعه به پاورقی صحنه ۱۵۵ معلوم می‌شود.

خامنه‌ای: استاد، کارمند و راننده، حکمشان همان است که در متن آمده ولی دانشجو، در اهواز و روستا (چنان چه وطنش نباشد) و بین راه، نمازش شکسته است.

۱۵۱- همه مراجع معظم تقلید در حکم این مسأله اتفاق نظر دارند.

* - به شرطی که وطنش، از محل سکونت و محل کار، حداقل هشت فرسخ فاصله داشته باشد.

** - البته اگر قصد داشته باشد در شهرک مدت زیادی زندگی کند، طبق فتوای آیات عظام خوئی، تبریزی، زنجانی و مکارم - چنان که در عنوان اول از فصل چهارم، بحث وطن حکمی گذشت - شهرک برای او حکم وطن را خواهد داشت. در نتیجه، این مثال، عین مثال قبل (ذیل مسأله ۲) خواهد بود.

۱۵۲- امام و فاضل: در محل کار و محل سکونت و بین راه، باید نماز را شکسته بخواند (برای توضیح بیشتر به مقدمه همین فصل مراجعه فرمایید).

اراکي: با قصد اقامه در محل سکونت، رفت و آمد به کمتر از چهار فرسخ اشکال ندارد - هر چند موقع قصد اقامه، بداند که هر روز به آن جا خواهد رفت - و نمازش در محل سکونت و محل کار و بین راه، تمام است. (برای توضیح بیشتر به عنوان سوم از فصل چهارم مراجعه فرمایید).

خوئی:؟

بهجت و خامنه‌ای (استفتا): حکم مسئله همان می‌باشد که در متن آمده است .

تبریزی (استفتا): در محل سکونت و محل کار و بین راه، بنا بر احتیاط واجب، باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند و روزه واجب را بگیرد.

زنجانی (استفتا): اگر عرفاً کثیرالسفر محسوب شود، حکم مسأله همان می‌باشد که در متن آمده است .

مکارم (استفتا): اگر این کار، برای مدت طولانی - مثلاً یک سال یا بیشتر - ادامه پیدا کند، هر دو محل، برای او حکم وطن را دارد. بنابراین در محل سکونت و محل کار و بین راه، باید نماز را تمام بخواند.

* - سفر اول، نسبت به افراد، متفاوت است، گاه ممکن است یک ساعت باشد و گاه چند هفته .

۱۵۳- امام (ر.م ۱۳۰۶)، خامنه‌ای (س ۶۶۵)، زنجانی (استفتا) و فاضل (استفتا): در سفر اول شغلی، مطلقاً نماز شکسته است، هر چند سفر طول بکشد.

گلپایگانی (ر.م ۱۳۱۵): حکم مسأله همان می‌باشد که در متن آمده است .

خوئی (س ۲۸۳) و تبریزی (استفتا): اگر کاری که سفر مقدمه آن است، شغل او شده باشد، باید نماز را - حتی در سفر اول - تمام بخواند. ولی راننده در سفر اول - هر چند طول بکشد - نمازش شکسته است .

بهجت (استفتا): اگر سفر اول طول بکشد، بنا بر احتیاط واجب، باید روز اول، نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند و از روز دوم نماز، را تمام می‌خواند.

مکارم (ر.م ۱۱۴۵، س ۲۲۲): من شغله السفر مثل راننده از همان سفر اول شغلی، باید نماز را تمام بخواند، ولی من شغله فی السفر مثل استاد، دانشجو و کارمند در سفر اول شغلی، نمازش تمام است و از سفر دوم، نماز را تمام می‌خواند.

۱۵۴- مکارم: در همان سفر اول هم نمازش در شهرک و بین راه، تمام است .

* - بهتر است در یکی دو روز اول، نماز را احتیاطاً، هم شکسته و هم تمام بخواند، بعد از آن، نمازش تمام است. (ن).

۱۵۵- امام، خامنه‌ای، زنجانی و فاضل: در سفر اول (در تمام یک ماه) باید نماز را شکسته بخواند. از سفر دوم که از اهواز آغاز می‌کند، نمازش تمام است .

گلپایگانی: حکم مسأله همان می‌باشد که در متن آمده است .

خوئی، تبریزی و مکارم: از همان سفر اول، باید نماز را تمام بخواند.

بهجت: روز اول، نماز را بنا بر احتیاط واجب، هم شکسته و هم تمام می‌خواند و از روز دوم نماز را تمام می‌خواند .

۱۵۶- امام و فاضل: استاد، دانشجو و کارمند، مطلقاً نماز را شکسته می‌خوانند؛ اما اگر راننده‌ای دارای شرایط مزبور باشد (مثلاً کارش حمل بار از اهواز به آبادان است و هر دفعه، یک هفته در اهواز، برای بارزدن توقف دارد)، حکمش همان می‌باشد که در متن آمده است .

گلپایگانی، زنجانی و مکارم: حکم مسأله همان می‌باشد که در متن آمده است .

خوئی: چون اهواز بر ای او مقر عمل (شغل) محسوب می‌شود، لذا در آن جا، مطلقاً نمازش تمام است و اما در مورد حکم نماز در بین راه، تفصیلی وجود دارد که با مراجعه به پاورقی صفحه ۱۵۵ معلوم می‌شود.

بهجت: حکم مسأله همان می‌باشد که در متن آمده است ولی در سفر اول، موقع بازگشت به آبادان، باید در بین راه نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند.

تبریزی: دانشجو (هم در سفر اول و هم در سفرهای بعدی) در بین راه و در اهواز، بنا بر احتیاط واجب باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند و روزه واجب را بگیرد؛ ولی استاد و کارمند، در اهواز مطلقاً نمازشان تمام است و اما در مورد حکم نماز آنها در بین راه، تفصیلی وجود دارد که با مراجعه به پاورقی صفحه ۱۵۵ معلوم می‌شود.

خامنه‌ای: دانشجو، مطلقاً نمازش شکسته است، ولی استاد و کارمند، حکمشان همان می‌باشد که در متن آمده است.

۱۵۷- امام (ر.م ۱۳۱۲ و ۱۳۱۳)، اراکی (ر.م ۱۳۰۵ و ۱۳۰۶)، بهجت (استفتا)، خامنه‌ای (س ۶۶۵)، زنجانی (ر.م ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲) و فاضل (ر.م ۱۳۳۴ و ۱۳۳۵): حکم مسأله همان می‌باشد که در متن آمده است.

خوئی (ر.م ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲) و تبریزی (ر.م ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲): در مورد راننده، حکم همان است که در متن آمده، ولی غیر راننده، در سفر اول بنا بر احتیاط واجب باید هم شکسته و هم تمام بخواند.

مکارم (ر.م ۱۱۵۱): کثیرالسفر، مطلقاً در سفر اول بنا بر احتیاط واجب باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند.

۱۵۸- امام (ر.م ۱۳۱۳)، بهجت (استفتا)، خامنه‌ای (س ۶۶۵) و فاضل (ر.م ۱۳۳۵): در سفر اول، باید نماز را شکسته بخواند.

گلپایگانی (ر.م ۱۳۲۲)، زنجانی (ر.م ۱۳۲۲) و مکارم (ر.م ۱۱۵۱): حکم مسأله همان می‌باشد که در متن آمده است.

خوئی (ر.م ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲) و تبریزی (استفتا): هم راننده و هم غیر راننده، از همان سفر اول، باید نماز را تمام بخواند.

۱۵۹- امام و فاضل: راننده در سفر اول شغلی، نمازش شکسته است و از سفر دوم، نماز را تمام می‌خواند، ولی استاد، دانشجو و کارمند در همه سفرهای شغلی، نمازشان شکسته است (برای توضیح بیشتر به صفحه ۱۵۱ مراجعه فرمایید).

گلپایگانی، زنجانی و مکارم: حکم مسأله همان می‌باشد که در متن آمده است.

خوئی: از سفر اول شغلی، باید نماز را تمام بخواند.

بهجت: در سفر اول شغلی، نمازشان شکسته است ولی از سفر دوم، باید نماز را تمام بخواند.

تبریزی: استاد، کارمند و راننده، از سفر اول شغلی، نمازشان تمام است، ولی دانشجو در همه سفرهای تحصیلی، باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند. (به صفحه ۱۵۱ مراجعه فرمایید).

خامنه‌ای: استاد و کارمند و راننده، در سفر اول شغلی، نمازشان شکسته است و از سفر دوم، نماز را تمام می‌خوانند؛ ولی دانشجو در همه سفرهای تحصیل، باید نماز را شکسته بخواند (ص ۱۵۱ مراجعه شود).

۱۶۰- همه مراجع معظم تقلید در حکم این مسأله اتفاق نظر دارند.

۱۶۱- همه مراجع معظم تقلید در حکم این مسأله اتفاق نظر دارند.

۱۶۲- امام (س ۳۷۰) و فاضل (س ۵۰۱): در سفرهایی که از لوازم و توابع شغلش است، باید نماز را شکسته بخواند.

اراکي (س ۳۰ - ۱۶) و زنجانی (استفتا): در سفرهایی که از لوازم و توابع دائمی شغلش می‌باشد، نماز تمام است؛ ولی در سفرهای اتفاقی و مستقل - هر چند در رابطه با شغل - باید نماز را شکسته بخواند.

خوئی (س ۲۹۹)، خامنه‌ای (استفتا) و مکارم (استفتا): حکم مسأله همان می‌باشد که در متن آمده است.

بهجت (استفتا): سفرهایی که از توابع و لوازم - دائمی یا اتفاقی - شغل است، اگر عرفاً جزء شغل باشد، حکم سفر شغلی را دارد و باید نماز را تمام بخواند.

تبریزی (س ۲۹۹): در سفرهایی که از لوازم و توابع دائمی شغل می‌باشد، نماز تمام است؛ ولی اگر اتفاقی باشد، بنابر احتیاط واجب باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند.

۱۶۳- امام (ر.م ۱۳۰۷)، گلپایگانی (ر.م ۱۳۱۶)، خوئی (ر.م ۱۳۱۶)، بهجت (ر.م ۱۰۶۱)، تبریزی (ر.م ۱۳۱۶)، خامنه‌ای (س ۶۶۶) فاضل (ر.م ۱۳۲۹) و مکارم (ر.م ۱۱۴۷) حکم مسأله همان می‌باشد که در متن آمده است.

زنجانی (ر.م ۱۳۱۶): در سفر غیر شغلی، بنابر احتیاط واجب، باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند.

* - هر چند در ضمن این سفر، کارهای شغلی نیز انجام بدهد.

** - و اگر هر دو، هدف اصلی باشند، باید احتیاطاً نماز را هم شکسته و هم تمام خواند.

*** - به این دلیل که اگر بین راه مسافر سوار نمی‌کرد، باز این سفر را می‌رفت.

**** - به این دلیل که اگر خانواده نیاید و قصد زیارت نداشته باشد، باز این سفر را برای جابجایی مسافر می‌رود.

۱۶۴- همه مراجع معظم تقلید در حکم این مسأله اتفاق نظر دارند.

* - و اگر هر دو (زیارت و جابه‌جایی مسافر) هدف اصلی باشد به طوری که هر کدام نباشد (مسافر باشد ولی خانواده نیاید یا خانواده بیاید ولی مسافر نباشد) سفر مشهود را لغو می‌کند، در این صورت باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند.

۱۶۵- همه مراجع معظم تقلید در حکم این مسأله اتفاق نظر دارند.

۱۶۶- امام و فاضل: راننده، حکمش همان می‌باشد که در متن آمده است، ولی استاد و دانشجو و کارمند، در همه سفرهای شغلی، باید نماز را شکسته بخوانند. (برای توضیح بیشتر به ص ۱۵۱ مراجعه فرمایید).

گلپایگانی، خوئی، بهجت، زنجانی و مکارم: حکم مسأله همان می‌باشد که در متن آمده است.

تبریزی: دانشجو در همه سفرهای تحصیلی، باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند، ولی سایرین حکمشان همان می‌باشد که در متن آمده است. (مراجعه به ص ۱۵۱).

خامنه‌ای: دانشجو، در همه سفرهای تحصیلی، باید نماز را شکسته بخواند، ولی سایرین حکمشان همان می‌باشد که در متن آمده است. (مراجعه به ص ۱۵۱).

۱۶۷- امام، خوئی و زنجانی:؟

اراکي (س ۱۱): در صورتی که شب را نماند، نمازش تمام است.

بهجت (استفتا)، خامنه‌ای (س ۶۷۹)، فاضل (استفتا) و مکارم (استفتا): حکم مسأله همان می‌باشد که در متن آمده است.

تبریزی: بنابر احتیاط واجب، باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند.

۱۶۸- امام و زنجانی:

اراکي: در صورتی که شب را در روستا نماند، نمازش در آن جا نیز مانند اهواز، تمام است.

خوئی: اگر اهواز برای او، مقر عمل محسوب شود، در این صورت نمازش در روستا نیز مانند اهواز، تمام است (برای توضیح مقر عمل به فصل چهار، بحث وطن حکمی مراجعه فرمایید).

بهجت و مکارم: آنچه در متن آمده درست است.

تبریزی: چنان چه اهواز برای او مقر عمل (فصل چهارم، وطن حکمی) محسوب شود، نمازش در روستا نیز مانند اهواز تمام است؛ در غیر این صورت، باید در روستا نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند.

خامنه‌ای: دانشجو، در اهواز و روستا، نمازش شکسته است ولی در مورد سایرین آنچه در متن آمده درست است.

فاضل: راننده حکمش همان می‌باشد که در متن آمده است، ولی استاد و دانشجو و کارمند، هم در اهواز و هم در روستا، نمازشان

شکسته است .

۱۶۹- همه مراجع معظم تقلید در حکم این مسأله اتفاق نظر دارند.

* - البته به شرطی که اصل سفر به اهواز، به قصد شغل باشد و تصمیم به توقف در اهواز، بعد به وجود آمده باشد .

امام و فاضل: راننده حکمش همان می‌باشد که در متن آمده است، ولی استاد و دانشجو و کارمند، در همه سفرهای شغلی، نمازشان شکسته است. (به صفحه ۱۵۱ مراجعه فرمایید).

اراکي، خوئی، بهجت، زنجانی و مکارم: حکم مسأله همان می‌باشد که در متن آمده است .

تبریزی: استاد، کارمند و راننده، حکمشان همان می‌باشد که در متن آمده است؛ ولی دانشجو در همه سفرهای تحصیلی، باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند. (ص ۱۵۱).

خامنه‌ای: استاد، کارمند و راننده، حکمشان همان می‌باشد که در متن آمده است، ولی دانشجو در همه سفرهای تحصیلی، باید نماز را شکسته بخواند. (ص ۱۵۱)

۱۷۰- همه مراجع معظم تقلید در حکم این مسأله اتفاق نظر دارند.

۱۷۱- امام و فاضل: در سفرهایی که اشتغال به رانندگی دارد، نمازش تمام است، ولی در سفر به کارخانه یا تحصیل علم، باید نماز را شکسته بخواند. (ص ۱۵۱).

تبریزی: در سفرهای تحصیل علم، بنابر احتیاط واجب، باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند. (ص ۱۵۱).

خامنه‌ای: در سفرهای تحصیل علم، باید نماز را شکسته بخواند. (ص ۱۵۱)

۱۷۲- امام و فاضل (استفتا): زن و فرزند باید نماز را شکسته بخوانند (به صفحه ۱۵۱ مراجعه فرمائید).

خوئی (س ۳۱۹): زن و فرزند، در کثیر السفر بودن، تابع شوهر و پدر نیستند و باید نماز را شکسته بخوانند.

گلیایگانی: ؟

بهجت (استفتا)، زنجانی (استفتا) و مکارم (استفتا): در صورتی که همراهی شوهر و پدر، در سفرهای شغلی، برنامه دائمی آنان باشد، باید نماز را در این سفرها، تمام بخوانند.

تبریزی (س ۳۱۹ و استفتا): اگر زن در این سفرها، شغلی داشته باشد - هر چند آن شغل، خدمت به شوهر باشد - باید نماز را تمام بخواند، در غیر این صورت، بنابر احتیاط واجب باید در این سفرها نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند و روزه واجب را بگیرد.

خامنه‌ای (استفتا): اگر زن و فرزند، در این سفرها، شغلی ندارند، باید نماز را شکسته بخوانند.

شرط هشتم به حد ترخص رسیده باشد

پرسش‌های مقدماتی

- حد ترخص چیست ؟

- مسافر، از کجا باید شروع به شکسته خواندن نماز کند؟

- حد ترخص محلی که دیوار و سکنه‌ای ندارد، چگونه محاسبه می‌شود؟

- در صورت شک به حد ترخص، وظیفه چیست ؟

- در حد ترخص محل قصد اقامه، وظیفه چیست ؟

- چنان چه کسی از غیر وطن، اقدام به مسافرت نماید، از کجا باید شروع به شکسته خواندن نماز کند؟

- آیا حد ترخص در غیر وطن نیز معتبر است یا نه ؟

مسئله ۱ - حد ترخص، محلی است که از آن جا، دیوار شهر * دیده نمی‌شود و اذان شهر شنیده نمی‌شود. البته به شرطی که در هوا چیزی که مانع دیدن (مثل گرد و غبار و...) و یا مانع شنیدن (مثل سر و صدا و...) است، وجود نداشته باشد. ۱۷۴ (ر. م ۱۳۱۷)

مسئله ۲ - کسی که عازم سفر است، پس از رسیدن به حد ترخص (با تحقق سایر شرایط) باید نماز را شکسته بخواند و قبل از آن، نمازش تمام است. (ر. م ۱۳۱۷)

مسئله ۳ - برای شکسته خواندن نماز، لازم نیست به قدری دور شود که حتی مناره‌ها و گنبدها را نیز نبیند یا دیوارها کاملاً از نظر محو شود؛ بلکه همین قدر که دیوارها به صورت واضح معلوم نباشد ۱۷۵ کافی است * * به حد ترخص رسیده و باید نماز را شکسته بخواند. (ر. م ۱۳۱۷)

مسئله ۴ - هرگاه شهری در بلندی باشد به طوری که از دور هم دیده شود. باید به قدری گود باشد که با کمی دور شدن، دیوار آن دیده نشود کسی که از آن شهر مسافرت می‌کند، وقتی به اندازه‌ای دور شود که اگر آن شهر در زمینی هموار بود، دیوارش از آن جا دیده نمی‌شود. ۱۷۶ باید نماز را شکسته بخواند، و نیز اگر پستی و بلندی خانه‌ها بیشتر از معمول باشد (مثل ساختمان‌های ده بیست طبقه) باید ملاحظه خانه‌های معمول (دو سه طبقه) را بنماید. ۱۷۷ (ر. م ۱۳۲۰)

مسئله ۵ - اگر بین مسافر و شهر مانعی از دید (مثل تپه، درخت، مه، غبار، تاریکی و...) وجود داشته باشد، باید به قدری از شهر دور شود که اگر مانع نبود، دیوار شهر را نمی‌دید. ۱۷۸ (ع. م ۵۹)

مسئله ۶ - اگر از محلی مسافرت کند که خانه و دیوار ندارد، وقتی به جایی رسید که اگر آن محل دیوار داشت، از آنجا دیده نمی‌شد، همانجا حد ترخص است و باید نماز را شکسته بخواند. ۱۷۹ (ر. م ۱۳۲۱)

مسئله ۷ - لازم نیست به قدری دور شود که اصلاً صدای شهر را نشنود؛ بلکه اگر صدا را بشنود ولی نتواند تشخیص بدهد که اذان است یا غیر اذان، به حد ترخص رسیده و باید نماز را شکسته بخواند. ۱۸۰ (ر. م ۱۳۲۲)

مسئله ۸ - اذانی که با بلندگو پخش می‌شود، یا بدون بلندگو در جای بسیار بلند، گفته می‌شود و یا به وسیله کسی که صدایش بیش از حد متعارف بلند است، گفته می‌شود، نمی‌تواند ملاک حد ترخص باشد. بنابراین، وقتی به محلی برسد که اگر اذان متعارف بود، در آن جا قابل شنیدن نبود، به حد ترخص رسیده و باید نماز را شکسته بخواند (هر چند صدای اذان غیر متعارف را بشنود). ۱۸۱ (ر. م ۱۳۲۴)

مسئله ۹ - اگر کسی، گوش یا چشمش از حد معمول، ضعیف تر یا قوی تر باشد، اعتباری به آن نیست؛ بلکه ملاک، شنوایی و بینایی معمولی است. ۱۸۲ (ر. م ۱۳۲۵)

مسئله ۱۰ - کسی که به سفر می‌رود، اگر به جایی برسد که اذان شهر را نشنود ولی دیوار شهر را ببیند ۱۸۳، یا دیوار شهر را نبیند ۱۸۴ ولی صدای اذان را بشنود - چنان چه بخواهد در آن جا نماز بخواند - بنابر احتیاط واجب باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند؛ اما اگر یکی از دو علامت باشد و در دومی شک داشته باشد، باید نماز را شکسته بخواند. (ر. م ۱۳۱۸)

مسئله ۱۱ - مسافری که به وطن خود باز می‌گردد، وقتی به حد ترخص آن جا رسید، باید نماز را تمام بخواند، ولی مسافری که می‌خواهد ده روز یا بیشتر در محلی (غیر از وطن) بماند، وقتی به حد ترخص آن جا رسید، بنابر احتیاط واجب باید نماز را تأخیر بیندازد تا به محل قصد اقامه * برسد و یا نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند. ۱۸۵ (ر. م ۱۳۱۹)

مسئله ۱۲ - چنان چه کسی از محل قصد اقامه، یا محل توقف سی روز به حال تردید، سفری را شروع کند، اگر بخواهد در حد ترخص آن محل، نماز بخواند، بنابر احتیاط واجب باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند. ۱۸۶ (ع. م ۶۵)

مسئله ۱۳ - کسی که به سفر می‌رود، هرگاه شک کند به حد ترخص رسیده یا نه، باید نماز را تمام بخواند و کسی که از سفر بر

می‌گردد، اگر شك کند به حد ترخص رسیده یا نه، باید نماز را شکسته بخواند. و چون در بعضی موارد اشکال پیدا می‌کند باید آنجا نماز نخواند یا هم شکسته و هم تمام بخواند. ۱۸۷ (م. ۱۳۲۶)

مسئله ۱۴ - مسافری که قصد پیمودن هشت فرسخ یا بیشتر را دارد، چنان چه پس از خروج از حد ترخص وطن، به جهت انحنا و کجی راه، دوباره داخل حد ترخص شود، باید نماز را تمام بخواند ۱۸۸؛ ولی پس از خروج دوباره از حد ترخص، باید نماز را شکسته بخواند هر چند باقی راه تا مقصد، کمتر از مسافت شرعی (هشت فرسخ) باشد. ۱۸۹ * (ع. م ۶۹)

مثال: شخصی اهوازی به قصد اقامت ده روز یا بیشتر، عازم روستایی واقع در پنجاه * کیلومتری اهواز می‌شود. پس از طی ده کیلومتر به علت انحنا و کجی راه، داخل حد ترخص اهواز شده و بعد از دو کیلومتر، دوباره از حد ترخص خارج شد و پس از پیمودن ۳۸ کیلومتر به روستا رسید؛ نماز این شخص در ۳۸ کیلومتر باقیمانده بعد از خروج دوباره از حد ترخص تا روستا شکسته است. ۱۹۰، اما در دو کیلومتری که داخل حد ترخص بود اگر بخواهد نماز بخواند، باید هم شکسته و هم تمام بخواند. ۱۹۱

مسئله ۱۵ - حد ترخص از ویژگی‌های وطن است *** و در مورد محل قصد اقامه و محل توقف سی روز به حال تردید، ثبوت حد ترخص، مشکوک است ۱۹۲، از این رو در حد ترخص این دو، باید احتیاط نمود، * و اما در غیر این سه مورد ** بطور قطع، حد ترخص اعتباری ندارد و مسافر از حین شروع سفر، باید نماز را شکسته بخواند. ۱۹۳ (ع. م ۶۵)

مثال ۱: شخصی اهوازی، برای بدرقه مسافر، تا روستایی واقع در ده کیلومتری اهواز می‌رود و در آن جا تصمیم می‌گیرد همراه مسافر به سفر برود. این شخص همین که به قصد سفر به راه افتاد، نمازش شکسته خواهد بود و لازم نیست حد ترخص آن روستا را رعایت کند. ۱۹۴

سؤال ۵۱ - ابتدای مسافت شرعی برای شخص فوق‌الذکر، کدام یک از موارد زیر است:

الف - آخرین محدوده عرفی شهر اهواز.

ب - آخرین محدوده عرفی روستا.

ج - نقطه آغاز سفر

مثال ۲: استاد یا دانشجو یا کارمند یا راننده‌ای که به اقتضای شغل، در مسیر آبادان - اهواز رفت و آمد می‌کند (و به علت کثیرالسفر بودن، نماز را تمام می‌خواند) در یکی از سفرهای شغلی به اهواز، در آن جا تصمیم گرفت برای زیارت به قم مشرف شود. این شخص همین که از اهواز به طرف قم حرکت کرد، باید نماز را شکسته بخواند و رعایت حد ترخص اهواز لازم نیست.

خلاصه

- حد ترخص، محلی را گویند که دیوار شهر از آن جا دیده نمی‌شود و صدای اذان شهر در آن جا شنیده نمی‌شود.
- کسی که به مسافرت می‌رود، از حد ترخص به بعد، باید نماز را شکسته بخواند .
- اگر کسی از محلی مسافرت نماید که دیوار ندارد چنان چه به قدری دور شود که اگر آن جا دیوار داشت، دیده نمی‌شد، به حد ترخص رسیده است .
- کسی که از مسافرت باز می‌گردد، وقتی به حد ترخص وطن رسید، باید نماز را تمام بخواند.
- مسافری که قصد دارد، در محلی ده روز یا بیشتر توقف کند، وقتی به حد ترخص آن محل رسید، باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند. و یا نماز را تاخیر بیندازد و در منزل تمام بخواند.
- چنان چه کسی از محل قصد اقامه، عازم سفر شود، وقتی به حد ترخص آن محل رسید، اگر بخواهد نماز بخواند، باید هم شکسته و هم تمام بخواند.

- کسی که به مسافرت می‌رود، اگر شک کند که آیا به حد ترخص رسیده یا نه، باید نماز را تمام بخواند و کسی که از مسافرت باز می‌گردد، اگر شک کند که آیا به حد ترخص وطن رسیده، یا نه، باید نماز را شکسته بخواند.

- حد ترخص از ویژگی‌های وطن است و در غیر وطن، حد ترخص اعتبار ندارد؛ اما در مورد محل اقامه و توقف سی روز به حال تردید، ثبوت حد ترخص، مشکوک است، از این رو در حد ترخص این دو، باید نماز را هم شکسته و هم تمام خواند.

فصل نهم

* - در قدیم اطراف شهرها دیوار می‌کشیدند ولی در حال حاضر که شهرها دیوار ندارند، ملاک و میزان، دیوار آخرین خانه‌های شهر است.

** - دیدن شیب دیوارها اشکال ندارد.

۱۷۳ - گلپایگانی (ر.م ۱۳۲۶)، بهجت (ر.م ۱۰۶۸)، خامنه‌ای (س ۶۵۰) و فاضل (۱۳۳۹): حکم مسأله همان است که امام راحل (ره) فرموده‌اند.

اراکي (ر.م ۱۳۱۰)، خوئی (ر.م ۱۲۹۲)، تبریزی (ر.م ۱۲۹۲)، زنجانی (ر.م ۱۲۹۲) و مکارم (ر.م ۱۱۵۵): دیده شدن و دیده نشدن دیوارها اثری ندارد، بلکه علامت رسیدن به حد ترخص این است که اذان شهر را نشنود و اهل شهر او را نبینند (و نشانه آن این است که او آنها را نبیند).

بهجت، خامنه‌ای و فاضل: حکم مسأله همان است که امام راحل (ره) فرموده‌اند.

گلپایگانی (ر.م ۱۳۲۶): اگر به قدری دور شود که دیوار خانه‌های شهر کاملاً معلوم نباشد ولی شیب آنها نمایان باشد، احتیاط واجب آن است که نماز نخواند تا وقتی که شیب محو شود، یا اگر خواست نماز بخواند، هم شکسته و هم تمام بخواند.

اراکي، خوئی، تبریزی، زنجانی و مکارم: بلکه همین قدر که مردم شهر او را نبینند، کافی است.

۱۷۴- اراکي، خوئی، تبریزی، زنجانی و مکارم: به طوری که مسافر از فاصله دور هم دیده شود.

۱۷۵- اراکي، خوئی، تبریزی، زنجانی و مکارم: مسافر دیده نشود (علامتش این است که مسافر از آن جا اهل آن شهر را نبیند).

۱۷۶- اراکي، خوئی، تبریزی، زنجانی و مکارم: مسافر در آن جا دیده نمی‌شد (علامتش این است که مسافر از آن جا اهل آن شهر را نمی‌دید).

۱۷۷- چنان که گذشت به نظر آیات عظام اراکي، خوئی، تبریزی، زنجانی و مکارم دیده شدن و دیده نشدن خانه‌های شهر، هیچ نقشی ندارد. (برای توضیح بیشتر به مسئله ۱ همین فصل مراجعه فرمایید).

۱۷۸- اراکي، خوئی، تبریزی، زنجانی و مکارم: که اگر مانع نبود، مردم شهر او را نمی‌دیدند.

۱۷۹- اراکي (ر.م ۱۳۱۴)، خوئی (ر.م ۱۳۳۰)، تبریزی (ر.م ۱۳۳۰)، زنجانی (ر.م ۱۳۳۰) و مکارم: اگر از محلی مسافرت کند که ساکنینی ندارد وقتی به جایی برسد که اگر آن محل ساکنینی داشت، او را در آن جا نمی‌دیدند، همان جا حد ترخص است و باید نماز را شکسته بخواند.

گلپایگانی، بهجت، خامنه‌ای و فاضل: حکم مسأله همان است که امام راحل (ره) فرموده‌اند.

۱۸۰- خوئی (ر.م ۱۳۳۱)، گلپایگانی (ر.م ۱۳۳۱)، تبریزی (ر.م ۱۳۳۱)، زنجانی (ر.م ۱۳۳۱) و فاضل (ر.م ۱۳۴۴): حکم مسئله همان است که امام راحل (ره) فرموده‌اند.

اراکي (ر.م ۱۳۱۵): باید اصلاً صدای اذان شهر را نشنود و اگر صدایی بشنود ولی تشخیص ندهد که اذان است یا غیر اذان، بنا بر احتیاط واجب، باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند.

مکارم (ر.م ۱۱۵۷): باید اصلاً صدای اذان شهر را نشنود و اگر صدایی بشنود ولی تشخیص ندهد که اذان است یا غیر اذان، باید نماز

را تمام بخواند.

بہجت و خامنه‌ای:؟

۱۸۱- همه مراجع معظم تقلید در حکم این مسأله اتفاق نظر دارند.

۱۸۲- همه مراجع معظم تقلید در حکم این مسأله اتفاق نظر دارند.

۱۸۳- اراکی، خوئی، تبریزی و مکارم: ولی مردم شهر او را ببینند.

گلپایگانی، بہجت، خامنه‌ای و فاضل: حکم مسأله همان است که امام راحل (ره) فرموده‌اند.

زنجان: (ر.م ۱۳۲۷): ولی دیوار شهر را ببیند و اهل شهر او را نبیند.

۱۸۴- اراکی (ر.م ۱۳۱۱)، خوئی (ر.م ۱۳۲۷)، تبریزی (ر.م ۱۳۲۷)، زنجان (ر.م ۱۳۲۷)، مکارم (ر.م ۱۱۵۵): یا مردم شهر او را

نبیند.

گلپایگانی (ر.م ۱۳۲۷)، بہجت (ر.م ۱۰۶۹)، خامنه‌ای (س ۶۸۹) و فاضل (ر.م ۱۳۴۰): حکم مسأله همان است که امام راحل (ره)

فرموده‌اند.

* - چون قصد اقامه کرده، لذا نمازش در آن جا تمام است.

۱۸۵- اراکی (ر.م ۱۳۱۲)، گلپایگانی (ر.م ۱۳۲۸)، زنجان (ر.م ۱۳۲۸) و مکارم (ع.م ۶۵): مسافری که می‌خواهد ده روز یا بیشتر

در محلی بماند، وقتی به حد ترخص آنجا رسید، باید نماز را تمام بخواند. (مثل وطن).

خوئی (ر.م ۱۳۲۸) و تبریزی (ر.م ۱۳۲۸): در غیر وطن، حد ترخص اعتباری ندارد. بنابراین، مادامی که به محل قصد اقامه نرسیده،

نمازش شکسته است.

بہجت (ر.م ۱۰۷۲ و استفتا)، خامنه‌ای (س ۶۵۰) و فاضل (ر.م ۱۳۴۱): حکم مسأله همان است که امام راحل (ره) فرموده‌اند.

۱۸۶- اراکی (ر.م ۱۳۱۰)، گلپایگانی (ر.م ۱۳۲۶)، بہجت (ر.م ۱۰۶۸ و استفتا)، زنجان (ر.م ۱۳۲۶) و مکارم (ر.م ۱۱۵۵): احتیاط

لازم نیست و نمازش در آنجا شکسته است (مثل حد ترخص وطن).

خوئی (ر.م ۱۳۲۶) و تبریزی (ر.م ۱۳۲۶): در غیر وطن، حد ترخص اعتباری ندارد و همین که از آن محل خارج شد، باید نماز را

شکسته بخواند.

خامنه‌ای (استفتا) و فاضل (ع.م ۶۵): حکم مسأله همان است که امام راحل (ره) فرموده‌اند.

* - البته به شرطی که قصد اولیه اش مبنی بر پیمودن مسافت شرعی، هنوز باقی باشد.

۱۸۷- اراکی (ر.م ۱۳۱۹)، خوئی (ر.م ۱۳۳۵)، گلپایگانی (ر.م ۱۳۳۵)، تبریزی (ر.م ۱۳۳۵)، فاضل (ر.م ۱۳۴۸)، و مکارم (ر.م

۱۱۵۷): حکم مسأله همان است که امام راحل (ره) فرموده‌اند.

بہجت و خامنه‌ای: (حکم مسأله همان است که امام راحل (ره) فرموده‌اند. ن)

زنجان (ر.م ۱۳۳۵): بنابر احتیاط واجب، باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند.

۱۸۸- اراکی (ع.م ۶۹)، خوئی (ع.م ۶۹)، گلپایگانی (ع.م ۶۹)، بہجت (استفتا)، خامنه‌ای (س ۶۷۱)، فاضل (ع.م ۶۹) و مکارم (ع.م

۶۹): احتیاط لازم نیست و باید نماز را در آن جا تمام بخواند.

تبریزی (استفتا) حکم مسأله همان است که امام راحل (ره) فرموده‌اند.

زنجان:؟

۱۸۹- اراکی (ع.م ۶۹)، گلپایگانی (ع.م ۶۹)، بہجت (استفتا) و مکارم (ع.م ۶۹): اگر باقی راه کمتر از مسافت شرعی باشد، باید نماز

را تمام بخواند.

خوئی (ع.م. ۶۹)، تبریزی (استفتا)، خامنه‌ای (س ۶۷۱) و فاضل (ع.م. ۶۹): حکم مسأله همان است که امام راحل (ره) فرموده‌اند. زنجانی؟

* - مسافت شرعی، ۴۰ یا ۴۳ یا ۴۵ کیلومتر است (برای توضیح بیشتر به فصل اول مراجعه فرمایید).

** - یعنی هرگاه کسی از وطن خود اقدام به مسافرت نماید، از حد ترخص به بعد، باید نماز را شکسته بخواند و موقع بازگشت از سفر، تا قبل از حد ترخص، نمازش شکسته است و از آن جا باید نماز را تمام بخواند.

۱۹۰- اراکی، گلپایگانی، بهجت و مکارم: نمازش تمام است (چون ۳۸ کیلومتر، کمتر از مسافت شرعی است).

خوئی، تبریزی، خامنه‌ای و فاضل: حکم مسأله همان است که امام راحل (ره) فرموده‌اند.

۱۹۱- اراکی، خوئی، گلپایگانی، بهجت، خامنه‌ای، فاضل و مکارم: باید نماز را تمام بخواند.

تبریزی: حکم مسأله همان است که امام راحل (ره) فرموده‌اند.

۱۹۲- اراکی (ع.م. ۶۵)، گلپایگانی (ع.م. ۶۵)، زنجانی (ر.م. ۱۳۲۶ - ۱۳۲۸) و مکارم (ع.م. ۶۵): حد ترخص اختصاص به وطن ندارد

بلکه در مورد محل قصد اقامه و توقف سی روز به حال تردید، نیز اعتبار دارد. بنابراین، در حد ترخص این دو، احتیاط لازم نیست و

مثل حد ترخص وطن، باید عمل کرد (موقع رفتن به سفر، باید نماز را در آن جا شکسته خواند و موقع بازگشت از سفر، باید نماز را

در آن جا تمام خواند).

خوئی (ع.م. ۶۵) و تبریزی (ر.م. ۱۳۲۶ - ۱۳۲۸): حد ترخص، اختصاص به وطن دارد و در مورد محل قصد اقامه و محل توقف سی

روز به حال تردید، به طور قطع، حد ترخص اعتباری ندارد و احتیاط لازم نیست؛ بلکه مسافر به محض خروج از این دو محل، باید

نماز را شکسته بخواند. (برای توضیح بیشتر به مسأله ۱۱ و ۱۲ مراجعه فرمایید).

بهجت (ر.م. ۱۰۶۸ - ۱۰۷۰ - ۱۰۷۲): حد ترخص، اختصاص به وطن ندارد؛ بلکه در مورد محل قصد اقامه و محل توقف سی روز به

حال تردید نیز اعتبار دارد. البته موقع ورود به محل قصد اقامه، در حد ترخص آن جا، بنا بر احتیاط واجب باید نماز را هم شکسته و

هم تمام خواند. (برای توضیح بیشتر به مسأله ۱۱ و ۱۲ مراجعه فرمایید).

خامنه‌ای (استفتا) و فاضل (ع.م. ۶۵): حکم مسأله همان است که امام راحل (ره) فرموده‌اند.

* - بنا بر احتیاط واجب، باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند. (برای توضیح بیشتر به مسأله ۱۱ و ۱۲ همین فصل مراجعه

فرمایید).

** - این سه مورد را قواطع سفر می‌گویند که عبارتند از: وطن، محل قصد اقامه و محل توقف سی روز به حال تردید.

۱۹۳- در مورد اینکه حد ترخص در غیر قواطع سفر (وطن، محل قصد اقامه و محل توقف سی روز به حال تردید) اعتباری ندارد،

همه مراجع معظم تقلید اتفاق نظر دارند.

۱۹۴- سؤال ۷ در فصل دوم مثال دیگری است برای این مطلب.

مسائل متفرقه

***** پرسش‌های مقدماتی *****

- چنانچه مسافر اشتبهاً نماز را تمام بخواند، وظیفه‌اش چیست؟

- کسی که وظیفه‌اش تمام خواندن نماز است اگر نماز را شکسته بخواند، چه حکمی دارد؟

- چنانچه مسافر در بین نماز چهار رکعتی متوجه شود که وظیفه‌اش شکسته خواندن نماز است، چه حکمی دارد؟

- اگر از مسافر، نماز شکسته‌ای فوت شود و بخواهد قضای آن را در وطن به جا آورد، وظیفه‌اش چیست؟

- نماز در هواپیما و قطار به چه نحوی است؟

مسأله ۱ - مسافری که وظیفه‌اش، شکسته خواندن نماز است، چنان چه نماز را تمام بخواند، یکی از حالات زیر را خواهد داشت:
الف - عالم به حکم * و موضوع ** است، و نماز را عمداً تمام خوانده، در این حالت نمازش باطل است و باید دوباره نماز را شکسته بخواند و اگر وقت گذشته باشد، باید دو رکعتی قضا کند. (ر.م. ۱۳۵۷)

ب - عالم به حکم و موضوع است، منتها اشتباهاً و از روی غفلت (طبق عادت)، نماز را تمام خواند در این حالت نیز نمازش باطل است و باید آن را دوباره بخواند. (ر.م. ۱۳۵۸)

ج - عالم به حکم و موضوع است، منتها موقع خواندن نماز، حکم را فراموش کرده بود، لذا نماز را تمام خواند. در این حالت پس از پی بردن به اشتباه چنان چه وقت نماز باقی باشد، باید نماز را دوباره و به صورت شکسته بخواند، و اگر وقت آن گذشته باشد، بنابر احتیاط واجب باید قضای نمازی را که تمام خوانده، به صورت شکسته به جا آورد. (ر.م. ۱۳۵۸)

د - عالم به حکم و موضوع است، منتها موقع خواندن نماز، موضوع (مسافر بودن خود) را فراموش کرده بود، لذا نماز را تمام خواند. در این حالت پس از پی بردن به اشتباه - چنان چه وقت نماز باقی باشد - باید نماز را دوباره به صورت شکسته بخواند، ولی اگر وقت آن گذشته باشد، قضا لازم نیست. (ر.م. ۱۳۶۲)

و - عالم به حکم و موضوع است، ولی بعضی از خصوصیات حکم را نمی‌داند. * در این حالت پس از پی بردن به اشتباه - چنان چه وقت نماز باقی باشد - باید نماز را دوباره شکسته بخواند، و اگر وقت آن گذشته باشد، بنابر احتیاط واجب باید قضای نمازی را که تمام خوانده است، به صورت شکسته به جا آورد. (ر.م. ۱۳۶۰)

ه - عالم به حکم بوده ولی جاهل به موضوع است. * در این حالت پس از پی بردن به اشتباه - چنان چه وقت نماز باقی باشد - باید نماز را دوباره به صورت شکسته بخواند، و اگر وقت آن گذشته باشد، بنابر احتیاط واجب، باید قضای نمازی را که تمام خوانده، به صورت شکسته به جا آورد. (ر.م. ۱۳۶۱)

مثال: شخصی اهوازی، به قصد یک هفته توقف، به روستایی واقع در چهار فرسخی اهواز می‌رود و چون پیش خود یقین داشت که روستا در سه فرسخی اهواز واقع شده است، لذا خود را در آن روستا مسافر نمی‌دانست و نماز را تمام می‌خواند؛ روز هفتم بعد از خواندن نماز ظهر و عصر به اشتباه خود پی برد. این شخص نماز ظهر و عصر آن روز را باید دوباره به صورت شکسته بخواند و نیز همه نمازهایی را که در این مدت چهار رکعتی خوانده، باید به صورت شکسته قضا کند. ۲۰۱

ی - عالم به موضوع بوده ولی جاهل به حکم است **، در این حالت نمازش صحیح می‌باشد ۲۰۲. (ر.م. ۱۳۵۹)

مسأله ۲ - کسی که وظیفه‌اش، تمام خواندن نماز است، چنان چه آن را شکسته بخواند، در هر صورت نمازش باطل است و باید دوباره به صورت تمام بخواند * حتی مسافری که قصد ماندن ده روز یا بیشتر در جایی را داشته و به جهت ندانستن حکم مسأله، نماز را شکسته خوانده است. ۲۰۳. (ر.م. ۱۳۶۳)

مسأله ۳ - چنان چه مسافر، مشغول نماز چهار رکعتی شود و پیش از رکوع سوم، ملتفت شود که وظیفه‌اش، شکسته خواندن نماز است؛ باید نماز را دو رکعتی تمام کند؛ ** اما اگر در رکوع سوم یا بعد از آن ملتفت شود، نمازش باطل است و باید دوباره آن را شکسته به جا آورد. ۲۰۴. (ر.م. ۱۳۶۴ و ۱۳۶۵)

مسأله ۴ - مسافری که باید نماز را تمام بخواند * اگر به واسطه ندانستن مسأله، مشغول نماز دو رکعتی شود و در بین نماز متوجه اشتباه خود شود، باید نماز را چهار رکعتی به اتمام برساند. ۲۰۵. (ر.م. ۱۳۶۶)

مسأله ۵ - مسافری که نماز نخوانده اگر پیش از تمام شدن وقت نماز به وطن - یا به جایی که می‌خواهد ده روز یا بیشتر در آنجا بماند - برسد، باید نماز را تمام بخواند و کسی که مسافر نیست؛ اگر در اول وقت، نماز نخواند و مسافرت کند، در سفر باید نماز را

شکسته بخواند. ۲۰۶ (ر.م ۱۳۶۷)

مسئله ۶ - اگر از مسافری که باید نماز را شکسته بخواند، نماز ظهر، یا عصر و یا عشا قضا شود، باید آن را دو رکعتی (شکسته) قضا کند، هر چند در غیر سفر بخواهد قضای آن را به جا آورد و اگر از کسی که مسافر نیست یکی از این سه نماز قضا شود، باید چهار رکعتی قضا نماید، هر چند در سفر بخواهد قضای آنرا به جا آورد. ۲۰۷ (ر.م ۱۳۶۸)

مسئله ۷ - مستحب است مسافر، بعد از هر نمازی که شکسته می‌خواند، سی مرتبه بگوید: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله والله اکبر» ۲۰۸. (ر.م ۱۳۶۹)

مسئله ۸ - مسافر می‌تواند در مسجد الحرام و مسجد پیغمبر (ص) و مسجد کوفه، نماز را تمام بخواند، ولی اگر بخواهد در جایی که اول جزء این مساجد نبوده و بعد به این مساجد اضافه شده نماز بخواند، احتیاط مستحب آن است که شکسته بخواند اگر چه اقوی صحت تمام است و نیز مسافر می‌تواند در حرم و رواق حضرت سیدالشهداء (ع) - بلکه در مسجد متصل به حرم - نماز را تمام بخواند. ۲۰۹ (ر.م ۱۳۵۶)

مسئله ۹ - نماز در هواپیما (و قطار) با مراعات جهت قبله جایز است و چنان چه در اثنای نماز، هواپیما جهت خود را به چپ یا راست تغییر دهد و نماز گزار بعد از سکوت از قرائت و ذکر - جهت خود را به سوی قبله بگرداند، نمازش صحیح است، اما اگر هواپیما آن چنان تغییر جهت دهد که نماز گزار پشت به قبله قرار گیرد، نمازش باطل خواهد بود. ۲۱۰

* - یعنی، می‌داند که مسافر، باید نماز را شکسته بخواند.

** - یعنی می‌داند که مسافر است. (توضیح جاهل به موضوع در صفحه بعد خواهد آمد).

۱۹۵ - همه مراجع معظم تقلید در حکم این مسئله اتفاق نظر دارند.

۱۹۶ - اراکی (ر.م ۱۳۵۱)، خوئی (ر.م ۱۳۶۷)، تبریزی (ر.م ۱۳۶۷)، زنجانی (ر.م ۱۳۶۷)، فاضل (ر.م ۱۳۸۰)، و مکارم (ر.م ۱۱۸۳): حکم مسئله همان است که امام راحل (ره) فرموده‌اند.

گلپایگانی (ر.م ۱۳۶۷): چنان چه وقت نماز باقی باشد، باید دوباره، نماز را شکسته بخواند ولی اگر وقت گذشته باشد، قضا لازم نیست.

بہجت و خامنه‌ای:؟

* - مثلاً، نمی‌داند که در سفر هشت فرسخی، باید نماز را شکسته بخواند (فکر می‌کند، باید سفر خیلی طولانی باشد تا سفر شکسته شود)، یا در سفر معصیت توبه کرده و نمی‌داند که بعد از توبه، باید نماز را شکسته بخواند، یا کثیرالسفر است و نمی‌داند که در سفر اول شغلی، نماز شکسته است.

۱۹۷ - اراکی (ر.م ۱۳۵۰)، خوئی (ر.م ۱۳۶۶)، گلپایگانی (ر.م ۱۳۶۶) و تبریزی (ر.م ۱۳۶۶): چنان چه وقت نماز باقی باشد، باید آن را دوباره به صورت شکسته بخواند ولی اگر وقت نماز گذشته باشد، قضا لازم نیست.

بہجت و خامنه‌ای:؟

زنجانی (ر.م ۱۳۶۶): نمازی که به صورت تمام خوانده، باطل است و باید دوباره، آن را شکسته بخواند چه وقت نماز باقی باشد و چه گذشته باشد.

فاضل (ر.م ۱۳۷۹): و مکارم (ع.م ۳) حکم مسئله همان است که امام راحل (ره) فرموده‌اند.

۱۹۸ - همه مراجع معظم تقلید در حکم این مسئله اتفاق نظر دارند.

۱۹۹ - اراکی (ر.م ۱۳۵۳)، زنجانی (ر.م ۱۳۶۹) و فاضل (ر.م ۱۳۸۲): نمازی که خوانده باطل است و باید دوباره بخواند (چه وقت نماز باقی باشد و چه وقتش گذشته باشد).

خوئی (ر.م ۱۳۶۹)، گلپایگانی (ر.م ۱۳۶۹) و تبریزی (ر.م ۱۳۶۹): چنانچه وقت نماز باقی باشد، باید نماز را دوباره به صورت شکسته بخواند، ولی اگر وقت آن گذشته باشد، قضا لازم نیست.

بهجت (ر.م ۱۱۰۵) و مکارم (ر.م ۱۱۸۴): حکم مسأله همان است که امام راحل (ره) فرموده‌اند.

* - یعنی می‌داند که مسافر باید نماز را شکسته بخواند ولی مسافر بودن خود را نمی‌داند، لذا نماز را تمام می‌خواند.

** - می‌داند که مسافر است ولی نمی‌داند که مسافر باید نماز را شکسته بخواند.

۲۰۰- اراکی (ر.م ۱۳۵۴)، زنجانی (ر.م ۱۳۷۰) و فاضل (ر.م ۱۳۸۳): نمازی که خوانده باطل است و باید دوباره به صورت شکسته بخواند چه وقت نماز باقی باشد و چه وقتش گذشته باشد.

خوئی (ر.م ۱۳۷۰)، گلپایگانی (ر.م ۱۳۷۰) و تبریزی (ر.م ۱۳۷۰): چنانچه وقت نماز باقی باشد، باید نماز را دوباره به صورت شکسته بخواند، ولی اگر وقت آن گذشته باشد، قضا لازم نیست.

بهجت (ر.م ۱۱۰۶)، خامنه‌ای (استفتا) و مکارم (ع.م ۳): حکم مسأله همان است که امام راحل (ره) فرموده‌اند.

۲۰۱- خوئی، گلپایگانی و تبریزی: نماز ظهر و عصر آن روز را باید دوباره به صورت شکسته بخواند ولی نمازهایی که در این مدت، اشتباهاً چهار رکعتی خوانده، لازم نیست قضا کند.

* - مثال: شخصی به جهت ندانستن حکم کثیرالسفر، در همه سفرهای شغلی، نماز را شکسته خوانده، این شخص پس از پی‌بردن به اشتباه خود، باید همه آن نمازها را، دوباره به صورت تمام بخواند.

** - یعنی اگر قبل از بلند شدن به رکعت سوم ملتفت شود، در رکعت دوم، سلام می‌دهد و اگر بعد از شروع رکعت سوم ملتفت شود، می‌نشیند و با سلام نماز را تمام می‌کند. (برای قیام بیجا، دو سجده سهو به جا می‌آورد).

۲۰۲- همه مراجع معظم تقلید در حکم این مسأله اتفاق نظر دارند.

۲۰۳- اراکی (ر.م ۱۳۶۳) و مکارم (ر.م ۱۱۸۶): مسافری که قصد ماندن ده روز یا بیشتر در جایی داشته و به جهت ندانستن حکم مسأله، نماز را شکسته خوانده، بعد از دانستن حکم مسأله، آن نمازها را، بنابر احتیاط واجب باید دوباره چهار رکعتی بخواند.

خوئی (ر.م ۱۳۷۲)، تبریزی (ر.م ۱۳۷۲) و زنجانی (ر.م ۱۳۷۲): مسافری که قصد ماندن ده روز یا بیشتر در جایی داشته و به جهت ندانستن حکم مسأله، نماز را شکسته خوانده، بعد از دانستن حکم مسأله، باید نماز را تمام بخواند؛ ولی نمازهای شکسته‌ای که قبل از آن خوانده صحیح است و لازم نیست آنها را دوباره چهار رکعتی بخواند.

گلپایگانی (ر.م ۱۳۷۲) و فاضل (ر.م ۱۳۸۵): حکم مسأله همان است که امام راحل (ره) فرموده‌اند.

بهجت و خامنه‌ای؟

۲۰۴- اراکی (ر.م ۱۳۵۷ - ۱۳۵۸)، خوئی (ر.م ۱۳۷۳ - ۱۳۷۴)، گلپایگانی (ر.م ۱۳۷۳ - ۱۳۷۴)، زنجانی (ر.م ۱۳۷۳ - ۱۳۷۴)، فاضل (ر.م ۱۳۸۶ - ۱۳۸۷)، و مکارم (ر.م ۱۱۸۷): حکم مسأله همان است که امام راحل (ره) فرموده‌اند.

بهجت و خامنه‌ای؟

تبریزی (ر.م ۱۳۷۳ - ۱۳۷۴): حکم مسأله همان است که امام راحل (ره) فرموده‌اند؛ مگر در مورد مسافری که به جهت ندانستن بعضی از خصوصیات نماز مسافر (مثلاً نمی‌داند که اگر چهار فرسخ برود و چهار فرسخ برگردد، باید نماز را شکسته بخواند) مشغول نماز چهار رکعتی شود. چنین شخصی چنانچه قبل از بلند شدن به رکعت سوم، ملتفت وظیفه خود شود، باید نماز را دو رکعتی به اتمام رساند و نمازش صحیح است؛ ولی اگر بعد از بلند شدن به رکعت سوم و قبل از رکوع سوم ملتفت شود، باید نماز را دو رکعتی به اتمام رسانده و بنابر احتیاط واجب، دوباره همان نماز را به صورت دو رکعتی بخواند، و اگر در رکوع سوم (یا بعد از آن) ملتفت شود، نمازش باطل است.

* - مثلاً به جهت قصد اقامه، یا کثیرالسفر بودن، یا معصیت بودن سفر و یا

۲۰۵- همه مراجع معظم تقلید در حکم این مسأله اتفاق نظر دارند.

۲۰۶- همه مراجع معظم تقلید در حکم این مسأله اتفاق نظر دارند.

۲۰۷- همه مراجع معظم تقلید در حکم این مسأله اتفاق نظر دارند.

۲۰۸- همه مراجع معظم تقلید در حکم این مسأله اتفاق نظر دارند.

۲۰۹- اراکی (ر.م ۱۳۴۹)، بهجت (ر.م ۱۱۰۲) و فاضل (ر.م ۱۳۷۸): نماز را تمام بخواند. بلکه مسافر در کل شهر مکه و مدینه، می‌تواند نماز را تمام بخواند .

خوئی (ر.م ۱۳۶۵) و تبریزی (ر.م ۱۳۶۵): مسافر می‌تواند در تمام شهر مکه و مدینه و در مسجد کوفه، نماز را تمام بخواند، و نیز مسافر می‌تواند در حرم حضرت سیدالشهداء، نماز را تمام بخواند اگر چه دورتر از اطراف ضریح مقدس نماز بخواند.

گلپایگانی (ر.م ۱۳۶۵): مسافر می‌تواند در شهر مکه و مدینه و مسجد کوفه، نماز را تمام بخواند، ولی اگر بخواهد در جایی که اول جزء مسجد کوفه نبوده و بعد به این مسجد اضافه شده، نماز بخواند، احتیاط واجب آن است که، شکسته بخواند و نیز مسافر می‌تواند در حائر حضرت سیدالشهدا (ع) نماز را تمام بخواند ولی اگر دورتر از اطراف ضریح مقدس نماز بخواند، احتیاط واجب آن است که، شکسته به جا آورد.

زنجانی (ر.م ۱۳۶۵): در شهرهای مکه و مدینه و نجف یا کوفه و کربلا، تأکید بسیار شده که مسافر قصد اقامه ده روز کرده و نماز را تمام بخواند، ولی تا قصد اقامه نکرده مانند سایر شهرها، باید نماز را شکسته بخواند.

فاضل (ر.م ۱۳۷۸): حکم مسأله، همان است که امام راحل (ره) فرموده‌اند، منتها در مساجد مزبور فرقی بین بنای اصلی و اولیه و آنچه بعداً اضافه شده نمی‌باشد و مسافر مطلقاً می‌تواند در آنها، نماز را تمام بخواند .

مکارم (ر.م ۱۱۸۲): در این اماکن چهارگانه فرقی بین بنای اصلی و اضافاتی که بعداً بر آن افزوده شده یا در آینده افزوده می‌شود نیست و مسافر، مطلقاً می‌تواند در آنها، نماز را تمام بخواند هر چند شکسته خواندن نماز، افضل است .

خامنه‌ای: ؟

* - تحریر الوسيله، المسائل المستحدثه .

احکام روزه مسافر

***** پرسش‌های مقدماتی *****

- مسافرت در ماه رمضان چه حکمی دارد؟

- در چه مواردی مسافر، میتواند روزه بگیرد؟

- چنان چه مسافر اشتبهاً روزه بگیرد چه حکمی دارد؟

- اگر روزه‌دار، اقدام به مسافرت کند، وظیفه‌اش نسبت به روزه آن روز چیست ؟

- اگر مسافر در ماه مبارک رمضان - قبل از ظهر یا بعد از ظهر - به وطن برسد، وظیفه‌اش نسبت به روزه آن روز چیست ؟

مسأله ۱ - مسافری که باید نمازهای چهار رکعتی را دو رکعت بخواند، نباید روزه بگیرد و مسافری که نمازش را تمام می‌خواند - مثل کسی که شغلش مسافرت است یا سفرش، سفر معصیت است - باید روزه واجب را نیز بگیرد. * (ر.م ۱۷۱۴)

مسأله ۲ - مسافرت در ماه رمضان اشکال ندارد، ولی اگر برای فرار از روزه باشد، مکروه است. ۲۱۱ (ر.م ۱۷۱۵)

مسأله ۳ - اگر کسی نذر کند روزه بگیرد و روز آن را معین نکند، نمی‌تواند آن را در سفر به جا آورد، ولی اگر نذر کند روز

معینی را - چه مسافر باشد یا نباشد - روزه بگیرد، باید آن روز را - هر چند مسافر باشد - روزه بگیرد. ۲۱۲ (ر.م ۱۷۱۷)

مسئله ۴ - کسی که نمی‌داند روزه مسافر باطل است (جاهل به حکم است)، اگر در سفر روزه بگیرد و در بین روز مسأله را بفهمد، روزه‌اش باطل می‌شود و اگر تا مغرب (موقع افطار) نفهمد، روزه‌اش صحیح است. ۲۱۳ (ر.م ۱۷۱۹)

مسئله ۵ - اگر کسی فراموش کند که مسافر است یا فراموش کند که روزه مسافر باطل می‌باشد و در سفر روزه بگیرد، روزه او باطل است. ۲۱۴ (ر.م ۱۷۲۰)

مسئله ۶ - اگر روزه‌دار بعد از ظهر مسافرت کند، باید روزه خود را تمام نماید و اگر پیش از ظهر مسافرت کند، وقتی به حد ترخص * رسید، روزه‌اش باطل می‌شود - چه از شب، نیت سفر داشته باشد یا نه ۲۱۵ - و اگر پیش از حد ترخص، روزه را باطل کند، احتیاطاً کفاره * * بر او واجب می‌شود. ۲۱۶ (ر.م ۱۷۲۱)

مسئله ۷ - اگر مسافر، پیش از ظهر به وطنش یا به جایی برسد که می‌خواهد ده روز یا بیشتر در آن جا بماند - چنان چه کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده است - باید آن روز را روزه بگیرد و اگر انجام داده، نمی‌تواند آن روز را روزه بگیرد. ۲۱۷ (ر.م ۱۷۲۲)

مسئله ۸ - اگر مسافر بعد از ظهر به وطن یا جایی برسد که می‌خواهد ده روز یا بیشتر در آن جا بماند، نمی‌تواند آن روز را روزه بگیرد. ۲۱۸ (ر.م ۱۷۲۳)

مسئله ۹ - برای مسافر و کسی که از روزه گرفتن معذور است، مکروه است در روز ماه رمضان جماع نماید و در خوردن و آشامیدن کاملاً خود را سیر کند. ۲۱۹ (ر.م ۱۷۲۴)

* - مسافری که بنا بر احتیاط واجب، باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند، باید در مورد روزه نیز احتیاط نماید یعنی، روزه را بگیرد و بعداً نیز همان روزه را قضا نماید، مگر به نظر آیت الله تبریزی که قضای آن روزه را لازم نمی‌دانند. از این رو طبق فتوای ایشان دانشجویان کثیرالسفر - که در سفرهای تحصیلی، بنا بر احتیاط واجب، نماز را هم شکسته و هم تمام می‌خوانند - در ماه مبارک رمضان، در این سفرها، باید روزه را بگیرند و همان روزه کافی است و قضا لازم نیست.

۲۱۰ - همه مراجع معظم تقلید در حکم این مسأله اتفاق نظر دارند.

۲۱۱ - همه مراجع معظم تقلید در حکم این مسأله اتفاق نظر دارند.

۲۱۲ - همه مراجع معظم تقلید در حکم این مسأله اتفاق نظر دارند.

۲۱۳ - همه مراجع معظم تقلید در حکم این مسأله اتفاق نظر دارند.

* - برای توضیح حد ترخص به فصل هشتم مراجعه فرمائید.

* * - یعنی باید یک برده آزاد نماید، یادو ماه روزه بگیرد، یا شصت فقیر را سیر کند.

۲۱۴ - همه مراجع معظم تقلید در حکم این مسأله اتفاق نظر دارند.

۲۱۵ - اراکی (ر.م ۱۷۵۴)، گلپایگانی (ر.م ۱۷۳۰)، بهجت (ر.م ۱۳۵۷)، خامنه‌ای (استفتا)، فاضل (ر.م ۱۷۸۷) و مکارم (ر.م ۱۴۴۷): حکم مسأله همان است که امام راحل (ره) فرموده‌اند.

خوئی (ر.م ۱۷۳۰): چنان چه از شب قصد مسافرت داشته، وقتی به حد ترخص برسد، روزه‌اش باطل می‌شود؛ اما اگر از شب قصد مسافرت نداشت و صبح تصمیم گرفت به مسافرت برود، در این صورت نمی‌تواند روزه را بشکند؛ بلکه بنا بر احتیاط واجب روزه آن روز را تمام کند و بعداً قضایش را نیز به جا آورد.

تبریزی (ر.م ۱۷۳۰): چنان چه از شب قصد مسافرت داشته، وقتی به حد ترخص برسد، روزه‌اش باطل می‌شود؛ اما اگر از شب قصد مسافرت نداشته و صبح تصمیم گرفت مسافرت نماید، در این صورت نمی‌تواند روزه را بشکند؛ بلکه بنا بر احتیاط واجب باید روزه

آن روز را تمام کند (این روزه صحیح است و بعداً لازم نیست قضای آن را به جا آورد).
 زنجانی (ر.م ۱۷۳۰): چنان چه از شب در فکر سفر بوده، وقتی به حد ترخص برسد می‌تواند روزه را بخورد و می‌تواند روزه را به امید قبولی، به اتمام برساند؛ ولی بنابر احتیاط واجب باید قضای آن را نیز به جا آورد؛ اما اگر از شب در فکر سفر نبوده - حتی به نحو تردید - و در روز مسافرت کند، باید روزه را به اتمام برساند (این روزه صحیح است و لازم نیست بعداً قضای آن را به جا آورد).

- ۲۱۶- اراکی (ر.م ۱۷۵۴) و فاضل (ر.م ۱۷۸۷): بنابر احتیاط، کفاره بر او واجب می‌شود.
 خوئی (ر.م ۱۷۳۰)، تبریزی (ر.م ۱۷۳۰) و مکارم (ر.م ۱۴۴۷): کفاره بر او واجب است.
 گلپایگانی، بهجت، خامنه‌ای:؟ (از فتاوی این سه بزرگوار نیز استفاده می‌شود که کفاره واجب است. ن).
 زنجانی (ر.م ۱۷۳۰): پیش از رسیدن به حد ترخص جایز نیست روزه را بخورد، ولی اگر روزه را خورد کفار ندارد.
 ۲۱۷- همه مراجع معظم تقلید در حکم این مسأله اتفاق نظر دارند.
 ۲۱۸- همه مراجع معظم تقلید در حکم این مسأله اتفاق نظر دارند.
 ۲۱۹- همه مراجع معظم تقلید در حکم این مسأله اتفاق نظر دارند.

نماز جمعه و جماعت مسافر

مسأله ۱ - چنان چه امام جماعت کثیرالسفر (من شغله فی السفر*) بوده و مقلد**مرجعی باشد که نماز کثیرالسفر را تمام میدانند؛ شخصی که فتوای مرجع تقلیدش بر شکسته بودن نماز کثیرالسفر است، نمی‌تواند در نمازهای ظهر، عصر و عشا به او اقتداء کند.
 و اگر اقتدا کرد، نمازش باطل خواهد بود. ۲۲۰ (ع. ف. ۴۷ م ۳۱ - س ۵۳۲)

مثال: امام جماعت ساکن شهر اهواز، که در مسجد شهر کی واقع در سی کیلومتری اهواز اقامه نماز جماعت می‌کند و به جهت کثیرالسفر بودن، طبق فتوای مرحوم آیت الله اراکی نماز را تمام می‌خواند؛ افرادی که مقلد امام راحل یا آیت الله فاضل لنکرانی هستند، نمی‌توانند در نماز ظهر، عصر و عشا به او اقتدا نمایند. *** (ولی مقلدین سایر مراجع می‌توانند به او اقتدا کنند؛ چون فتوای آنها با فتوای آیت الله اراکی، در مورد حکم کثیرالسفر، مطابقت دارد).

توجه: این مسأله در صورتی مطرح می‌شود که امام جماعت کثیرالسفر (من شغله فی السفر) باشد والا اگر امام جماعت، مسافر غیر کثیرالسفر* باشد، یا اصلاً مسافر نباشد و یا «من شغله السفر» باشد، اقتدا به او برای مقلدین همه مراجع معظم تقلید، جایز است.
 سؤال ۵۳ - استادی است ساکن شهر آبادان که برای تدریس در دانشگاه به اهواز می‌رود*** و به جهت کثیرالسفر بودن، طبق فتوای آیت الله اراکی (ره)، نماز را تمام می‌خواند؛ آیا دانشجویان مقلد امام راحل (ره) و آیت الله خامنه‌ای، می‌توانند در نمازهای چهار رکعتی به او اقتدا کنند؟

مسأله ۲ - مسافری که نماز ظهر، عصر و عشا را دو رکعتی می‌خواند، مکروه است در این نمازها به کسی که مسافر نیست اقتدا کند و کسی که مسافر نیست، مکروه است*** در این نمازها به مسافر اقتدا نماید. ۲۲۱ (ر.م ۱۴۹۰)

مسأله ۳ - شخص مسافر می‌تواند در نماز جمعه شرکت کند، ولی امامت جمعه برای او جایز نیست. *** (س ۴۴۰ - ۴۶۸)

* - برای توضیح، اقسام مسافر به مقدمه فصل هفتم مراجعه فرمایید.

** - یا خودش مجتهد باشد و فتوایش بر تمام بودن نماز کثیرالسفر باشد.

*** - همچنین اگر امام جماعت کثیرالسفر بوده و مقلد مرجعی باشد که نماز کثیرالسفر را شکسته می‌داند؛ شخصی که فتوای مرجع تقلیدش بر تمام بودن نماز کثیرالسفر است، نمی‌تواند به او اقتدا کند و اگر اقتدا کرد نمازش باطل خواهد بود

*** - به طور کلی، انسان نمی‌تواند در نماز به کسی اقتدا کند که طبق فتوای مرجع تقلیدش، نماز او باطل است .
 **** - و اگر امام جماعت، مقلد امام راحل یا آیت الله فاضل باشد، مقلدین سایر مراجع، در این نمازها، نمی‌توانند به او اقتدا کنند.

۲۲۰- اراکی (ع.م ۳۱ - س ۱۷)، خوئی (ع.م ۳۱)، گلپایگانی (ع.م ۳۱ - استفتا)، بهجت (استفتا)، تبریزی (استفتا)، خامنه‌ای (استفتا)، زنجانی (استفتا)، فاضل (ع.م ۳۱ - س ۴۲۸) و مکارم (ع.م ۳۱ - استفتا): حکم مسأله همان است که امام راحل (ره) فرموده‌اند .

* - یعنی مسافر باشد، ولی کثیرالسفر نباشد، مثل کسی که برای زیارت یا سیاحت مسافرت کرده است. (برای توضیح بیشتر اقسام مسافر به مقدمه فصل هفتم مراجعه فرمایید).

** - اول هفته به اهواز می‌رود و آخر هفته به آبادان باز می‌گردد.

*** - منظور از کراهت در این جا، این است که ثواب این نماز از نماز جماعت‌های دیگر، کمتر است ولی نسبت به نماز فرادای، ثوابش بیشتر است. (امام، س ۴۷۹).

**** - از شرایط امام جمعه این است که مسافر نباشد.

۲۲۱- همه مراجع معظم تقلید در حکم این مسأله اتفاق نظر دارند.

فصل دوازدهم احکام بلاد کبیره

مقدمه ۲۲۲

با توسعه فراوانی که شهر تهران یافته، به طوری که به بسیاری از حومه‌های اطراف متصل گشته، گرچه ظاهراً یک شهر محسوب می‌شود اما در واقع تهران امروز یک شهر معمولی نبوده بلکه شهرها و مناطق بهم پیوسته است که عرفاً شهر بزرگ نامیده می‌شود و بنا بر فتوای امام راحل (ره) در شهرهای بزرگ هر محله‌ای حکم شهر معمولی را دارد. و بنابر فتوای آیت الله فاضل: بلاد کبیره به شهرهایی گفته می‌شود که رفتن از یک سمت آن به شمت دیگر، عرفاً سفر محسوب شود با این تعرف تهران از بلاد کبیره نیست. این که کدام یک از شهرهای جهان، بزرگ محسوب می‌شوند، بسته به نظر عرف است و هر شهری که عرفاً شهر بزرگ یا از بلاد کبیره بنامند، مشمول احکام آن خواهد بود در سابق نیز مسأله بلاد کبیره در میان فقهای عظام مطرح بوده و شهر قسطنطنیه ۲۲۳ را به عنوان مثال ذکر می‌کردند و در عصر ما شهرهای زیر، از بلاد کبیره یا شهرهای خارق‌العاده فعلی جهان محسوب می‌شوند: ۲۲۴

۱- شانگهای (چین) ۱۱- قاهره (مصر)

۲- مکزیکوسیتی (مکزیک) ۱۲- بانکوک (تایلند)

۳- توکیو (ژاپن) ۱۳- لنینگراد (روسیه)

۴- مسکو (روسیه) ۱۴- جاکارتا (اندونزی)

۵- پکن (چین) ۱۵- تهران (ایران)

۶- بمبئی (هند) ۱۶- تین تسین (چین)

۷- شیکاگو (آمریکا) ۱۷- سانتیاگو (شیلی)

۸- نیویورک (آمریکا) ۱۸- مادرید (اسپانیا)

۹- لندن (انگلستان) ۱۹- دهلی نو (هند)

۱۰- سؤل (کره جنوبی) ۲۰- کراچی (پاکستان)

اینکه شهر تهران از چه زمانی جزو بلاد کبیره درآمده، تشخیص آن به نظر عرف است. ۲۲۵

مسأله ۱- به شهرهایی * که از نظر عرف، بسیار بزرگ و خارق‌العاده هستند - مثل تهران فعلی - بلاد کبیره گفته می‌شود و در حال حاضر در ایران فقط تهران از بلاد کبیره محسوب می‌شود. (س ۲۷۲)

مسأله ۲- در تشخیص این که کدام شهر جزو بلاد کبیره می‌باشد، میزان، نظر عرف است. (س ۲۷۳)

مسأله ۳- اگر انسان شک داشته باشد که شهری جزو بلاد کبیره است یا نه، نباید به احکام بلاد کبیره عمل کند، بلکه در آن جا مثل سایر شهرها عمل می‌کند. (س ۲۷۳)

مسأله ۴- کبیره بودن و یا کبیره نبودن یک شهر، از مسائل تقلیدی نیست. *بنابراین، اگر کسی اعتقاد داشته باشد که تهران از بلاد کبیره نیست، باید طبق اعتقاد خودش عمل کند. (س ۲۷۶)

مسأله ۵- در بلاد کبیره، نمی‌توان در کل شهر، قصد اقامه و یا قصد توطن کرد، بلکه فقط در محدوده یک محله خاص *، باید قصد اقامه و یا قصد توطن نمود. * (س ۲۷۷)

مسأله ۶- اگر کسی در بلاد کبیره، قصد پیمودن هشت فرسخ * یا بیشتر - هر چند در داخل شهر - را داشته باشد، مسافر محسوب می‌شود و باید نماز را شکسته بخواند. (س ۲۸۲)

مسأله ۷- در بلاد کبیره، مبدأ و منتهای مسافت شرعی را - مطلقاً * - از منزل محاسبه می‌کنند. (س ۲۷۷)

مسأله ۸- حد ترخص در بلاد کبیره دو قسم است:

الف - آخر محله: این حد ترخص، مربوط به کسانی است که بعد از کبیره شدن یک شهر، در آن جا متولد شده و یا قصد توطن کرده‌اند. * (س ۲۹۱)

ب - آخرین محدوده شهر قبل از کبیره شدن: این حد ترخص مربوط به کسانی است که قبل از کبیره شدن یک شهر، در آن جا متولد شده و یا قصد توطن کرده‌اند. (س ۲۸۸)

مسأله ۹- اگر شهری قبل از کبیره شدن، وطن کسی باشد، بعد از کبیره شدن، همان محدوده سابق، وطن او محسوب خواهد شد (نه کل شهر بعد از کبیره شدن و نه محله خاص). بنابراین، در صورتی که در آن محدوده رفت و آمد کند، مسافر محسوب نمی‌شود و باید نماز را تمام بخواند؛ اما اگر بخواهد از آن محدوده خارج شود، چنانچه مسافتی که قصد پیمودنش را دارد، هشت فرسخ یا بیشتر باشد، * بعد از خروج از آن محدوده، باید نماز را شکسته بخواند. * (س ۲۸۴ و ۲۹۸ و ۳۰۰)

۲۲۲- مطالب این مقدمه از کتاب رساله نوین اقتباس شده است.

۲۲۳- پایتخت سابق امپراطوری بیزانس و امپراطوری عثمانی که از سال ۱۹۳۰ به استانبول تغییر نام یافت. این شهر، در قرون وسطی از نظر بزرگی و شکوه در اروپا بی‌نظیر بود و در قرن دهم میلادی یک میلیون تن سکنه داشت.

۲۲۴- اطلس گیتاشناسی، چاپ ۱۳۶۰.

۲۲۵- از نظر عرف، تهران بزرگ مشتمل است بر شهر تهران مرکزی، تهران نو، تهرانپارس، یوسف آباد، جوادیه، نارمک و چند منطقه دیگر، و از زمانی که این مناطق به شهر تهران پیوسته و با آن یکی شده، تهران بزرگ نامیده می‌شود. بنابراین، شهر تهران تا قبل از پیوستن به مناطق مذکور، تهران معمولی بوده است.

* - آن چه در این فصل بیان می‌شود، فتاوی امام راحل (ره) می‌باشد.

** - تقلید از مجتهد، فقط در احکام شرعی می‌باشد ولی در تشخیص موضوعات تقلید از مجتهد لازم نیست.

* - تشخیص حدود محله، بستگی به نظر عرف دارد، به طوری که کسانی را که در آن محدوده سکونت دارند، اهل آن محل یا به

اصطلاح بچه آن محل می‌نامند.

*** - به طور کلی، در بلاد کبیره، هر محله حکم یک شهر را دارد .

*** - هشت فرسخ امتدادی یا تلفیقی (برای توضیح بیشتر به فصل اول مسأله ۱۳ مراجعه فرمایید).

*** - چه قبل از کبیره شدن، آن شهر و طنش باشد و چه بعد از کبیره شدن .

*** - چنان که در مسأله ۵ گذشت، چنین افرادی فقط در یک محله خاص می‌توانند قصد توطن کنند.

* - چنان که در مسأله ۷ گذشت، مبدأ و منتهای محاسبه مسافت، منزل می‌باشد .

** - هر چند از شهر خارج نشده باشد.

جواب سؤالات

جواب سؤال ۱ - در مسیر رفت و در روستا، نمازش تمام است، ولی در مسیر بازگشت باید نماز را شکسته بخواند. ۲۲۶ *

جواب سؤال ۲ - در مسیرفرت و در روستانمازش تمام است، ولی در مسیر بازگشت باید نماز را شکسته بخواند. ۲۲۷ **

جواب سؤال ۳ - در مسیر رفت، نمازش شکسته است، ولی در روستا و در مسیر بازگشت، باید نماز را تمام بخواند. ۲۲۸ ***

جواب سؤال ۴ - در همه مواضع نمازش تمام است، چون با تردید در توقف، در واقع تردید نسبت به طی مسافت شرعی (هشت فرسخ) دارد، در حالی که شرط دوم برای شکسته خواندن نماز، قصد طی مسافت شرعی است. ۲۲۹ (ع ف ۶۷)

جواب سؤال ۵ - در همه مواضع، باید نماز را شکسته بخواند، چون ازاول سفر، قصد پیمودن هشت فرسخ را داشته و در بین راه نیز از این قصد منصرف نشده است و هیچ یک از قواطع سفر نیز، تحقق پیدا نکرده است. ۲۳۰

جواب سؤال ۶ - در مسیر رفت و برگشت، نمازش شکسته است، ولی در روستا باید نماز را تمام بخواند. ۲۳۱

جواب سؤال ۷ - تار روستا، نمازش تمام است؛ چون بدون قصد، این مسافت را پیموده است، ولی از لحظه‌ای که به طرف شهر مزبور حرکت می‌کند. (و نیز در خود آن شهر و مسیر بازگشت) باید نماز را شکسته * بخواند. ۲۳۲

جواب سؤال ۸ - از لحظه‌ای که شروع به بازگشت می‌کند - مثلاً وقتی از در بیمارستان خارج شد - باید نماز را شکسته بخواند و رعایت حد ترخص اهواز، لازم نیست. ۲۳۳ *

جواب سؤال ۹ - از اهواز تا روستای «ج» نمازش تمام است، چون بدون قصد پیموده است اما از آن به بعد در همه مواضع، باید نماز را شکسته بخواند؛ چون مسافت شرعی (تلفیقی) *** را قصد کرده است. ۲۳۴

جواب سؤال ۱۰ - از اهواز تا روستای «د» و نیز در خود روستا، نمازش تمام است، ولی در مسیر بازگشت به اهواز باید نماز را شکسته بخواند؛ ۲۳۵ البته به شرطی که در بازگشت هیچ یک از قواطع سفر، تحقق پیدا نکند.

جواب سؤال ۱۱ - از اهواز تا روستای «الف» نمازش تمام است، ولی از آن به بعد، تا مراجعت به اهواز (در بین راه و در روستاها)، باید نماز را شکسته بخواند. ۲۳۶ *

جواب سؤال ۱۲ - در همه مواضع، نمازش شکسته است چون سفرش، مشروط به حصول چیزی نبود. ۲۳۷

جواب سؤال ۱۳ - در مسیر روستا به اهواز و در خود اهواز، نمازش شکسته است، ولی در مسیر بازگشت به روستا، باید نماز را تمام بخواند. ۲۳۸

جواب سؤال ۱۴ - در همه مواضع، نمازش شکسته است؛ چون سفر او مشروط به حصول چیزی، بعد از چهار فرسخ شده و در این صورت نماز شکسته است هر چند اطمینان به حصولش نداشته باشد. ۲۳۹ **

جواب سؤال ۱۵ - نمازش شکسته است، چون مسافت تلفیقی تحقق پیدا می‌کند. ۲۴۰

جواب سؤال ۱۶ - در هر صورت باید نماز را شکسته بخواند؛ چون بدون قصد اقامه ده روز یا بیشتر، حکم سفر، قطع نمی‌شود. ۲۴۱
جواب سؤال ۱۷ - در همه مواضع باید نماز را تمام بخواند؛ چون قصد مسافت شرعی را مشروط به چیزی کرده که اطمینانی به حصولش ندارد. ۲۴۲ (برای توضیح بیشتر به فصل دوم، مسأله ۴ مراجعه فرمایید).

جواب سؤال ۱۸ - در مسیر روستا به اهواز و در خود اهواز، نمازش شکسته است، ولی بعد از انصراف از سفر و در مسیر بازگشت به روستا، باید نماز را تمام بخواند. ۲۴۳

جواب سؤال ۱۹ - در این مدت باید نماز را شکسته بخواند؛ چون از قصد طی مسافت شرعی (هشت فرسخ) منصرف نشده و هیچ کدام از قواطع سفر نیز تحقق پیدا نکرده است. ۲۴۴

جواب سؤال ۲۰ - در مسیر رفتن، نمازش شکسته بود، ولی بعد از انصراف و نیز در مسیر بازگشت، باید نماز را تمام بخواند؛ چون مجموع رفت و برگشت، کمتر از مسافت شرعی (هشت فرسخ) می‌شود. ۲۴۵

جواب سؤال ۲۱ - در هر صورت، نمازش شکسته است؛ چون توقف کمتر از ده روز، قاطع سفر نیست. ۲۴۶

جواب سؤال ۲۲ - در مسیر اهواز به روستا، باید نماز را شکسته بخواند و مدتی که در روستا، مردد بود، نمازش تمام است. *، ولی در مسیر روستا به شهر «الف» و در خود آن شهر و نیز در مسیر بازگشت به اهواز، باید نماز را شکسته بخواند؛ چون مسافتی که بعد از رفع تردید، قصد پیمودنش را دارد، به تنهایی - بدون احتساب مسافت طی شده قبل از تردید - به اندازه مسافت شرعی (هشت فرسخ) است. ۲۴۷

جواب سؤال ۲۳ - از اهواز تا شهر «الف» باید نماز را شکسته بخواند - حتی مدتی که در روستا (با تردید) توقف داشته - چون یک هفته توقف، قاطع سفر نیست. ۲۴۸

جواب سؤال ۲۴ - در مسیر اهواز به روستا، باید نماز را شکسته بخواند؛ ولی مدتی که در روستا با تردید، توقف داشته، نمازش تمام است. ۲۴۹ (برای توضیح بیشتر به فصل سوم، مسأله ۴ مراجعه فرمایید).

جواب سؤال ۲۵ - تا روستا، باید نماز را شکسته بخواند، ولی مدتی که در روستا با تردید، توقف داشته، نمازش تمام است و از روستا تا شهر «الف» و در خود آن شهر و نیز در مسیر بازگشت به اهواز، باید نماز را شکسته بخواند. ۲۵۰ (دلیل مطلب در جواب سؤال ۲۲ ذکر شده است).

جواب سؤال ۲۶ - در همه مواضع، نمازش شکسته است، چون بعد از پیمودن هشت فرسخ، تردید، اثری ندارد و حکم مسافر (وجوب شکسته خواندن نماز) استقرار پیدا کرده است. ۲۵۱ *

جواب سؤال ۲۷ - چنان چه پدر و مادر، در شهر مشهد، قصد توطن نمایند (تصمیم داشته باشند برای همیشه در آن جا زندگی کنند)، مشهد برای او نیز، مثل پدر و مادر، وطن اتخاذی می‌شود در غیر این صورت، در مشهد حکم مسافر را خواهد داشت. ۲۵۲
جواب سؤال ۲۸ - با اعراض پدر و مادر، در مورد او نیز اعراض تبعی، تحقق پیدا می‌کند، بنابراین، همان طور که اهواز برای پدر و مادر، از وطن بودن خارج می‌شود، برای او نیز از وطن بودن خارج می‌شود، لذا هر وقت به اهواز برود - مثل سایر شهرها - باید به احکام مسافر عمل کند. ۲۵۳

جواب سؤال ۲۹ - به نظر سایر مراجع، تهران برای او وطن اتخاذی می‌باشد. بنابراین، پس از مهاجرت و اعراض، دیگر وطن او نخواهد بود، هر چند مالک خانه باشد. از این رو هر وقت به تهران برود، باید به احکام مسافر عمل کند.

جواب سؤال ۳۰ - باید تا ساعت ده صبح روز یازدهم ماه، قصد توقف در اهواز را داشته باشد، تا نمازش تمام و روزه اش صحیح باشد. ۲۵۴

جواب سؤال ۳۱ - در همه ده روز، باید نماز را شکسته بخواند؛ چون رفتن به چهار فرسخی (به ضمیمه بازگشت) سفر جدیدی است

و با اقامه منافات دارد. ۲۵۵

جواب سؤال ۳۲ - چون از قصد اقامه، منصرف یا مردد نشده، بنابراین، در این دو روز، باید نماز را تمام بخواند و روزه را به جا آورد. ۲۵۶ (ع. م. ۱۷)

جواب سؤال ۳۳ - چون از قصد اقامه، منصرف یا مردد نشده، بنابراین، در پنج روز باقی مانده، باید نماز را تمام بخواند و روزه را به جا آورد. ۲۵۷ (ع. م. ۱۷)

جواب سؤال ۳۴ - زن، نمازش شکسته است و نمی‌تواند روزه بگیرد، ولی مرد باید نماز را تمام بخواند و روزه را به جا آورد. ۲۵۸ (ع. م. ۱۸)

جواب سؤال ۳۵ - در مسیر رفت و برگشت و نیز در مقصد، باید نماز را شکسته بخواند، ولی در محل اقامه، نمازش تمام است. ۲۵۹
جواب سؤال ۳۶ - در مسیر رفت و برگشت و نیز در مقصد و محل اقامه، باید نماز را شکسته بخواند. ۲۶۰

جواب سؤال ۳۷ - در مسیر رفت و برگشت و در روستا، نمازش شکسته است، ولی در مشهد باید نماز را تمام بخواند. ۲۶۱
جواب سؤال ۳۸ - از زمان حرکت از مشهد، در همه مواضع، حتی مشهد، موقع بازگشت به وطن - باید نماز را شکسته بخواند. ۲۶۲

جواب سؤال ۳۹ - اگر پیش از طی هشت فرسخ، در محلی توقف کند و نداند که چند روز آنجا خواهد ماند، چنانچه هنوز مصمم به ادامه سفر است، تا سی روز، نماز را شکسته می‌خواند و از روز سی و یکم نمازش تمام است، اما اگر در رفتن و ماندن، مردد باشد - از لحظه تردید - باید نماز را تمام بخواند. ۲۶۳ (برای توضیح بیشتر به فصل سوم مراجعه فرمایید).

جواب سؤال ۴۰ - در مسیر و در روستا، باید نماز را شکسته بخواند. ۲۶۴

جواب سؤال ۴۱ - در مسیر، باید نماز را شکسته بخواند، ولی در روستا بعد از تردید نسبت به ادامه سفر، نمازش تمام است. ۲۶۵ *
جواب سؤال ۴۲ - در همه مواضع، نمازش، شکسته است. ۲۶۶ *

جواب سؤال ۴۳ - در مسیر بازگشت، باید نماز را شکسته بخواند. ۲۶۸ *

جواب سؤال ۴۴ - در بین راه شهرک تاروستای «الف» و نیز مدتی که در اهواز است، باید نماز را تمام بخواند؛ چون قبل از پیمودن هشت فرسخ، از وطن عبور می‌کند. ۲۶۹

جواب سؤال ۴۵ - باید نماز را شکسته بخواند، چون از آغاز سفر (از شهرک) مسافت شرعی را قصد کرده و هیچکدام از قواطع سفر نیز تحقق پیدا نکرده است. ۲۷۰

جواب سؤال ۴۶ - از تهران تا روستای «ب» و در خود روستا، نمازش تمام است، ولی از آنجا تا شهرک، باید نماز را شکسته بخواند * * *، در شهرک نیز به جهت قصد اقامه، نمازش تمام است. ۲۷۱

جواب سؤال ۴۷ - از شهرک تا تهران و نیز در خود تهران، نمازش تمام است * ولی در بازگشت به شهرک، باید نماز را شکسته بخواند. ۲۷۲ (البته در صورتی که هیچ کدام از قواطع سفر، تحقق پیدا نکند).

جواب سؤال ۴۸ - در همه مواضع، باید نماز را تمام بخواند. ۲۷۳

جواب سؤال ۴۹ - چنانچه در شهرک قصد اقامه نماید و بعد از تحقق اقامه * * *، تصمیم بگیرد که برای تدریس، یا تحصیل و یا کار به اهواز رفت و آمد کند، در این صورت نمازش در شهرک و اهواز و بین راه تمام است (ولی کثیرالسفر نیست)، اما اگر موقع قصد اقامه یا قبل از تحقق اقامه، این تصمیم را داشته باشد، اقامه تحقق پیدا نمی‌کند * * *، بنابراین، باید به حکم مذکور در تبصره، عمل نماید. ۲۷۴

جواب سؤال ۵۰ - در اولین سفر شغلی، باید نماز را شکسته بخواند * و از سفر دوم نمازش تمام است. ۲۷۵

- جواب سؤال ۵۱ - چون هدف اصلی از سفر به اهواز، کار است و دیدار خویشان و دوستان، هدف فرعی می‌باشد، لذا سفر شغلی محسوب می‌شود. بنابراین، در مسیر رفت و برگشت و در اهواز، باید نماز را تمام بخواند. ۲۷۶
- جواب سؤال ۵۲ - ابتدای مسافت شرعی برای او، نقطه آغاز سفر است هر چند در وسط روستا باشد. ۲۷۷
- جواب سؤال ۵۳ - مقلدین امام راحل (ره)، نمی‌توانند به او اقتدا نمایند، ولی مقلدین آیت الله خامنه‌ای می‌توانند اقتدا کنند. *
- ۲۲۶- امام، اراکی، خوئی، گلپایگانی، بهجت، خامنه‌ای و فاضل، جواب، همان می‌باشد که در متن آمده است. تبریزی، زنجانی و مکارم: در مسیر رفت و برگشت و در روستا، باید نماز را شکسته بخواند.
- * - برای توضیح بیشتر به مسأله ۱۳ همین فصل مراجعه فرمایید.
- ** - برای توضیح بیشتر به مسأله ۱۳ همین فصل مراجعه فرمایید.
- *** - برای توضیح بیشتر به مسأله ۱۳ همین فصل مراجعه فرمایید.
- ۲۲۷- به فتوای همه مراجع معظم تقلید، جواب همان می‌باشد که در متن آمده است.
- ۲۲۸- به فتوای همه مراجع معظم تقلید، جواب همان می‌باشد که در متن آمده است.
- ۲۲۹- به فتوای همه مراجع معظم تقلید، جواب همان می‌باشد که در متن آمده است.
- ۲۳۰- به فتوای همه مراجع معظم تقلید، جواب همان می‌باشد که در متن آمده است.
- * - رعایت خحد ترخص روستا، لازم نیست؛ بلکه بعد از حرکت به طرف شهر مزبور، باید نماز را شکسته بخواند هر چند هنوز از روستا بیرونرفته باشد. (برای توضیح بیشتر به فصل هشتم مسئله ۱۴ مراجعه فرمایید).
- ** - برای توضیح بیشتر به فصل هشتم مسأله ۱۴ مراجعه فرمایید.
- *** - برای توضیح بیشتر به فصل اول، مسأله ۱۴ مراجعه فرمایید.
- ۲۳۱- به فتوای همه مراجع معظم تقلید، جواب همان می‌باشد که در متن آمده است.
- ۲۳۲- به فتوای همه مراجع معظم تقلید، جواب همان می‌باشد که در متن آمده است.
- ۲۳۳- به فتوای همه مراجع معظم تقلید، جواب همان می‌باشد که در متن آمده است.
- ۲۳۴- به فتوای همه مراجع معظم تقلید، جواب همان می‌باشد که در متن آمده است.
- ۲۳۵- امام، اراکی، خوئی، گلپایگانی، بهجت، خامنه‌ای و فاضل: جواب همان می‌باشد که در متن آمده است.
- تبریزی، زنجانی و مکارم: از اهواز تا روستای «ب» نمازش تمام است، چون بدون قصد پیموده است؛ اما از آن جا تا روستای «د» باید نماز را شکسته بخواند، چون قصد مسافت شرعی نمودهاست و نیز در خود روستای «د» باید نماز را تمام بخواند، ولی در مسیر بازگشت اهواز، باید نماز را شکسته بخواند. (برای توضیح بیشتر به فصل اول، مسأله ۱۴ مراجعه فرمایید).
- * - برای توضیح بیشتر به فصل اول مسأله ۱۴ مراجعه فرمایید.
- ** - چون بر فرض عدم تهیه بلید، ناچار به روستا باز می‌گردد، در نتیجه مجموع رفت و برگشت، هشت فرسخ است که به اندازه مسافت شرعی است، پس در هر صورت قصد طی مسافت کرده است.
- ۲۳۶- به فتوای همه مراجع معظم تقلید، جواب همان می‌باشد که در متن آمده است.
- ۲۳۷- به فتوای همه مراجع معظم تقلید، جواب همان می‌باشد که در متن آمده است.
- ۲۳۸- به فتوای همه مراجع معظم تقلید، جواب همان می‌باشد که در متن آمده است.
- ۲۳۹- به فتوای همه مراجع معظم تقلید، جواب همان می‌باشد که در متن آمده است.
- ۲۴۰- به فتوای همه مراجع معظم تقلید، جواب همان می‌باشد که در متن آمده است.

۲۴۱- به فتوای همه مراجع معظم تقلید، جواب همان می‌باشد که در متن آمده است.
 ۲۴۲- به فتوای همه مراجع معظم تقلید، جواب همان می‌باشد که در متن آمده است.
 * - برای توضیح بیشتر به فصل سوم، مسأله ۴ مراجعه فرمایید.

۲۴۳- به فتوای همه مراجع معظم تقلید، جواب همان می‌باشد که در متن آمده است.
 ۲۴۴- به فتوای همه مراجع معظم تقلید، جواب همان می‌باشد که در متن آمده است.
 ۲۴۵- به فتوای همه مراجع معظم تقلید، جواب همان می‌باشد که در متن آمده است.
 ۲۴۶- به فتوای همه مراجع معظم تقلید، جواب همان می‌باشد که در متن آمده است.
 ۲۴۷- به فتوای همه مراجع معظم تقلید، جواب همان می‌باشد که در متن آمده است.
 ۲۴۸- به فتوای همه مراجع معظم تقلید، جواب همان می‌باشد که در متن آمده است.
 ۲۴۹- به فتوای همه مراجع معظم تقلید، جواب همان می‌باشد که در متن آمده است.
 * - البته در شهر «الف» به جهت قصد اقامه، باید نماز را تمام بخواند.

۲۵۰- به فتوای همه مراجع معظم تقلید، جواب همان می‌باشد که در متن آمده است.
 ۲۵۱- به فتوای همه مراجع معظم تقلید، جواب همان می‌باشد که در متن آمده است.

۲۵۲- امام، اراکی، گلپایگانی، بهجت، خامنه‌ای و فاضل: جواب همان می‌باشد که در متن آمده است.

خوئی، تبریزی، زنجانی و مکارم: چنانچه قصد وطن نکنند ولی تصمیم داشته باشند، چند سال در مشهد زندگی کنند، مشهد برای او و پدر و مادرش، حکم وطن را خواهد داشت. (برای توضیح بیشتر به بحث وطن حکمی، مراجعه فرمایید).

۲۵۳- به فتوای همه مراجع معظم تقلید، جواب همان می‌باشد که در متن آمده است.
 ۲۵۴- به فتوای همه مراجع معظم تقلید، جواب همان می‌باشد که در متن آمده است.
 ۲۵۵- به فتوای همه مراجع معظم تقلید، جواب همان می‌باشد که در متن آمده است.
 ۲۵۶- به فتوای همه مراجع معظم تقلید، جواب همان می‌باشد که در متن آمده است.
 ۲۵۷- به فتوای همه مراجع معظم تقلید، جواب همان می‌باشد که در متن آمده است.
 ۲۵۸- به فتوای همه مراجع معظم تقلید، جواب همان می‌باشد که در متن آمده است.
 ۲۵۹- به فتوای همه مراجع معظم تقلید، جواب همان می‌باشد که در متن آمده است.
 ۲۶۰- به فتوای همه مراجع معظم تقلید، جواب همان می‌باشد که در متن آمده است.
 * - یعنی مردد و دو دل است که آیا به سفر ادامه دهد یا ده روز (و بیشتر) اقامت کند.

** - همانگونه که در فصل سوم گذشت، شرط سوم برای شکسته خواندن نماز، استمرار قصد مسافت شرعی (هشت فرسخ) است و با تردید در ادامه سفر، باید نماز را تمام خواند.

۲۶۱- به فتوای همه مراجع معظم تقلید، جواب همان می‌باشد که در متن آمده است.

۲۶۲- امام (ع.م. ۲۴)، گلپایگانی (ع.م. ۲۴) و فاضل (ع.م. ۲۴): در مسیر رفت و نیز در روستا، بنابر احتیاط واجب، باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند، ولی در مسیر بازگشت - حتی در اهواز - نمازش شکسته است.

اراکلی (ع.م. ۲۴)، تبریزی (ر.م. ۱۳۵۸) و مکارم (ع.م. ۲۴): جواب همان می‌باشد که در متن آمده است.

خوئی (ع.م. ۲۴ - ر.م. ۱۳۵۸): از اهواز تا روستا و در خود روستا، باید نماز را تمام بخواند، ولی در مسیر بازگشت - حتی در اهواز - نمازش شکسته است.

بهجت (استفتا): در همه مواضع، بنابر احتیاط واجب، باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند.

خامنه‌ای زنجانی:؟

۲۶۳- به فتوای همه مراجع معظم تقلید، جواب همان می‌باشد که در متن آمده است.

۲۶۴- به فتوای همه مراجع معظم تقلید، جواب همان می‌باشد که در متن آمده است.

۲۶۵- به فتوای همه مراجع معظم تقلید، جواب همان می‌باشد که در متن آمده است.

* - برای توضیح بیشتر به فصل اول، بحث مسافت تلفیقی مراجعه فرمایید.

** - البته در صورتی که هیچ کدام از قواطع سفر، تحقق پیدا نکند.

*** - چون مسیری که بعد از انصراف از اقامه ده روزه (یا بعد از انصراف از عبور) می‌خوهد برود، به اندازه مسافت شرعی است .

۲۶۷- امام، اراکی، خوئی، گلپایگانی، بهجت، خامنه‌ای و فاضل: در کل مسیر، نماز او تمام است .

تبریزی، زنجانی و مکارم: در همه مواضع، باید نماز را شکسته بخواند.

۲۶۸- به فتوای همه مراجع معظم تقلید، جواب همان می‌باشد که در متن آمده است.

۲۶۹- امام، اراکی، خوئی، گلپایگانی، بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، زنجانی و فاضل: جواب همان می‌باشد که در متن آمده‌است .

مکارم (استفتا): صرف عبور از وطن، با قطار و امثالش، نمی‌تواند قاطع سفر باشد. از این رو از شهرک تاروستای «الف» (و نیز در

شهر اهواز)، بنابر احتیاط واجب باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند. (برای توضیح بیشتر به عنوان پنجم از فصل چهارم، مسأله

۱ مراجعه فرمایید).

۲۷۰- به فتوای همه مراجع معظم تقلید، جواب همان می‌باشد که در متن آمده است.

۲۷۱- به فتوای همه مراجع معظم تقلید، جواب همان می‌باشد که در متن آمده است.

* - از شهرک تا ۳۵ کیلومتری تهران، چون سفر حرام است، باید نماز را تمام بخواند و از آنجا تا تهران، چون کمتر از مسافت

شرعی (هشت فرسخ) است، نمازش تمام است (تمام بودن نماز در تهران نیز به جهت قصد اقامه است).

*** - با گذشتن ده روز یا خواندن یک نماز چهار رکعتی (برای توضیح بیشتر به عنوان سوم از فصل چهارم مراجعه فرمایید).

*** - مگر به فتوای بعضی از مراجع معظم تقلید، آن هم با شرایط خاص. (برای توضیح بیشتر به عنوان سوم از فصل چهارم مراجعه

فرمایید).

۲۷۲- امام، اراکی، خوئی، بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، زنجانی، فاضل و مکارم: جواب همان می‌باشد که در متن آمده است .

گلپایگانی: از شهرک تا ۳۵ کیلومتری تهران، نمازش تمام است و از آن جا تا تهران، بنابر احتیاط واجب باید نماز را هم شکسته و

هم تما بخواند، ولی در تهران و نیز در مسیر بازگشت به شهرک، نمازش تمام است .

۲۷۳- امام: در مورد راننده و امثالش، جواب همان می‌باشد که در متن آمده است؛ ولی استاد، دانشجو و کارمند، نمازشان در همه

مواضع شکسته است. و فاضل: بنابر احتیاط واجب نماز استاد، دانشجو و کارمند، شکسته است.

اراکي، خوئی، گلپایگانی، بهجت، زنجانی و مکارم: جواب همان می‌باشد که در متن آمده است .

تبریزی: در مورد استاد و کارمند و راننده، جواب همان می‌باشد که در متن آمده است، ولی دانشجو، در همه مواضع، بنابر احتیاط

واجب باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند و روزه واجب را بگیرد.

خامنه‌ای: در مورد استاد و کارمند و راننده، جواب همان می‌باشد که در متن آمده است، ولی دانشجو، در همه مواضع، باید نماز را

شکسته بخواند.

* - چون از اول، قصد داشت دو هفته توقف کند.

۲۷۴- به فتوای همه مراجع معظم تقلید، جواب همان می‌باشد که در متن آمده است.

۲۷۵- امام و فاضل: راننده در سفر اول شغلی، باید نماز را شکسته بخواند و از سفر دوم، نمازش تمام است؛ ولی استاد و دانشجو و کارمند، در همه سفرهای شغلی، نمازشان شکسته است.

اراکي، گلیپایگانی و زنجانی: جواب همان می‌باشد که در متن آمده است.

خوئی: در مورد راننده، جواب همان است که در متن آمده؛ ولی استاد و دانشجو و کارمند، در سفر اول شغلی، باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخوانند و از سفر دوم، نمازش تمام است.

تبریزی: در مورد راننده، جواب را همشکسته و هم تمام بخوانند و از سفر دوم، نمازشان تمام است، و اما دانشجو، در همه سفرهای تحصیلی، باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخوانند.

خامنه‌ای: در مورد استاد و کارمند و راننده، جواب همان می‌باشد که در متن آمده است؛ ولی دانشجو در همه سفرهای تحصیلی، باید نماز را شکسته بخوانند.

مکارم: در اولین سفر شغلی، باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند و از سفر دوم، نمازش تمام است.

۲۷۶- امام و فاضل: در مورد راننده، جواب همان می‌باشد که در متن آمده است؛ ولی استاد و دانشجو و کارمند، در همه سفرهای شغلی، باید نماز را شکسته بخوانند.

اراکي، خوئی، گلیپایگانی، بهجت، زنجانی، و مکارم: جواب همان می‌باشد که در متن آمده است.

تبریزی: در مورد راننده، استاد و کارمند، جواب همان می‌باشد که در متن آمده است ولی دانشجو، در همه سفرهای تحصیلی، باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخوانند.

خامنه‌ای: در مورد راننده و استاد و کارمند، جواب همان می‌باشد که در متن آمده است؛ ولی دانشجو در همه سفرهای تحصیلی، باید نماز را شکسته بخوانند.

۲۷۷- به فتوای همه مراجع معظم تقلید، جواب همان می‌باشد که در متن آمده است.

* توضیح اینکه: هر چند نسبت به دانشجو کثیرالسفر، فتوای آیت الله خامنه‌ای، برخلاف فتوای آیت الله اراکی (ره) است، ولی نسبت به استاد کثیرالسفر، فتوای هر دو، یکسان است. از این رو اگر استاد کثیرالسفر، امام جماعت شود، دانشجو مقلد آیت الله خامنه‌ای - چه کثیرالسفر باشد یا غیر کثیرالسفر - می‌تواند به او اقتدا کند. اما عکسش درست نیست؛ یعنی، اگر دانشجو کثیرالسفر مقلد آیت الله خامنه‌ای - که نمازش شکسته است - امام جماعت شود، مقلدین آیت الله اراکی (ره) (دانشجو، استاد و...) نمی‌توانند به او اقتدا کنند.

توضیح چند واژه

ارتکاز: معنای موجود در ذهن. *

مسافت شرعی: هشت فرسخ است که حدود ۴۵ کیلومتر می‌باشد. **

ابتدای مسافت شرعی: آخرین محدوده عرفی شهر، یا روستا و یا...***

انتهای مسافت شرعی: ابتدای محدوده عرفی شهر مقصد. ****

حد ترخص: نقطه‌ای که از آن به بعد، مسافر، نماز را شکسته می‌خواند و روزه را باطل می‌کند. (تقریباً دو کیلومتری شهر). *****

عادل: شخص راستگویی که شیعه اثنی عشری باشد.

شخص مورد اعتماد (موثق): شخص راستگو؛ هر چند غیر شیعه باشد.

قصد اقامه: تصمیم مسافر مبنی بر توقف ده روز یا بیشتر در یک محل ۲۷۸.

تحقق اقامه: پس از قصد اقامه، با ده روز توقف و یا با خواندن یک نماز چهار رکعتی، اقامه تحقق پیدا می‌کند.

مقیم: مسافری که قصد اقامه کرده و اقامه‌اش نیز تحقق پیدا کرده است.

احکام مقیم: تمام خواندن نماز و صحیح بودن روزه است و...

احکام مسافر: شکسته خواندن نماز و صحیح نبودن روزه است و...

احکام وطن: تمام خواندن نماز و صحیح بودن روزه است (بدون نیاز به قصد اقامه) و...

قواطع سفر: ۲۷۹ اموری که سفر را قطع می‌کنند که عبارتند از: مرور به وطن، قصد اقامه و سی و یک روز توقف در یک محل به صورت مردد.

احتیاط واجب: هرگاه مجتهدی نظر خود را به صورت احتیاط وجوبی بیان کند، بر مقلدین او واجب است مطابق آن احتیاط عمل نمایند و اگر بخواهند می‌توانند در آن مسأله به فتوای مجتهد دیگر عمل کنند. ۲۸۰

* - برخی از معانی و مفاهیم در اذهان مردم وجود دارد که گاه مورد غفلت قرار می‌گیرد که با تمرکز ذهن و یا یاآوری، آن را در می‌یابند، این امر را ارتکازیات و یا مرتکرات می‌گویند.

مانند: معنای وطن، توطن، اعراض از وطن، تبعیت زن نسبت به شوهر در بعضی از امور و..

** - به فصل اول، مسأله ۱ مراجعه فرمایید.

*** - به فصل اول، مسأله ۸ مراجعه فرمایید.

**** - به فصل اول، مسأله ۱۱ مراجعه فرمایید.

***** - به فصل هشتم، مسأله ۱ مراجعه فرمایید.

۲۷۸- به فصل چهارم، عنوان سوم مراجعه فرمایید.

۲۷۹- به فصل چهارم مراجعه فرمایید.

۲۸۰- مثلاً آیت الله تبریزی در مورد دانشجویان کثیرالسفر، واجب می‌دانند که احتیاطاً نماز را هم شکسته و هم تمام بخوانند. بنابراین، دانشجویان کثیرالسفیری که مقلد ایشان هستند یا باید به این احتیاط عمل کنند، و یا به فتوای سایر مراجع معظم تقلید عمل نمایند.

منابع و مأخذ

عروة الوثقی با پاورقی مراجع معظم تقلید.

رساله توضیح المسائل مراجع معظم تقلید.

کتاب استفتاآت امام خمینی (ره).

کتاب استفتاآت آیت الله اراکی (ره).

کتاب صراط النجاة آیت الله خوئی (ره).

کتاب مجمع المسائل آیت الله گلپایگانی (ره).

حاشیه ذخیره العباد آیت الله بهجت.

حاشیه صراط النجاة آیت الله تبریزی.

کتاب اجوبه الاستفتاآت آیت الله خامنه‌ای.

- کتاب جامع المسائل آیت الله فاضل لنکرانی.
- کتاب استفتاآت آیت الله مکارم شیرازی .
- کتاب رساله نوین بی آزار شیرازی .
- استفتاآت شخصی از مراجع معظم تقلید